

چکیده مقالات همایش ملی کتب علوم اسلامی و
انسانی دانشگاهی و مرجعیت علمی
(به همراه کتابشناسی مرجعیت علمی در ایران)

تهران

۱۴۰۴



سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

چکیده مقالات همایش ملی کتب علوم اسلامی و انسانی

دانشگاهی و مرجعیت علمی

(به همراه کتابشناسی مرجعیت علمی در ایران)

رئیس همایش: دکتر حمید شهریاری

نائب رئیس همایش: دکتر پروانه شاه‌حسینی

دبیر علمی همایش: دکتر عبدالله عابدینی

دبیر اجرایی همایش: دکتر مهدی رفعتی‌پناه مهرآبادی

اعضای کمیته علمی همایش: دکتر سید رضا میرنظامی (استادیار، سیاستگذاری علم و فناوری و صنعت، دانشگاه صنعتی شریف)، دکتر سیدمحمد رضا امیری طهرانی‌زاده (دانشیار، پژوهشکده اقتصاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر عبدالرضا نوروزی چاکلی (استاد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شاهد)، دکتر کیارش فرتاش (استادیار، مدیریت تکنولوژی، گروه سیاستگذاری علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر علی اصغر پورعزت (استاد، گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران)، دکتر فیروز اصلانی (دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه تهران)، دکتر فرج‌الله علی‌قنبری (دانشیار پژوهشکده علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر محمد احمدی‌منش (استادیار، گروه مطالعات تاریخی و محیطی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، دکتر محمد آرمند (دانشیار، گروه علوم رفتاری، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، دکتر طالب زندی (استادیار گروه علوم رفتاری، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، دکتر محمدعلی رمضانی (استادیار، گروه مطالعات تاریخی و محیطی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، دکتر محمدعلی فتح‌اللهی (دانشیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر علی شمس‌الدینی (دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس).

اعضای کمیته اجرایی: دکتر محمدرجاء صاحب‌دل، زهرا فداکار، امیرحسین حسینی، لیلا صادقی، الهام نظری، پریسا خیلدار.

برگزارکنندگان همایش: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و

انسانی، مؤسسۂ استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC)
حامیان ہمایش: پژوهشگاه علوم و فناوری ایران (ایرانداک)، پژوهشگاه فرهنگ و
اندیشۂ اسلامی، مؤسسۂ آموزش عالی آل طہ، دانشگاه ارومیہ، دانشگاه ہنر اصفہان،
مؤسسۂ پژوهشی حکمت و فلسفہ، دانشگاه فرہنگیان، دانشگاه رازی، دانشگاه خلیج فارس،
دانشگاه مازندران، دانشگاه علم و فرہنگ، دانشگاه پیام نور، دانشگاه مہارت ملی، دانشگاه
کاشان، دانشگاه بجنورد، پژوهشگاه حوزہ و دانشگاه، دانشگاه امام حسین (ع)
ہیأت داوران ہمایش: دکتر محمد احمدی منش، دکتر محمدشاہین تقدیمی، دکتر حمیدرضا
خادمی، دکتر مہدی خاقانی اصفہانی، دکتر مہرداد رایجیان اصلی، دکتر مہدی رفعتی پناہ مہرآبادی،
دکتر مجید رمضانی مہریان، دکتر محمدعلی رمضانی، دکتر عبدالرسول شاکری، دکتر عبداللہ عابدینی،
دکتر عبدالرسول فروتن، دکتر امیرعلی مازندرانی، دکتر محسن مسعودیان، دکتر فؤاد مولودی

فهرست

عنوان	صفحه
پیشگفتار نائب رئیس همایش.....	۱
پیشگفتار دبیر علمی همایش.....	۳
مرجعیت علمی و کار آفرینی.....	۶
زهره احقاقی.....	
تحلیل مفهومی پژوهش‌های حوزه مرجعیت علمی در ایران.....	۸
حمید احمدی.....	
چرخش نظام معرفتی در تمدن اسلامی: ریشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی.....	۱۰
محمد احمدی‌منش.....	
تفکر انتقادی و مرجعیت علمی.....	۱۱
سید محمدرضا امیری طهرانی.....	
الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و مرجعیت علمی.....	۱۳
زهره اینانلو.....	
نقش محوری علوم انسانی و اجتماعی در مرجعیت علمی.....	۱۴
جعفر بحرینی.....	
از حکمرانی مبتنی بر علوم انسانی - اجتماعی بومی تا مرجعیت علمی.....	۱۵
جعفر بحرینی.....	
جایگاه تفکر انتقادی در توسعه علمی.....	۱۶
مهرداد برون.....	
نقش نوآوران اثرگذار در تحقق مرجعیت علمی دانشگاه‌ها در علوم انسانی اجتماعی.....	۱۷
محمد بیدهندی.....	
مروری تحلیلی بر حکمرانی دانش‌پایه و دانش مرجع.....	۱۸
احمد بیگلری.....	
جایگاه و نقش مرجعیت علمی در حکومت جهانی اسلام.....	۱۹
حسین پورمحمی آبادی.....	
ارزیابی نمود شاخص‌های مرجعیت علمی در کتب درسی علوم انسانی:.....	۲۰
محمدشاهین تقدیمی، امیرعلی مازندرانی.....	

- نقش زبان معیار در ارتقای کیفیت و مرجعیت متون علمی و آموزشی ۲۱
 احمد تقی‌خانی
- از تکرار سرفصل‌ها تا تکرار مفاهیم: نگاهی به شیوه نگارش کتاب‌های «کلیات حقوق اساسی» ۲۳
 محمدجواد حسینی
- مرجعیت علمی دانش «سیاست جنایی» در علوم جنایی؛ آسیب - شناسی ۲۴
 مهدی خاقانی اصفهانی
- تحلیل و ارزیابی راهبردی اسناد بالادستی سازمان سمت به منظور ارتقای مرجعیت علمی آن ۲۶
 طیبه دهقانپورفرشاه، ابراهیم فتحی
- مرجعیت علمی در گرایش‌های سنتی رشته حقوق ۲۷
 مهرداد رایجیان اصلی
- نقش کارگزاران علم در مرجعیت علمی ۲۹
 سعیده رجب‌زاده
- شاخص‌های مرجعیت علمی دانشگاه در رشته مهندسی برق ۳۱
 محمد رجیبی سیدانی
- تفکر انتقادی مهارتی ضروری برای ایجاد و حفظ مرجعیت علمی در ایران ۳۲
 احد رضایان قیه‌باشی، سجاد طاهرخانی، احسان طهماسب
- راهبردهای نشریات علوم انسانی و علوم پایه ایران در ارتقای مرجعیت علمی ۳۳
 علی‌رضا قلی‌فامیان
- سمت، سپهر عمومی و تاریخ: چگونگی اتصال وجه عام تاریخ به وجه خاص ۳۵
 مهدی رفعتی‌پناه مهرآبادی
- مسئولیت اجتماعی دانشگاه و مرجعیت علمی ۳۶
 مجید رمضانی مهربان
- رابطه میان سواد علمی عمومی و مرجعیت علمی: بررسی فرصت‌ها و تهدیدها ۳۷
 زهرا زرگر
- مؤلفه‌های کتاب درسی دانشگاهی در کمک به ارتقای مرجعیت علمی نظام آموزشی ۳۹
 طالب زندی
- چالش‌ها و سازوکارهای بنیادین تحقق مرجعیت علمی در حوزه آموزش ۴۱
 سیدحسین سیادتیان
- مرجعیت علمی و تمدن اسلامی و دنیای معاصر ۴۴
 فرزانه سرگزی، مهدی قادری
- الزامات فناوری‌های نوین هوشمند در تحقق مرجعیت علمی علوم اسلامی ۴۶
 حبیب سربانی

- نقش سازمان «سمت» در گسترش آموزش باستان‌شناسی در ایران ۴۷
 محمدرضا سعیدی
- مرجعیت علمی نقشه‌های جغرافیایی ۴۹
 پروانه شاه‌حسینی
- نقش برنامه‌ها و شاخص‌های علمی در تحقق مرجعیت علمی ۵۱
 محمدعلی شفقت
- تحقق مرجعیت علمی ایران در گرو باور و عمل به منظومه فکری مقام معظم رهبری ۵۲
 علی اصغر حمزه شلمزاری
- مرجعیت علمی در عرفان اسلامی و شرقی: بررسی مفهوم بیداری در اشعار مولانا ۵۴
 لیلا صادقی
- بین‌المللی‌سازی آموزش عالی و مرجعیت علمی: بررسی تجربیات موفق جهانی ۵۵
 مریم صنیع اجلالی
- پادپخش‌های دانشگاهی: ابزاری نوین برای بازآفرینی مرجعیت علمی ۵۷
 داوود طالقانی، علی طالقانی
- تحلیل دو کتاب دارای مرجعیت علمی حقوق بین‌الملل در زبان فارسی ۵۹
 عبدالله عابدینی
- جانمایی مرجعیت علمی علوم انسانی اسلامی در حکمرانی علم ۶۰
 محمداسماعیل عبداللهی، مهدی ملکی
- مرجعیت علمی دانشگاه‌ها در ترویج فقه حکومتی و حمایت از منفعت عمومی؛ ۶۱
 محمد مهدی غریب‌زاده کرمانی، سجاد عسکری
-
- تحول در مرجعیت علمی با استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی: ۶۲
- نقش فناوری‌های نوین و داده‌کاوی در ارتقای مرجعیت علوم انسانی و ۶۴
 زهرا فداکار
- بومی‌سازی دانش و مرجعیت علمی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها ۶۶
 فائزه فرازنده‌پور، مریم کشوری، لیلا مهاجرانی
- ارائه چارچوبی برای کاربردی‌سازی و اثربخشی علوم انسانی در دانشگاه‌ها ۶۷
 کیارش فرتاش، امیرهادی عزیزی
- آینده‌نگاری راهبردی، ضرورتی برای تحقق مرجعیت علمی در علوم انسانی ۶۹
 زهرا قراگوزلو فرهاد
- استخراج ویژگی‌های کتب درسی مرجع دانشگاهی با تأکید بر حوزه علوم انسانی اجتماعی ۷۰
 حسین قلی‌پور

- ۷۱ مدلها و الگوهای مرجعیت علمی دانشگاه
 محمد کارکنان نصرآبادی
- ۷۳ تحلیل تطبیقی مفهوم عدالت در نهج البلاغه و فلسفه مدرن: تطورات نظری و تأثیرات تاریخی
 نسرین کاظمی
- ۷۷ تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های بین‌المللی‌سازی در آموزش عالی ایران
 رامین کسانى، محمدتقی نظریور
- ۷۸ تأثیر شاخص‌های برندسازی در بازاریابی دیجیتال برای موفقیت
 رسول کنعانی
- ۸۰ شناسایی شاخص‌های مرجعیت علمی در کتب درسی علوم انسانی
 امیرعلی مازندرانی، محمدشاهین تقدمی
- ۸۲ فناوری‌های نوین و بازتعریف مرجعیت علمی: از زیرساخت دانایی تا قدرت نرم جهانی
 زهرا مجیدی، محبوبه مصاحبی، ملیکا مداحی
- ۸۳ دانشگاه و مرجعیت علمی: از نهاد آموزشی تا کنشگر تمدنی
 مهدی محمدزاده، محسن خاکی،
- ۸۴ اسلام و مرجعیت علمی
 پیام محمودی
- ۸۵ نقش زبان فارسی در مرجعیت علمی بر مبنای اندیشه‌های مقام معظم رهبری
 دکتر خدایار مختاری، امیرحسین جنتیان، فاطمه صادقی
- ۸۶ بررسی مرجعیت علمی امام محمد باقر(ع) و تأثیرات تحول‌آفرین ایشان در علوم اسلامی
 حسین مرادی نسب،
- ۸۷ علم و فضای گفتمانی جامعه: امکان‌سنجی مرجعیت علمی در بستر فرهنگ عمومی
 محبوبه مصاحبی، زهرا مجیدی، ملیکا مداحی
- ۸۸ موانع مرجعیت دانشگاه در ایران
 حسین مطیع، محمدعلی مطیع
- ۸۹ میان‌رشتگی در پژوهش‌ورزی علوم انسانی به مثابه مسیری برای مرجعیت علمی
 علیرضا منجمی
- ۹۱ مرجعیت علمی شاهنامه پژوهی در ایران
 فؤاد مولودی
- ۹۳ مدیریت دانش از نظریه تا پیاده‌سازی، راهبردی برای مرجعیت بومی دانش در ایران
 علی مهدی
- ۹۴ نقش کتاب‌های درسی زبان و ادبیات انگلیسی در شکل‌گیری تفکر انتقادی
 آزاده مهرپویان

- دستیابی به مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام: ۹۶
سید محمد تقی موحد ابطحی
- مرجعیت علمی و استاد خوب و متعالی ۹۷
محسن نیازی
- مرجعیت علمی و نوآوری پژوهشی ۹۹
محسن نیازی، محمد کارکنان نصرآبادی
- بررسی نقش نوآوری اجتماعی در تحقق مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی ۱۰۰
محسن نیازی، اکرم دهقانی، محمد کارکنان نصرآبادی
- مرجعیت علمی در حل مسائل جامعه: تحلیلی جامع و نوآورانه با تمرکز بر ایران ۱۰۲
محسن نیازی، فرزانه سرگزی
- مرجعیت علمی و بازطراحی حکمرانی: علم محوری به مثابه رکن توسعه پایدار ۱۰۳
محسن نیازی، زهرا مجیدی، محبوبه مصاحبی، ملیکا مداحی
- نقش تفکر انتقادی در تقویت مرجعیت علمی و نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی ۱۰۴
ثمانه یزدانی
- کتابشناسی مرجعیت علمی ۱۰۵

پیشگفتار نائب رئیس همایش

درباره تعریف مرجعیت علمی و لایه‌های آن وفاق کاملی وجود ندارد و تعاریف متعددی از آن شده است. با وجود این، با توجه به شاخص‌های تحقق مرجعیت علمی که به دو بخش عمده نرم‌افزار و سخت‌افزار تقسیم می‌شوند و شامل آموزش و پژوهش بین‌المللی، چاپ کتاب و کسب امتیازات علمی بین‌المللی، اختراعات، ایده‌ها و اختراعات تجاری-سازی شده، پژوهش در پروژه‌های صنعتی و دولتی، مشارکت در تولید محصولات و خدمات بین‌المللی، کسب رتبه‌های بین‌المللی مانند شاخص جهانی نوآوری (GII)، میزان سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، کسب درآمد مراکز علمی از تجاری‌سازی و دستاوردهای پژوهشی، معرفی حوزه‌های جدید و نو ظهور فناوری و مانند آن می‌باشند، درمی‌یابیم که مهمترین راهبرد سیاستی از این مفهوم در تولید علم و فناوری متجلی می‌شود، زیرا مرجعیت علمی به دنبال برتری علمی برای رفع مشکلات اجتماعی و کارآفرینی و ارزش افزوده اقتصادی در جامعه است. بدین ترتیب مرجعیت علمی می‌تواند به عنوان مهمترین محور در توسعه کشور در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نقش بسزایی ایفا کند. برای دستیابی به شاخص‌های مرجعیت علمی، ابتدا بایستی گفتمان-سازی و جریان‌سازی فکری در بین فرهیختگان جامعه رخ دهد تا با اشتراکات و اجماعات به دست آمده، امکان پیمودن سایر مراحل فراهم شود. از جمله وظایف سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی علوم اسلامی و انسانی (سمت) بر مبنای اساسنامه آن تصنیف، تألیف و ترجمه مآخذ درسی دانشگاهی و برگزاری همایش‌های علمی است. این سازمان تاکنون بیش از دو هزار و ششصد عنوان کتاب چاپ اول در حدود چهار میلیون و ششصد هزار جلد و بالغ بر سیزده هزار و پانصد عنوان کتاب تجدید چاپی در، بیش از سی و هشت میلیون جلد در حوزه علوم اسلامی و انسانی به چاپ رسانده و در اختیار جامعه دانشگاهی قرار داده است و تعدادی از آن‌ها جوایز ارزنده‌ای از مراکز معتبر علمی کشور دریافت کرده‌اند. به مدد این پشتوانه علمی، مقدر و مقرر شد سازمان سمت، به عنوان مهمترین متولی تولید علم در خصوص علوم اسلامی و انسانی در جامعه دانشگاهی با پیشینه چهل ساله نخستین همایش ملی کتب علوم اسلامی و انسانی دانشگاهی در مرجعیت علمی در سال

جاری را برگزار نماید. امید است دستاورد این همایش بتواند بر غنای گفتمان مرجعیت علمی در کشور بیفزاید و به تولید نقشه راه آن یاری رساند.

دکتر پروانه شاه حسینی

نائب رئیس همایش

پیشگفتار دبیر علمی همایش

پس از طرح موضوع مرجعیت علمی در جامعه علمی کشور در سال ۱۳۸۴، مقالات و کتب متعددی در خصوص تبیین ابعاد مختلف این مفهوم به رشته تحریر درآمد. در سال‌های اخیر نیز موضوع برگزاری همایش‌هایی در سطح کشور جهت تبیین هرچه بیشتر مفهوم مرجعیت علمی بوده است. یکی از این همایش‌ها توسط مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق با عنوان «به سوی مرجعیت علمی» در سال ۱۳۸۷ برگزار شد. دیگری، از سوی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور وابسته به وزارت علوم در سال ۱۴۰۲، و مورد دیگر توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد در سال ۱۴۰۲ برگزار شده است. از این رو، این مفهوم و ابعاد مختلف آن مورد توجه جامعه علمی کشور قرار گرفته است. شایان ذکر اینکه آثار نگاشته شده حول محور مرجعیت علمی لزوماً به رشته یا گرایش علمی خاصی محدود نبوده‌اند و بر همین اساس، نویسندگان متعددی از رشته‌های مختلف، علمی اعم از علوم انسانی و فنی و پزشکی، در این زمینه قلم‌فرسایی کرده‌اند.

از دیگر سو، در باب اهمیت مرجعیت علمی همین بس که این مفهوم در اسناد مختلف بالادستی، مانند سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی علم و فناوری، سیاست‌های ملی اقتصاد مقاومتی، نقشه جامع علمی کشور، قانون برنامه پنجم توسعه، قانون برنامه ششم توسعه، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، سند تحول دولت، لایحه برنامه هفتم توسعه، از اولویت‌های علمی کشور شناخته شده است. همچنین، مرجعیت علمی در کنار دیپلماسی علمی، از اولویت‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. در تعریف اولیه مرجعیت علمی گفته شده: «دسترسی و استفاده بهینه از شبکه جهانی دانش». در این مسیر کشوری که خواهان مرجعیت علمی است نه تنها باید در مقوله علم و شاخه‌های علمی سخنی برای گفتن داشته باشد، بلکه باید نسبت به پایش پیشرفت کمی و کیفی علم در کشورهای دیگر نیز آگاهی لازم را کسب نماید؛ بر این اساس، یک کشور می‌تواند با تمرکز بر حوزه‌های خاص دانش نسبت به تبدیل شدن به یک قطب علمی در منطقه و جهان، و در نهایت نسبت به ارتقای سطح رفاه در جامعه خود و تعالی بشر اقدام نماید. از طرف دیگر، در تعریف دیپلماسی علمی گفته شده: «دیپلماسی علمی استفاده از

همکاری‌های علمی بین کشورها برای رسیدگی به مشکلات مشترک و ایجاد مشارکت‌های سازنده بین‌المللی بر مبنای خرد، علم، نوآوری، فناوری برای مقابله با معضلات ملی و جهانی، مانند تغییرات آب و هوا یا بیماری‌های همه‌گیر جهانی است؛ بر این مبنای، مرجعیت علمی می‌تواند به عنوان ابزاری برای حل مشکلات و چالش‌های مشترک بشریت در سطح جهانی با همکاری سایر کشورها به کار گرفته شود. در این مسیر، بی‌تردید آموزش بخش بسیار مهمی در تبدیل شدن به مرجعیت علمی و ورود به حوزه دیپلماسی علمی است. آموزش دانشگاهی نیز بدون در اختیار داشتن کتب درسی معتبر و مرجح در هر یک از شاخه‌های دانش امری غیرممکن است. از این رو، شاید بتوان گفت کتب استاندارد آموزشی از نخستین مؤلفه‌های مرجعیت علمی و دیپلماسی علمی است.

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی و انسانی دانشگاهی (سمت) نیز به عنوان متولی اصلی تدوین کتب علوم اسلامی و انسانی در دانشگاه‌ها، یکی از مراکز علمی مهم کشور است که مسئولیت مهم ترویج علوم انسانی از طریق تهیه کتاب‌های آموزشی استاندارد را بر عهده دارد؛ از این رو، برپایی همایشی حول محور «نقش کتاب درسی دانشگاهی در مرجعیت علمی» می‌تواند به ارتقای هرچه بهتر نقش کتاب دانشگاهی در منظومه دیپلماسی و مرجعیت علمی کمک کند. براساس بند ۷ ماده ۲ اساسنامه سازمان سمت، یکی از وظایف و اختیارات سازمان عبارت است از «برگزاری همایش‌های علمی و ارائه دستاوردهای پژوهشی در قالب کارگاه‌های آموزشی با رعایت ضوابط و مقررات مربوط». همچنین، بند ۱۱ همین ماده به «ایجاد ارتباط و توسعه همکاری و تعامل با صاحب‌نظران، اندیشمندان، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و مراکز مشابه (حقیقی و حقوقی) در داخل و خارج کشور در راستای تحقق اهداف سازمان» اشاره دارد که در واقع بسترساز برگزاری همایش‌های مرتبط با حوزه کاری سازمان و در تحلیل نهایی، ترویج و گسترش اهداف سازمان می‌باشد.

طراحی و برگزاری این همایش حاصل مشارکت و همکاری اشخاص حقیقی و حقوقی دانشگاهی مختلف می‌باشد. پیشنهاد اولیه این همایش در آبان ماه ۱۴۰۲ از سوی ریاست محترم سازمان سمت جناب آقای دکتر مهدوی‌زادگان مطرح گردید. پس از آن کمیته‌ای ۵ نفره از اعضای هیأت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت) به همراه تنی چند از اعضای هیأت علمی سایر مراکز علمی مأمور بحث و بررسی ابعاد مختلف مفهوم

مرجعیت علمی شدند. پس از اخذ مجوزهای لازم جهت برگزاری همایش از مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC) فراخوان عمومی از مرداد ماه ۱۴۰۳ آغاز و تا دی ماه ۱۴۰۳ چکیده‌ها و مقالات واصله جهت ارزیابی علمی به داوران ارجاع می‌گردید. بدیهی است بدون همکاری صاحب‌نظران و پژوهشگران کشور و مقامات و همکاران سازمان سمت انجام این همایش به صورت مطلوب میسر نمی‌گردید. از این رو، جا دارد از زحمات همه دست‌اندرکاران، مسئولان، اعضای کمیته‌های علمی و اجرایی، هیأت داوران، نویسندگان و سخنرانان همایش، به ویژه جناب آقای دکتر حمید شهریاری (سرپرست محترم سازمان)، جناب آقای دکتر محمد رضا سعیدی (معاون محترم پژوهشی سازمان) سرکار خانم دکتر پروانه شاه حسینی (ریاست محترم پژوهشکده سازمان)، جناب آقای دکتر مهدی رفعتی‌پناه (دبیر اجرایی همایش) و اعضای دبیرخانه اجرایی همایش خانم‌ها زهرا فداکار، زهرا قراگوزلو فرهاد، لیلا صادقی و آقایان محمدرجاء صاحب‌دل و حسین حسینی قدردانی نمایم.

امید می‌رود با اتکا به خداوند متعال و مشارکت و هم‌افزایی جامعه علمی کشور در حوزه‌های مختلف، شاهد رشد و توسعه مرجعیت علمی علوم تولید شده به دست اندیشمندان و دانشمندان ایرانی و نقشی پررنگ برای اندیشمندان ایرانی در پیشرفت علوم در عرصه جهانی باشیم، و همایش پیش رو نیز بتواند سهم خود را از طریق مشارکت در بسط و توسعه مفهومی مرجعیت علمی با تأکید بر نقش کتاب علوم اسلامی و انسانی در این مسیر ادا نماید.

دکتر عبدالله عابدینی

دبیر علمی همایش

مرجعیت علمی و کار آفرینی

زهره احقاقی^۱

چکیده

مرجعیت علمی به معنای برتری و سرآمدی علمی است که علاوه بر ایجاد ارزش افزوده در محیط دانشگاهی و پژوهشی، باید پاسخگویی اجتماعی نیز داشته باشد تا به توسعه و پیشرفت جامعه کمک کند. این مفهوم نخستین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شد و به یک گفتمان مهم در نظام آموزش عالی و سیاستگذاری علمی کشور تبدیل شده است. مرجعیت علمی در چهار سطح سیادت علمی (تأثیرگذاری گسترده در توسعه علمی جامعه بشری)، مرجعیت موضوعی (سرآمدی در یک حوزه خاص)، مرجعیت مؤسساتی (برتری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در موضوعات مشخص) و مرجعیت پیشکسوتان (پرورش دانشمندان برجسته بین‌المللی) مطرح می‌باشد. مهمترین الزامات تحقق مرجعیت علمی، گفتمان‌سازی، برنامه‌ریزی دقیق، به‌روزرسانی مفاهیم، استفاده از تجارب جهانی و تنظیم نقشه راه، تقویت مأموریت‌گرایی، رصد مستمر وضعیت علمی و شناسایی مزیت‌های رقابتی است. از سوی دیگر، کارآفرینی به معنای فعالیت هدفمند برای ایجاد، توسعه یا حفظ یک واحد اقتصادی است که معمولاً با پذیرش ریسک، نوآوری، شناخت فرصت‌ها و استفاده از خلاقیت ذهنی همراه است. کارآفرینان افرادی هستند که با شهامت، ابتکار و نگرش واقع‌بینانه، فرصت‌ها را شناسایی و از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنند. کارآفرینی می‌تواند در قالب فردی یا گروهی باشد و نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند. ارتباط مرجعیت علمی و کارآفرینی در این است که مرجعیت علمی می‌تواند بستر و زیرساخت لازم برای نوآوری و خلق دانش کاربردی را فراهم کند که در نهایت زمینه‌ساز کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای نوآورانه می‌شود. به عبارت دیگر، رسیدن به مرجعیت علمی به معنای داشتن دانش برتر و نوآورانه است که می‌تواند به توسعه کارآفرینی و

۱. دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

اشتغال‌زایی منجر شود و این دو حوزه مکمل یکدیگر در مسیر پیشرفت کشور هستند. بنابراین، سیاست‌های علمی و پژوهشی باید به گونه‌ای طراحی شوند که همزمان به ارتقای مرجعیت علمی و تقویت کارآفرینی توجه داشته باشند تا ارزش افزوده علمی به صورت عملیاتی در جامعه تحقق یابد.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، کارآفرینی، نوآوری، سیادت علمی، دانش کاربردی.

تحلیل مفهومی پژوهش‌های حوزه مرجعیت علمی در ایران

حمید احمدی^۱

چکیده

مرجعیت علمی یکی از مفاهیم و شاخص‌های توسعه علم و فناوری در سیاست‌های کلان نظام علمی کشور است. از دهه هشتاد به دنبال مطرح شدن ادبیات مرجعیت علمی در جامعه علمی ایران، پژوهش‌های زیادی در تبیین، ابعاد نظری، کاربردی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن در شکل‌های مختلف و در مجامع داخلی و بین‌المللی انجام شده است. هدف از این پژوهش تحلیل ساختار مفهومی این پژوهش‌ها در ایران است. پژوهش حاضر براساس رویکرد علم‌سنجی و با روش‌های تحلیل هم‌واژگانی، خوشه‌بندی اطلاعات و تحلیل شبکه اجتماعی انجام شد. جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل کلیه مدارک علمی اعم از مقاله‌های فارسی، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌های تحصیلی و پروژه‌های تحقیقاتی از سال ۱۳۸۴ (اولین مدرک در این زمینه) تا دی ماه ۱۴۰۲ می‌باشد. یافته‌های مربوط به تحلیل هم‌واژگانی نشان داد، بیش از ۲۴۱ مفهوم یا کلیدواژه در این حوزه مطرح است. در این میان، علاوه بر مفهوم «مرجعیت علمی»، با فراوانی بالا، مفاهیم دیگری مانند: اهل بیت (ع)، قرآن کریم (در تبیین مرجعیت علمی)، کسب یا دستیابی به مرجعیت، دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه‌ها، دیدگاه رهبری و آموزش عالی، دارای بیشترین فراوانی در بین همه مفاهیم هستند. علاوه بر آن، زوج‌های مفهومی مرجعیت علمی - اهل بیت (ع)، مرجعیت علمی - قرآن، مرجعیت علمی - دیدگاه رهبری، مرجعیت علمی - دستیابی و مرجعیت علمی - دانشگاه‌ها، نیز بیشترین هم‌رخدادی با هم برقرار کرده‌اند. همچنین ۳۰ مفهوم مانند: بومی‌سازی علم، پویایی علمی، نشاط علمی، سرمایه علمی، مرجع علمی، پژوهش تمدن‌ساز، اقتدار علمی، علم‌گرایی، جریان علمی، کرسی ترویجی، مرزهای دانش، میراث علمی، سرآمدان علم ...، به عنوان مفاهیم نوظهور در پژوهش‌ها شناسایی

۱. استادیار، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. ایمیل: hamid_ahmadi@razi.ac.ir

شدند. نتایج مربوط به خوشه‌بندی نشان داد دانش این حوزه در ایران از ۱۳ خوشه اصلی تشکیل شده است. ترسیم نقشه‌های مفهومی حوزه دانش مرجعیت علمی نشان داد شبکه شکل گرفته مفاهیم دارای گسستگی است و مفاهیم آن کمتر با هم ارتباط برقرار کرده‌اند. با توجه به عدد تراکم شبکه (۰/۰۲۶۸)، نمی‌توان گفت شبکه مفهومی متراکمی دارد. پژوهش‌های این حوزه در ایران هنوز جوان است. اما بعد از مطرح شدن آن توسط مقام معظم رهبری، در سال‌های اخیر پژوهش‌های مرتبط با آن تا حدودی رشد داشته است. این پژوهش تصویر کلانی مفهومی از حوزه مرجعیت علمی را ارائه داد.

کلیدواژه‌ها: مرجعیت علمی، ترسیم ساختار علم، نقشه‌های مفهومی، شبکه مفهومی، تحلیل هم‌واژگانی، خوشه‌بندی اطلاعات

چرخش نظام معرفتی در تمدن اسلامی: ریشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

محمد احمدی‌منش^۱

چکیده

وضعیت علوم و فراز و نشیب‌های آن در درازنای سده‌های گوناگون همواره از موضوعات مهم مطالعات مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است. در این میان یکی از مباحث مهم این است که چرا پس از سده‌های سوم تا میانه سده پنجم هجری که دوره شکوفایی علوم به حساب می‌آید، دوره افول آن نیز در شیبی نسبتاً تند از راه رسید. این پرسش با رویکردها و از چشم‌اندازهای گوناگون مورد واکاوی قرار گرفته و آنچه در اینجا مورد نظر است، بررسی تأثیر عوامل سیاسی و زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی در سقوط علوم در تمدن اسلامی است. دیدگاه مورد نظر در اینجا را به گونه زیر می‌توان خلاصه کرد: در سده‌های پیش از برآمدن فرمانروایی سلجوقیان، حکومت‌های سامانی، بویه‌ای و غزنوی در شرق جهان اسلام و همچنین خلافت عباسی و وابستگان همه این دولت‌ها از طیف‌های گسترده‌ای نخبگان فرهنگی حمایت می‌کردند. سازوکار این پشتیبانی پدید آمدن محفل‌های فرهنگی و نخبگانی در پیرامون صاحب منصبان و ثروتمندان نزدیک به محافل سیاسی در حکومت‌های یادشده بود. به واسطه همین محفل‌ها بود که این نخبگان از مزایای اقتصادی و جایگاه اجتماعی بهره می‌شدند و از حضور اجتماعی تأثیرگذار به عنوان یک قشر فرهیخته برخوردار می‌شدند. این در حالی است که با روی کار آمدن سلجوقیان این محفل‌ها از میان رفتند و جای خود را به نهاد مدرسه و کارکردهای مذهبی مسجد دادند که از جنبه اقتصادی به طور عمده به سازوکار و سنت وقف وابسته بودند و منبع اقتصادی پایدار و تا حدی مستقل از دخالت‌های گاه و بیگاه سیاسی را فراهم می‌آوردند. به موازات این تغییر مهم و در پیوند با آن، در نظام معرفتی غالب در تمدن اسلامی هم جابجایی مهمی روی داد که به طور عمده عبارت بود از به حاشیه رانده شدن علوم عرفی و نخبگان آن و قرار گرفتن علوم دینی و علمای دینی در مرکز نظام معرفتی در تمدن اسلامی.

کلیدواژه‌ها: نظام معرفتی، تمدن اسلامی، سده سوم تا پنجم

۱. استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، ایران. ایمیل: mam.ahmadimanesh@gmail.com

تفکر انتقادی و مرجعیت علمی

سید محمدرضا امیری طهرانی^۱

چکیده

موضوع همایش مرجعیت علمی، نگاهی سیاست‌گذارانه به نهاد علم در کشور با هدف ارتقای آن و دستیابی به مرجعیت علمی در منطقه و حتی جهان دارد. براساس این رویکرد، این مقاله نخست به تبیین مفهوم نهاد علم و نقش کارگزاران آن، سپس مفهوم مرجعیت علمی و آن‌گاه جایگاه نقد یا تفکر انتقادی در مرجعیت علمی می‌پردازد. اصطلاح مرجعیت علمی ناظر به وضعیت یا موقعیتی مطلوب برای نهاد علم در جامعه است. سیاست‌گذاری برای دستیابی به مرجعیت علمی، نیازمند تعریف روشنی از وضعیت یا موقعیت مطلوب علمی است که به آن صفت مرجعیت علمی نسبت داده می‌شود، و هم چنین فهم دقیقی از ساختار و سازوکار نهاد علم است به نحوی که شرایط فعالیت این نهاد و نقش کارگزاران آن روشن گردد. بدیهی است که نهاد علم، امری اجتماعی و نه طبیعی، سازمانی یا فردی صرف است، گرچه همه این عوامل در سازوکار و فعالیت آن بازیگری می‌کنند. سازوکار فعالیت نهاد علم و سطح موفقیت آن به رفتار بازیگران نهاد علم اعم از دانشگاهیان، آکادمی‌های، حکمرانی علمی و هم چنین جامعه بستگی دارد. فرایند و برآیند رفتار و کنش بازیگران نهاد علم شامل دانشگاهیان اعم از استادان و دانشجویان و پژوهشگران؛ آکادمی‌های دربرگیرنده دانشگاه‌های، پژوهشگاه، مراکز تحقیقاتی؛ حکمرانی علمی اعم از نظام آموزشی و پژوهشی و آیین‌نامه‌های گزینش علمی استادان و دانشجویان؛ و حتی فرهنگ عمومی و داوری‌های ارزشی جامعه، سطح رونق و مرجعیت علمی کشور را تعیین می‌کند. ارتقای فعالیت‌های علمی و بهبود فرایند و برون‌دادهای آن متأثر از شرایط ساختار و سازوکار نهاد علم است. نقش حکمرانی علمی در بهبود شرایط برای تسهیل و تشویق فعالیت‌های علمی، به ویژه با توجه به رویکرد سیاست‌گذارانه به

۱. دانشیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. ایمیل: amiri@ihcs.ac.ir

مرجعیت علمی بی‌بدیل است. تلاش برای بهبود و ارتقای سطح علمی جز با درک سازوکار فعالیت‌های علمی و فراهم کردن شرایط مناسب برای آن، امکان‌پذیر نیست. مهم‌ترین شرط برای رونق گرفتن فعالیت‌های علمی، گسترش و حاکمیت فضای نقد و تفکر انتقادی در آکادمی‌هاست. حکمرانی علمی برای دستیابی به هدف مرجعیت علمی کشور، ملزم به فراهم کردن شرایط مناسب برای رونق یافتن نقد و تفکر انتقادی در آکادمی‌ها؛ در زمینه آموزش و پژوهش و حمایت مادی و معنوی از آن است. در فقدان فضای نقد و تفکر انتقادی، هدف‌گذاری مرجعیت علمی از سوی حکمرانی علمی تلاشی ناکام خواهد بود.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، نهاد علم، سیاست‌گذاران علم، تفکر انتقادی.

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و مرجعیت علمی

زهرا اینانلو^۱

چکیده

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی به عنوان یک چارچوب تمدنی بومی، با تکیه بر مبانی دینی و هویت ملی ایران، در پی بازتعریف مفهوم پیشرفت در برابر پارادایم‌های غربی توسعه است. این نوشتار با هدف بررسی نقش این الگو در دستیابی به مرجعیت علمی در ایران، به تحلیل ابعاد نظری و عملی آن می‌پردازد. مرجعیت علمی، به عنوان توانایی تولید دانش پیشرو و تأثیرگذار در سطح جهانی، یکی از ارکان کلیدی تمدن‌سازی اسلامی - ایرانی محسوب می‌شود. در این نوشتار، ابتدا مفهوم الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و ارتباط آن با مرجعیت علمی تبیین شده است. در این مقاله از اندیشه‌های اسلامی و دیدگاه‌های متفکران معاصر ایرانی مانند علامه طباطبایی و مقام معظم رهبری استفاده شده است. نتایج بیانگر این است که الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی با تأکید بر تولید علم بومی، نهضت نرم‌افزاری و تقویت زیرساخت‌های علمی - پژوهشی، می‌تواند به مرجعیت علمی ایران در سطح جهانی کمک کند. این الگو با ایجاد پیوند میان ارزش‌های دینی و دستاوردهای علمی، زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است. با این حال، چالش‌هایی نظیر کمبود زیرساخت‌های پژوهشی، ضعف در گفتمان‌سازی علمی و تأثیرپذیری از الگوهای غربی توسعه، موانعی در این مسیر هستند. بر این اساس، پیشنهادهایی مانند تقویت گفتمان تولید علم، توسعه اتاق‌های فکر، و ترویج فرهنگ پژوهش بومی به منظور تقویت مرجعیت علمی ایران از طریق الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، تمدن‌سازی نوین، مرجعیت علمی

۱. آموزگار پایه ششم مدرسه بانو نعمانی محمدشهر ناحیه ۳ البرز، البرز، ایران.

نقش محوری علوم انسانی و اجتماعی در مرجعیت علمی

جعفر بحرینی^۱

چکیده

اهمیت و ضرورت مرجعیت علمی بر همگان روشن است زیرا مرجعیت علمی مؤلفه اصلی در توسعه علمی و فناوری است و به تقویت و پیشبرد دانش در جامعه کمک می کند و بر جوانب مختلف زندگی تأثیرگذار است. مرجعیت علمی منجر به حل بهتر مشکلات و هموار شدن مسیر رشد و تعالی می شود. اما مسأله مهم تر چگونگی تحقق و رسیدن به «مرجعیت علمی» است. قاعدتاً ابعاد و عوامل مختلف در شکل گیری مرجعیت علمی تأثیرگذار هستند، اما بدون شک یکی از محوری ترین و به تعبیری کلیدی ترین عوامل شکل گیری مرجعیت علمی علوم انسانی و اجتماعی است. علوم انسانی و اجتماعی چون از یک طرف ناظر به انسان و اجتماعات انسانی اند، می توانند نیازهای عینی بشری را بهتر معرفی کنند، و به دلیل آشنایی با پیچیدگی های بشر و اجتماعات بشری، بهترین راه حل ها را ارائه دهند. علوم انسانی و اجتماعی می توانند بهترین عامل برای کنترل علوم و فناوری بشری باشد. اساساً اگر علوم انسانی و اجتماعی رویکردی زیست محور داشته باشند مانع از تخریب گسترده طبیعت و محیط زیست می شوند. همچنین این دست علوم ناظر به فاعل شناسا در تمام علوم و فناوری ها (یعنی انسان) هستند. از آنجا که با عمق انسان و لایه های شناختی و وجودی او آگاه هستند، می توانند بهترین عامل برای حل مشکلات ذهنی بشری باشند. می توانند موانع را از سر راه علوم بردارند و می توانند نظریه های عمیق و شگرفی را برای علم و فناوری ایجاد کنند.

کلیدواژه ها: علوم انسانی و اجتماعی، مرجعیت علمی، موانع بشری، تعالی بشری

۱. استادیار، فلسفه تطبیقی پژوهشکده تحول علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل: jf.bah1400@gmail.com

از حکمرانی مبتنی بر علوم انسانی - اجتماعی بومی تا مرجعیت علمی

جعفر بحرینی^۱

چکیده

مرجعیت علمی موقعیتی ویژه در نهاد علم است و لوازمی دارد. این لوازم باید مورد بررسی قرار بگیرد. باید نسبت به آن‌ها رویکرد خاصی انتخاب شود. آیا علم خنثی است؟ مرجعیت علمی چه تأثیری بر اجتماع و سرمایه‌های اجتماعی خواهد گذاشت؟ اگر علم و تکنولوژی رها شود، چه مسائلی به بار خواهد آورد؟ یعنی در مسیر تحقق چشم‌انداز «مرجعیت علمی» لاجرم با سؤالات و مسائلی مواجه خواهیم شد که باید موضع مشخصی برای آن‌ها در نظر گرفت. محوریت برای حل و پیشبرد آن موارد باید محرز و مشخص شود. محور علوم انسانی - اجتماعی (در مقابل علوم طبیعی) انسان و فعالیت‌های انسانی است. این علوم می‌توانند بهترین برنامه‌ها و راهکارها را برای تحقق مرجعیت علمی ارائه بدهند. زمینه‌چینی، محقق کردن برنامه‌ها و هماهنگ کردن تأثیرگذاران بر علم، و رفع موانع توسط یک حکمرانی مطلوب صورت می‌گیرد. آنجاست که می‌توان چشم‌انداز مرجعیت علمی را به دست آورد. البته اگر این حکمرانی با علوم انسانی - اجتماعی بومی به دست آمده باشد، آن وقت می‌تواند به درستی زمینه‌ها و عوامل چشم‌انداز مطلوب مرجعیت علمی را محقق کند، و مرجعیت به دست آمده حل‌کننده مسائل جامعه و مردم خودش خواهد بود و تأثیرات اجتماعی بسیار مطلوبی به ارمغان خواهد آورد.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی و اجتماعی، مرجعیت علمی، حکمرانی

۱. استادیار، فلسفه تطبیقی پژوهشکده تحول علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل: jf.bah1400@gmail.com

جایگاه تفکر انتقادی در توسعه علمی

مهرداد برون^۱

چکیده

موضوع این مقاله جایگاه تفکر علمی در توسعه علم است. هدف بررسی جنبه‌های مختلف تفکر علمی و اهداف آموزشی و تربیتی آن در آموزش می‌باشد. تفکر علمی بر گستره وسیعی از آموزش و پرورش سایه افکنده و با بخش‌هایی چون رشد اجتماعی، شناختی، روانی و رشد علمی دانش‌آموز ارتباط دارد. در آموزش‌های سنتی معلم به عنوان فردی فعال و فراگیر موجودی منفعل در کلاس بوده که با این وضعیت نباید از آموزش انتظار توسعه علمی داشت، بلکه باید در تدوین کتاب‌های درسی و فضای آموزشی تغییراتی ایجاد کرد. آنچه در آموزش مدنظر است، توجه به جنبه‌های مختلف علم و به کارگیری درست امکاناتی است که علم در اختیارمان قرار می‌دهد. هر گونه بی‌توجهی به این مطلب عواقب ناخوشایندی به همراه دارد که هم اکنون شاهد آن در سراسر جهان هستیم. نکته دیگر اینکه برای استفاده مطلوب از امکانات آموزشی، درک عمیق پدیده‌های مختلف علمی ضروری است، زیرا با حفظ طوطی‌وار مطالب نمی‌توان از امکاناتی استفاده کرد که شناخت درستی از آن نداریم. جمع‌آوری اطلاعات در این مجموعه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است. نتایج این بررسی حاکی از آن است که توسعه علم از طریق تفکر علمی و انتقادی نیازمند توجه به مسائل کتاب درسی است و این مهم با بهره‌گیری از روش‌های تدریس سنتی عملی نخواهد شد.

کلید واژه‌ها: تفکر انتقادی، توسعه علم، آموزش، کتاب درسی

۱. کارشناس فناوری اطلاعات، دانشگاه جامع لوله‌سازهاواز، ایران. ایمیل: mehrdadboroon95@gmail.com

نقش نوآوران اثرگذار در تحقق مرجعیت علمی دانشگاه‌ها در علوم انسانی اجتماعی

محمد بیده‌ندی^۱

چکیده

بی‌تردید دستیابی به مرجعیت علمی مستلزم شناسایی عوامل و موانع درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی، و همچنین زمینه‌های فرهنگی و فضای سیاسی و اجتماعی است. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: مدیریت کارآمد محیط‌های علمی، کتاب‌های درسی و رشته‌های تحصیلی دانشگاهی، مأموریت‌محور شدن مراکز آموزش عالی، برنامه‌محوری مرجعیت علمی کشور، تعاملات علمی بین‌المللی، استقلال بیشتر مراکز علمی، آزادی آکادمیک، گفتمان‌سازی ملی و بین‌المللی، فهم و نقد و تکمیل عالمانه نظریه‌های موجود در علوم انسانی، نظریه‌پردازی در خصوص علم دینی، کاربردی کردن علوم انسانی در راستای حل مشکلات جامعه، تسهیلگری جهت فهم عمیق علوم انسانی موجود و درک درست تطورات نظریه‌های علمی در علوم انسانی، حمایت از سرمایه انسانی نخبه و شناسایی نوآوران اثرگذار در علوم انسانی برای رسیدن به مرجعیت علمی. هدف این مقاله بررسی نقش نیروی انسانی خودباور و نوآور در تحقق مرجعیت علمی دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی اجتماعی است. با توجه به گستره دانش بشری و ضرورت حرکت در مرزهای دانش، به نظر می‌رسد بیش از آنکه به دنبال شناسایی افراد به عنوان مرجع علمی باشیم، باید در پی شناسایی، جذب و حمایت از متخصصان و صاحب‌نظران توانمندی باشیم که می‌توانند در مرجعیت دانشگاه‌ها و مراکز علمی نقش ایفا کنند. بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های این نوع مرجعیت (رسالت‌مندی، منظومه فکری منسجم، تفکر تولیدی) و ابعاد نوآوری و اثرگذاری (نظریه‌پردازی، آثار علمی، تعامل و اثرگذاری، اخلاق علمی) و معیارهای شناسایی نوآوران اثرگذار در مرجعیت از مهم‌ترین مباحث این مقاله خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مرجعیت علمی، نوآوری اثرگذار، دانشگاه، علوم انسانی اجتماعی

۱. دانشیار، فلسفه و کلام دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ایمیل: bidhendimohammad@yahoo.com

مروری تحلیلی بر حکمرانی دانش پایه و دانش مرجع

احمد بیگلری^۱

چکیده

نحوه حکمرانی به مثابه راهبرد کلان یک دولت در حوزه اداره جامعه، از یک سو به سیاست‌هایی در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری منتهی می‌شود؛ و از سوی دیگر، باید با واسطه مجموعه‌ای از آموزه‌ها با فلسفه کلان حیات اجتماعی در آن جامعه پیوند برقرار نماید. ماهیت این آموزه‌های واسطه نشان می‌دهد آیا میان اهداف جامعه (برخاسته از فلسفه حیات اجتماعی) و سیاست‌ها تناسبی وجود دارد یا خیر. مسأله‌ای که در اینجا وجود دارد ضرورت تناسب میان اهداف و سیاست‌های پیاده‌شده در جامعه است، زیرا در صورت ناسازگاری میان این دو، جامعه و به تبع آن، نظام سیاسی، دچار عدم تعادل می‌گردد و از اهداف اولیه خود منحرف می‌شود. در این نوشتار تلاش می‌کنم از منظری تحلیلی و با نظر به کلیت مسئله حکمرانی در ایران کنونی، این مسأله را تبیین نمایم. مدعایم آن است که راهکار اساسی برون‌رفت از ناسازگاری میان اهداف و سیاست‌های جامعه، زمینه‌سازی برای ظهور آموزه‌های واسطه متناسب با اهداف جامعه است، به گونه‌ای که حکمرانان را قادر سازد براساس آن‌ها سیاست‌گذاری کنند. بر این باورم که ظهور آموزه‌های مزبور به معنای مرجعیت علمی در حوزه حکمرانی خواهد بود.

کلید واژه‌ها: حکمرانی، حکمرانی دانش پایه، مرجعیت علمی

۱. استادیار، علوم سیاسی دانشگاه اراک، اراک، ایران. ایمیل: a-biglari@araku.ac.ir

جایگاه و نقش مرجعیت علمی در حکومت جهانی اسلام

حسین پورمحمی آبادی^۱

چکیده

از منظر حقوق بین الملل اسلام، یکی از اجزای اساسی شکل گیری حکومت اسلامی ملت مسلمان است. بایسته تشکیل ملت نیز از این نگاه، گرویدن به دین اسلام می باشد. از همین جا تفاوت ملت از نظر حقوق بین الملل عمومی، با ملت در نگاه اسلام مشخص می شود، زیرا در اسلام، بعد سرزمینی برای ایجاد ملت چندان مدنظر نیست. با این اوصاف، یکی از مسائل بنیادین در حقوق بین الملل اسلام، یعنی یکسان بودن قوانین اسلامی (به ویژه قوانین کیفری آن) برای همه مسلمانان، در عرصه بین المللی رخ می نماید. لازمه اساسی پرداختن به این مسأله توجه به ویژگی های جامعه اسلامی و هنجارمندی سازی ارزش های مسلمانان در پهنه جهانی است. از این روست که جایگاه و نقش مرجعیت علمی به عنوان یکی از اساسی ترین عوامل نهادینه سازی ارزش ها در جامعه اسلامی بروز می کند و با شناسایی آن می توان به اهمیت جایگاه و نقش آن در شکل گیری جامعه جهانی اسلام پی برد. در پژوهش حاضر پس از بیان مختصر مباحث مقدماتی، طی دو بند، ابتدا به تبیین مفهوم ملت به عنوان یکی از مبانی شکل گیری جامعه جهانی اسلام خواهیم پرداخت و سپس، جایگاه و نقش مرجعیت علمی در تحقق جامعه مزبور را با تکیه بر نقشی که در شکل گیری هنجارهای بنیادین آن دارد، تبیین خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: حکومت جهانی اسلام، مرجعیت علمی، هنجارمندی سازی، ملت مسلمان

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی و حقوق دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران. ایمیل: dr-mahyabadi@vru.ac.ir

ارزیابی نمود شاخص‌های مرجعیت علمی در کتب درسی علوم انسانی: مطالعه موردی کتاب‌های منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی

محمدشاهین تقدیمی^۱

امیرعلی مازندرانی^۲

چکیده

نقش کتاب درسی به عنوان قلب تپنده آموزش در دستیابی به اهداف آموزشی هر دوره و نظام آموزشی غیر قابل انکار است. با وجود این، به نظر می‌رسد موضوع مرجعیت علمی و نمود آن در کتاب‌های درسی به ویژه در کتاب‌های درسی حوزه علوم انسانی مغفول مانده است. از این رو، مطالعه حاضر کوشیده با بررسی موردی کتاب‌های منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی در علوم انسانی به این موضوع بپردازد. بدین منظور، کتاب روان‌شناسی تربیتی، نوشته دکتر کدیور به عنوان مورد فارسی و کتاب روش تدریس، نوشته دکتر فرهادی و دکتر دلشاد به عنوان مورد انگلیسی، به دلیل برخورداری از موضوع قابل مقایسه انتخاب شدند. با بهره‌گیری از چک لیستی برگرفته از مطالعات پیشین و با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی، نمود شاخص‌های مرجعیت علمی در این دو کتاب مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی حاکی از آن بود که تفاوت معناداری بین دو کتاب مذکور در ارتباط با نمود شاخص‌های مرجعیت علمی وجود ندارد. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که برای تقویت مرجعیت علمی، هر دو اثر در زمینه استناددهی، روزآمدی و بومی‌سازی نیازمند بازنگری هستند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند نقطه آغازی برای بازتعریف کتاب درسی در راستای رسیدن به مرجعیت علمی و همچنین کمک به ناشران کتاب‌های درسی برای در نظر گرفتن معیارهای به‌دست آمده در تهیه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی باشد. **کلیدواژه‌ها:** کتاب درسی، مرجعیت علمی، علوم انسانی، ناشران دانشگاهی، تحلیل محتوا.

۱. استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: taghaddomi.shahin@gmail.com

۲. استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: mazandarani@live.com

نقش زبان معیار در ارتقای کیفیت و مرجعیت متون علمی و آموزشی

احمد تقی‌خانی^۱

چکیده

این مقاله به تحلیل و بررسی اهمیت استفاده بهینه از زبان معیار در نگارش متون علمی و آموزشی می‌پردازد. زبان علمی، به عنوان یکی از زیرشاخه‌های مهم زبان معیار، نقش بی‌بدیلی در اعتباربخشی و مرجعیت علمی متون دارد. یکی از ویژگی‌های کلیدی زبان علمی استفاده از اصطلاحات دقیق و تعریف‌شده است که می‌تواند به فهم صحیح و انتقال شفاف مفاهیم علمی کمک شایانی بکند. کیفیت زبانی یک متن علمی و آموزشی، نه تنها بر درک بهتر محتوا توسط مخاطبان اثرگذار است، در ترویج علم و افزایش مرجعیت آن نیز مؤثر است. این پژوهش تأکید دارد که استفاده نادرست یا ناکافی از زبان علمی معیار می‌تواند منجر به سوء تفاهم، کاهش اعتبار علمی و افت کیفیت آموزش شود؛ در این راستا، مقاله به بررسی عواملی می‌پردازد که در ارتقای سطح علمی متون و بهبود کیفیت آموزشی نقش دارند. این عوامل شامل دقت در انتخاب و ساخت واژگان، رعایت دقیق قواعد دستوری، بهره‌گیری صحیح از اصول بندنویسی (پاراگراف‌نویسی) و استفاده از ساختارهای زبانی استاندارد است؛ علاوه بر این، پرهیز از به کارگیری اصطلاحات عامیانه و غیردقیق در متون علمی یکی از اصولی است که در این مقاله مورد تأکید قرار گرفته است. این پژوهش یک مطالعه تحلیلی - توصیفی است که به بررسی و تحلیل اهمیت و چگونگی استفاده از زبان معیار در نگارش متون علمی و آموزشی می‌پردازد. این روش به عمق تأثیرات زبانی بر کیفیت علمی و آموزشی پی‌برد و به نتایج کاربردی دست برسد. جامعه آماری این پژوهش شامل نمونه‌ای از متون علمی و آموزشی است که به زبان فارسی نوشته شده‌اند. این متون شامل کتاب‌های درسی، مقالات علمی منتشرشده در مجلات معتبر و برخی از

۱. کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی hatamebtesam@gmail.com

پایان نامه‌های دانشجویی است. داده‌های به دست آمده از تحلیل محتوای متون به صورت کیفی بررسی می‌شوند. نکات کلیدی مربوط به استفاده از زبان معیار استخراج شده و با استفاده از روش تحلیل موضوعی دسته‌بندی و تفسیر می‌شوند تا تأثیرات استفاده درست از زبان معیار بر مرجعیت و کیفیت متون علمی و آموزشی مشخص شود. به منظور تضمین روایی، در انتخاب متون از منابع معتبر و قابل اعتماد استفاده خواهد شد. همچنین تجربه شخصی نگارنده در ویرایش پایان نامه‌های دانشجویی و مقالات علمی - پژوهشی به کمک موارد تجویزی خواهد آمد. البته نظر به محدودیت‌ها نمونه‌های بررسی محدود خواهد بود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که استفاده درست و بجا از زبان معیار نه تنها به انتقال صحیح و دقیق اطلاعات علمی کمک می‌کند، موجب افزایش اعتماد به متون علمی و ارتقای مرجعیت آن‌ها می‌شود. همچنین، این استفاده صحیح می‌تواند فرایند ترویج علم در جامعه و کیفیت یادگیری در محیط‌های آموزشی را بهبود بخشد. در پایان، مقاله بر اهمیت توجه به زبان علمی معیار به عنوان ابزاری کلیدی در مرجعیت بخشی به متون علمی و آموزشی تأکید کرده و پیشنهادهایی برای بهبود استفاده از این زبان ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: زبان معیار، زبان علمی، نگارش علمی، مرجعیت علمی، ترویج علم.

از تکرار سرفصل‌ها تا تکرار مفاهیم: نگاهی به شیوه نگارش کتاب‌های «کلیات حقوق اساسی»

محمدجواد حسینی^۱

چکیده

حقوق اساسی یکی از شاخه‌های تنومند حقوق عمومی است که در چند دهه گذشته رشد خوبی در محافل علمی و آکادمیک کشور داشته و استقبال بسیاری از آن شده و آثار فراوانی در این حوزه در قالب مقاله و کتاب به رشته تحریر درآمده است. اما با مذاقه در برخی از کتاب‌های منتشر شده در حوزه «کلیات حقوق اساسی» ملاحظه می‌شود که این رشد بیشتر جنبه کمی داشته تا کیفی و تنوع مفاهیم مورد بحث در این کتاب‌ها چندان قابل مشاهده نیست و بیشتر آن‌ها دارای مفاهیم و مبانی تقریباً یکسان و مشابهی هستند. برای صحت سنجی این گفتار در این نوشتار به شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، پنج کتاب حقوق اساسی و نهادهای سیاسی دکتر سیدابوالفضل قاضی شریعت پناهی، حقوق اساسی دکتر منوچهر طباطبایی موتمنی، کلیات حقوق اساسی دکتر سیدجلال‌الدین مدنی، مسائل حقوق اساسی دکتر جعفر بوشهری، و حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی دکتر سید محمد هاشمی مورد مقایسه و مذاقه قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در کتاب‌های مذکور تنها به برخی از مفاهیم حقوق اساسی اشاره شده و دارای سرفصل‌ها و مفاهیم تکراری‌اند، که این تکرار محل تدقیق این نوشتار واقع گردیده است.

واژگان کلیدی: حقوق اساسی، کلیات حقوق اساسی، کتاب‌های حقوق اساسی، کتاب مرجع، تکرار مفاهیم، سرفصل‌های تکراری.

۱. کارشناس ارشد حقوق عمومی، حقوق دادرسی اداری و مدیریت نظارت و بازرسی
hosseini.publiclaw69@gmail.com

مرجعیت علمی دانش «سیاست جنایی» در علوم جنایی؛ آسیب - شناسی کتب دانشگاهی «سیاست جنایی»

مهدی خاقانی اصفهانی^۱

چکیده

سیاست جنایی به عنوان دانش راهبردی ناظر به تدوین، اجرا و ارزیابی سامانه‌های پاسخگویی به رفتارهای مجرمانه و منحرفانه خطیر، رهاورد تعامل مجموعه‌ای از علوم و معارف است. توسعه حقوقی نیازمند تحلیل درست رابطه موجود و مطلوب مبانی معرفت-شناختی و روش‌شناختی در ساحت نظری با بازیگران میدان عمل حقوقی است. چنین تحلیلی باید از بررسی انتقادی فضای پژوهش سیاست جنایی — که منشأ تغذیه علمی متولیان سیاست‌گذاری جنایی در نظم حقوقی کشور است — آغاز شود. ضعف مرجعیت علمی دانش سیاست جنایی در نظام سیاست‌گذاری عدالت جزایی، موجب فقدان «مکتب سیاست جنایی ایران» یا حتی «سیاست جنایی ایران» به معنای علمی کلمه شده است. نه تنها فقدان پژوهش کتاب‌سنجی، بلکه نبود حتی یک مقاله منسجم و جامع در قلمرو علم‌سنجی سیاست جنایی در ایران، فقدان داده جهت شناسایی هم‌رخدادی واژه‌های کلیدی برون‌دادهای پژوهشی سیاست جنایی، ساختار شبکه دانش در این قلمرو را از حد مرجعیت علمی دور نگه داشته است؛ در حالی که دانش سیاست جنایی، ذاتاً ماهیت مرجعیت علمی برای دیگر علوم جنایی حقوقی و تجربی دارد. این مقاله، به روش تحلیل انتقادی گفتمان، اشکالات اصلی کتاب‌های دانشگاهی سیاست جنایی را نمودیابی و علت‌شناسی می‌کند. همپوشانی زیاد در محتوای برخی فصول، نامگذاری و نحوه چینش فصول و ترجمه تحت‌اللفظی برخی جملات و انتشار ترجمه به نام تألیف، ناساختارمندی مطالب به رغم ماهیت سیستمی دانش سیاست جنایی، خلط مفاهیم و اصطلاحات و مصادیق و مدل‌واره‌ها و روابط اصلی و فرعی و اشتقاقی سیاست جنایی با هم، انتشار کتاب‌هایی به نام سیاست

۱. استادیار، حقوق جزا و جرم‌شناسی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.

ایمیل: khaghani@samt.ac.ir

جنایی با محتوای کم ربط به سیاست جنایی، تحلیل های ناکافی و حضور کم مؤلف در متن، نمونه هایی از گستره وسیعی از اشکالات کتاب های دانشگاهی منتشره در ایران به نام سیاست جنایی است. در فضای ضعف و غیبت نهادهای تولید دانش سیاست جنایی داخلی و مرجعیت علمی این دانش، نهادهای متکی به منافع افراد، به ذهن مأموران پلیس و قضات و دانشجویان و استادان حقوق و مدیران اجرای کیفرها و دیگر کنشگران سیاست جنایی سمت و سو می دهند.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، کتاب درسی حقوقی، علوم جنایی، سیاست جنایی.

تحلیل و ارزیابی راهبردی اسناد بالادستی سازمان سمت به منظور ارتقای مرجعیت علمی آن

طیبه دهقانپورفراشاه^۱

ابراهیم فتحی^۲

چکیده

سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)، وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به منظور پاسخگویی به نیاز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور در زمینه پژوهش، تألیف، تصنیف و ترجمه منابع مبنایی، درسی و سایر منابع علمی در زمینه علوم انسانی و اسلامی تأسیس شده است. «سمت» با وجود سابقه طولانی، به دلیل عدم به‌روزرسانی منابع و ضعف در تعاملات بین‌المللی، هنوز به مرجعیت علمی کافی در حوزه علوم انسانی دست نیافته است. این وضعیت به کاهش جذابیت و رقابت‌پذیری منابع آن در میان مخاطبان دانشگاهی انجامیده است. با توجه به گسترش فعالیت‌های سازمان در داخل و خارج از کشور و نیاز جامعه علمی، همچنین انتظارات مطرح‌شده در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان در خصوص تحول علوم انسانی، تدوین برنامه راهبردی برای سازمان ضرورت دارد. هدف این مقاله، تحلیل اسناد بالادستی با توجه به اهداف و بیانیه مأموریت سازمان «سمت» برای رسیدن به مرجعیت علمی است. در این راستا، با استفاده از روش SWOT، موقعیت کنونی سازمان و راهبرد اصلی آن برای ارتقای مرجعیت علمی مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت، به نظر می‌رسد راهبرد پیشنهادی براساس نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید باید ترکیبی از استراتژی‌های تدافعی و توسعه‌ای باشد. به طور کلی، تحلیل‌ها نشان می‌دهد سازمان در وضعیت میانه‌ای قرار دارد؛ نه با قوت‌ها و فرصت‌های بزرگ مواجه است و نه تهدیدها و ضعف‌های شدید دارد. بنابراین، راهبردهای متمرکز بر بهبود داخلی و بهره‌برداری از فرصت‌های محیطی باید در اولویت باشند.

واژگان کلیدی: راهبرد، سازمان سمت، مرجعیت علمی، اسناد بالادستی، روش سوات.

۱. دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی و استادیار، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل:

T.dehghanpoor@aut.ac.ir

۲. استادیار، رشته فرهنگ و ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، تهران، ایران. ایمیل: e.fathi@IRIBU.ac.ir

مرجعیت علمی در گرایش‌های سنتی رشته حقوق

مهرداد رایجیان اصلی^۱

چکیده

پیشینه رشته حقوق در سامانه دانشگاهی ایران به برپایی مدرسه علوم سیاسی و حقوق که سپس به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تبدیل شد، بازمی‌گردد. نخستین گرایش‌های این رشته، که در این مقاله از آن‌ها به گرایش‌های سنتی رشته حقوق یاد می‌شود، چهار گرایش بودند: حقوق خصوصی، حقوق جنایی و جرم‌شناسی، حقوق عمومی و حقوق بین‌المللی. اگرچه امروز گرایش‌های بسیار دیگری (مانند حقوق بشر، حقوق محیط زیست، حقوق بانکی و مالی، حقوق نفت و انرژی، حقوق اقتصادی، حقوق تجارت بین‌المللی، حقوق مالکیت فکری، حقوق جنایی کودکان و نوجوانان، و حقوق ثبت اسناد و املاک) به رشته حقوق افزوده شده‌اند، ولی می‌توان گفت همه این گرایش‌های پسین از همان گرایش‌های چهارگانه سنتی برخاسته‌اند و به زبان «نخستین همایش ملی کتب علوم اسلامی و انسانی دانشگاهی و مرجعیت علمی»، مرجع همه این گرایش‌های علمی حقوق همان گرایش‌های چهارگانه سنتی بوده‌اند. وانگهی، این مرجعیت را می‌توان در میان خود آن گرایش‌های سنتی نیز بررسی کرد. بدین سان، با توجه به پیشینه این گرایش‌ها در سامانه دانشگاهی ایران، به نظر می‌رسد که جایگاه و سهم آن‌ها می‌تواند به ترتیبی که پیش‌تر نام برده شدند، بستگی داشته باشد. این ترتیب یا چینش البته می‌تواند با متغیر علاقه و اقبال دانشجویان به انتخاب هر یک از آن گرایش‌ها در دوره‌های تحصیلات تکمیلی حقوق نیز سنجیده شود. جنبه کاربردی یا عملی یا همان بازار کار آن‌ها نیز متغیر دیگری برای این سنجش می‌تواند باشد. با توجه به این متغیرها و هم چنین پیشینه این گرایش‌ها، به نظر می‌رسد که دو گرایش حقوق خصوصی، و حقوق جنایی و جرم‌شناسی در مقایسه با دو گرایش پسین (حقوق عمومی و حقوق بین‌المللی)، علاقه‌مندی

۱. استاد یار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، تهران، ایران. ایمیل: m.rayejian@samt.ac.ir

و اقبال بیش تری از سوی جامعه دانشگاهیان را به خود اختصاص می دهند و این ویژگی به دلیل بازار کار پررونق تر دو گرایش نخست، برجسته تر بوده است. با وجود این، با پیدایش و گسترش گرایش های دیگر در سال های گذشته، شاید بتوان تغییر و دگرگونی در چینش و ترتیب گرایش های سنتی حقوق را گمانه زنی کرد و آینده ای را که گرایش هایی مانند حقوق مالکیت فکری، حقوق تجارت بین المللی، یا حقوق بشر، بتوانند گوی سبقت را از گرایش های سنتی خود برابند، چندان دور از ذهن ندانست.

کلید واژه ها: رشته حقوق، گرایش های سنتی حقوق، سامانه دانشگاهی ایران، جامعه دانشگاهی

نقش کارگزاران علم در مرجعیت علمی

سعیده رجبزاده^۱

چکیده

جهان امروز جهان ویژگی‌های خاص است و با تغییرات پرشتاب علم و فناوری، جابه‌جایی شدید قدرت و رقابت روزافزون میان کشورها مشخص می‌شود. به عقیده بسیاری از دانشمندان، آینده جهان از آن ملت‌هایی است که در تولید علم و محصولات و خدمات مبتنی بر آن پیشرو بوده و از سایرین پیشی می‌گیرند. تغییر جایگاه کشورها در تولید به کارگیری علم در جهان، آینده‌های متفاوتی را پیش روی آن‌ها قرار می‌دهد. ایران نیز در شمار کشورهای است که در دو دهه گذشته، پیشرفت علمی را به عنوان مسأله‌ای راهبردی در نظر گرفته و سیاست‌های جامعی در این زمینه تدوین کرده است. مدیران و سیاستمداران ایران موضوع «مرجعیت علمی» را به عنوان بحثی محوری مطرح کرده و آن را در کانون توجه جای داده‌اند. مطالعه و بررسی اسناد بالادستی کشور در حوزه علم و فناوری نیز حکایت از توجه و تمرکز آن‌ها بر پیشرفت‌های علمی است. در سند نقشه جامع علمی کشور، مواردی نظیر «دستیابی به جایگاه اول علم و فناوری در جهان اسلام»، «احراز جایگاه برجسته علمی و الهام‌بخش در جهان»، «توجه به شاخص‌های سنجش بهره‌وری علم و فناوری»، «دستیابی به علوم و فناوری‌های نوین و محصولات دانش‌بنیان» و «تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه‌پردازی و گسترش مرزهای دانش» به عنوان اهداف و راهبردهای کشور در حوزه علم و فناوری به چشم می‌خورد. همچنین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، سیاست‌های کلی علم و فناوری ایران، سند نقشه جامع سلامت کشور، قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه کشور از جمله اسنادی است که به اشکال مختلف، مانند چشم‌انداز، هدف، راهبرد و شاخص به بحث کمیت و کیفیت آثار علمی توجه نشان داده‌اند. در مجموع، از دلایل تأکید بر دستیابی به مرجعیت علمی می‌توان به این موارد اشاره کرد که علم، اقتدارآفرین است و دستیابی به مرجعیت علمی و فناوری در جهان نه تنها امنیت ملی را در

۱. کارشناسی ارشد مدیریت اطلاعات دانشگاه شاهد rajabzade.saeide@gmail.com

سطح بالایی فراهم می‌آورد، بلکه موجب ایجاد اقتدار ملی شده و در نتیجه ضمانت بقا را در پی دارد. از شاخص‌های سنجش توسعه علمی یک جامعه می‌توان به تعداد مقالات چاپ‌شده در مجلات بین‌المللی، تعداد نشریات، تعداد اعضای هیأت علمی، تعداد کتب علمی چاپ‌شده، انجمن‌های علمی و ثبت اختراعات یاد کرد. دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به عنوان عالی‌ترین مراکز اندیشه‌ورزی و تولید علم جامعه، همچنین با مشارکت دادن اندیشمندان، پژوهشگران و نخبگان در کشور، به سبب تسلطشان بر رسانه‌های علمی نظیر (کتاب، نشریه، روزنامه و ...) و برقراری تعاملات علمی بین‌المللی سازنده با دیگر کشورها در جهت‌دهی و دستیابی به مرجعیت علمی نقش بسزایی دارند. استفاده از روش‌های ارزیابی کمی علمی برای مقایسه کشورها، دانشگاه‌ها، مؤسسات علمی و نویسندگان بسیار مورد توجه سیاست‌گذاری‌های علمی قرار گرفته است؛ در این خصوص مطالعات علم‌سنجی می‌تواند به عنوان ابزاری مناسب برای درک بهتر فرایند تحقیقات، پژوهش‌های علمی و تجزیه و تحلیل بروندها و تولیدات علمی به رشد و توسعه علمی حوزه‌های اولویت‌دار کمک شایانی کند.

واژگان کلیدی: توسعه علمی، مرجعیت علمی، اسناد بالادستی، شاخص‌های علم‌سنجی

شاخص‌های مرجعیت علمی دانشگاه در رشته مهندسی برق (بررسی موردی دانشجویان برق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هرند)

محمد رجبی سبدانی^۱

چکیده

مرجعیت علمی واژه‌ای که اولین بار از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی به ادبیات کشور شناسانده شد، پس ایشان را می‌توان مخترع این اصطلاح علمی قلمداد کرد، که حتی معادل لاتینی تاکنون برای آن که کامل و جامع باشد، ارائه نشده است. پیشرفت و رشد فناوری از یک طرف و تحولات زندگی بشر از سوی دیگر، دانشگاه‌ها و اساتید رشته مهندسی را اولین مخاطب مرجعیت علمی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) قرار می‌دهد که نقشی بسیار کلیدی و راهبردی در این باب دارند. مفاهیمی چون مرجعیت و علم همواره در طول تاریخ محملی برای تفکر و نظریه‌پردازی اندیشمندان بوده است. متفکران اسلامی نیز همچون دیگر اندیشمندان تعاریفی در مورد این دو مقوله بیان کرده‌اند. بررسی این تعاریف و یافتن چگونگی رویکرد مهندسی به مرجعیت علمی از نظر دانشجویان، در فهم رویکرد اساتید این رشته به این دو مقوله راهگشا خواهد بود؛ بدین منظور در تحقیق حاضر ابتدا، به روش توصیفی-تحلیلی، مفهوم مرجعیت علمی بررسی می‌شود و سپس با استنتاج و استدلال منطقی، با توجه به نقش انسان و به تبع آن مهندس در عالم هستی، نوع رویکرد مشخص می‌گردد. با توجه به اینکه دانشگاه نقش و رسالت بزرگی در ترویج و توسعه مرجعیت علمی دارد، در این مقاله به بررسی راهکارها و شاخص‌های مؤثر در مرجعیت علمی دانشگاه در رشته مهندسی برق پرداخته می‌شود. در ابتدا ماهیت علم و تعاریف مرجعیت و سپس نظر دانشجویان در باب شاخص‌های مرجعیت علمی در رشته مهندسی برق و در آخر نقش اساتید در شاخص‌های مرجعیت علمی در رشته مهندسی برق ارائه شده است و در نهایت پیشنهاد رشته به عنوان مرجعیت‌ساز بیان شده است.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، دانشگاه، رشته مهندسی برق، دانشجویان، اساتید.

۱. استادیار، گروه برق، دانشکده مهندسی برق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هرند، اصفهان، ایران. ایمیل: mohamd.rajabi@gmail.com

تفکر انتقادی مهارتی ضروری برای ایجاد و حفظ مرجعیت علمی در ایران

احمد رضایان قیبه‌باشی^۱

سجاد طاهرخانی^۲

احسان طهماسب^۳

چکیده

تفکر انتقادی مهارتی فردی و گروهی است که مانع از تقدس و شالوده‌سازی برای یافته‌های پیشین می‌شود. تفکر انتقادی نه تنها از طریق قدرت پرسشگری، گزاره‌های علمی، باورها و قوانین را دائماً به چالش می‌کشد، بلکه مهارت و فرصت بدیل‌اندیشی و آینده‌نگری را افزایش می‌دهد. نگاهی به تاریخ علم نشان می‌دهد که یکی از الزامات ایجاد و حفظ مرجعیت علمی در بین تمدن‌ها و کشورها، توسعه تفکر انتقادی و همگام‌سازی تغییرات محیطی با به‌روزرسانی یافته‌ها و گزاره‌های علمی بوده است. در این پژوهش با استفاده از روش مرور نظام‌مند منابع و مصاحبه با خبره‌ها و برگزاری پنل خبرگی تلاش شد تا به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه می‌توان از تفکر انتقادی برای ایجاد و حفظ مرجعیت علمی در جامعه استفاده کرد. الزامات و بسترهای لازم برای توسعه تفکر انتقادی در راستای حفظ مرجعیت علمی کدام‌ها هستند؟ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد و حفظ مرجعیت علمی به عنوان دو هدف کلان ملی نیازمند بازنگری در سه سطح فرایندها، ساختارها و فرهنگ ملی با تکیه بر اصول تفکر انتقادی و نگاه انتقادی است. واژگان کلیدی: تفکر انتقادی، مرجعیت علمی، آینده‌نگری، شالوده‌شکنی علمی.

۱. استادیار، گروه آینده‌پژوهی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
ahad.rezayan@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد تهران، تهران، ایران.
sajad.taherkhani.st@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد آینده‌پژوهی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
ehsantahmaseb@ut.ac.ir

راهبردهای نشریات علوم انسانی و علوم پایه ایران در ارتقای مرجعیت علمی

علی‌رضا قلی فامیان^۱

چکیده

مرجعیت علمی موضوعی چندبعدی در عرصه دانش است که با مفاهیم و متغیرهایی مانند قدرت، منزلت، مشروعیت، کارایی، پیوند با نهادهای گوناگون، سهولت دسترسی و غیره ارزیابی می‌شود. یکی از بسترهای بازنمایی و تثبیت مرجعیت علمی نشریات علمی هستند. در این پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهیم که نشریات علمی ایران از چه استراتژی‌هایی برای بازنمایی جایگاه علمی خود استفاده می‌کنند. برای پاسخ به این پرسش ۴۰ نشریه علمی پژوهشی (۲۰ نشریه از علوم انسانی و ۲۰ نشریه از علوم پایه) مدنظر قرار می‌گیرند. پیکره پژوهش شامل صفحه «مشخصات نشریه»، «درباره نشریه» و نیز «اهداف و چشم‌اندازها» می‌باشد که معمولاً در وبگاه‌های نشریات قابل مشاهده‌اند. نگاهی گذرا به مطالب مندرج در این بخش‌ها حاکی از آن است که نشریات از انواع استراتژی‌ها برای بازنمایی جایگاه خود بهره می‌گیرند. برخی از این استراتژی‌ها عبارتند از اشاره به همکاری با نهادهای علمی به ویژه انجمن‌های علمی، اشاره به نمایه‌سازی مقالات در نمایه‌های بین‌المللی، تأکید بر بین‌المللی بودن نشریه و انتشارات مقالات به زبان انگلیسی و یا چکیده انگلیسی، رعایت اصل شفافیت و بی‌طرفی علمی از طریق اعمال شیوه دوسویه ناشناس بودن نویسنده و داور. علاوه بر این استراتژی‌های عمومی برخی رویکردهای خاص نیز مطرح‌اند که قابل تأمل هستند. برای نمونه، در یک نشریه متعلق به گروه علوم پایه، غنا بخشیدن به زبان فارسی علمی در رشته فیزیک به عنوان یکی از اهداف نشریه ذکر شده است. این نمونه نشان می‌دهد که در بحث مرجعیت علمی، گاه با استراتژی‌هایی متضاد سروکار داریم، به طوری که در نشریه مزبور، بومی‌سازی (تأکید بر زبان فارسی) در کنار

۱. دانشیار، دانشگاه پیام نور، زبان‌شناسی و زبانهای خارجی، تاکستان، قزوین، ایران. ایمیل: famianali@pnu.ac.ir

جهانی سازی (انتشار مقالات به زبان انگلیسی) مطرح می شود. این مثال نشان می دهد که مشروعیت علمی به طور عام و مشروعیت علمی نشریات به طور خاص مفهومی چندلایه ای است و برای درک آن ناچاریم تمام ابعاد و لایه های مؤثر را مدنظر قرار دهیم. واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، نشریه علمی، علوم انسانی، علوم پایه، استراتژی.

سمت، سپهر عمومی و تاریخ: چگونگی اتصال وجه عام تاریخ به وجه خاص و تخصصی آن از طریق تألیف و چاپ آثار تاریخی در سمت

مهدی رفعتی پناه مهرآبادی^۱

چکیده

سپهر عمومی مکانی در زندگی گروهی انسان‌ها است که با تحقق آن، مردم جامعه می‌توانند با بهره‌گیری از یکدیگر به سخن آیند و با مفاهمه به امر عمومی توجه کنند، و آن را مورد بحث و گفتگو قرار دهند. در ارتباط با رشته تاریخ، به عنوان بخشی از نظام دانشگاهی، به نظر می‌رسد که حوزه عمومی کاملاً از حوزه تخصصی این رشته جدا عمل می‌کند. آنچه امروزه چه در فضای عمومی جامعه و چه در فضای مجازی وجود دارد، همین وجه عام تاریخ است. در این معنا نظام دانشگاهی رشته تاریخ عموماً ورودی نداشته یا اگر هم ورودی داشته بسیار کم و حداقلی بوده است و همین امر سبب ارائه روایت‌های گوناگون غیرمستند و متوهمانه از گذشته شده است. عدم حضور رشته تاریخ و نیز متخصصان آن در حوزه عمومی از یک سو سبب ضعف سواد تاریخی حوزه عمومی و نیز عدم بیان روایت‌ها و تحلیل‌های علمی از گذشته شده است، و از سوی دیگر به دلیل غیبت تخصص تاریخی، جای رشته و متخصصان تاریخ را نامتخصصان و روایت‌هایی گرفته‌اند که بیشتر بر برانگیختن احساس مخاطب و نه واقعیت‌های تاریخی ابتناء دارند؛ در این میان، سازمان سمت به عنوان متولی اصلی کتاب‌های دانشگاهی رشته تاریخ، می‌تواند از طریق ایفای نقش مؤثر ذیل مسئولیت اجتماعی با بهره‌گیری از متخصصان تاریخ، دست به تألیف آثاری بزند که هم قبول عام دارند و هم از استواری علمی لازم برخوردار باشند. به این ترتیب، سمت می‌تواند مرجعی علمی در مباحث تاریخی، به ویژه حوزه عمومی آن، و آگاهی‌بخش جامعه در زمینه تاریخ باشد.

واژگان کلیدی: حوزه عمومی، وجه عام و خاص تاریخ، سازمان سمت، مسئولیت اجتماعی.

۱. استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: mahdirafati62@gmail.com

مسئولیت اجتماعی دانشگاه و مرجعیت علمی

مجید رمضانی مهریان^۱

چکیده

کشور ما با مسائل و مشکلات فراوانی در حوزه‌های مختلف روبه‌رو است. در شرایط فعلی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به عنوان نهاد علم در کشور همواره در معرض این پرسش قرار دارند که روابط و مناسباتشان با نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چگونه است و چه خدمتی را به چه کسی ارائه می‌دهند. «مسئولیت اجتماعی» مفهوم و کلیدواژه‌ای است که توصیف‌کننده این ارتباط است. مسئولیت اجتماعی دانشگاه در واقع تقویت مأموریت دانشگاه‌ها در بهبود کیفیت زندگی بشر و تأمین نیازهای اجتماعی و راه‌برون رفت از مسائل مختلف است. با این دیدگاه که مرجعیت علمی همان ارزش و اعتبار علم و عالمان در جامعه است. می‌توان این مسأله را عنوان کرد که در وضعیت کنونی به دلیل مسائل عدیده کشور در حوزه‌های مختلف و عدم کارایی نهاد علم در خصوص رفع مسائل، کشور ما با روند نزولی در زمینه مرجعیت علمی مواجه است. با نگاه به روند تحول آموزش عالی در سطح جهانی و وضعیت کنونی کشورمان، توسعه مسئولیت اجتماعی دانشگاه شاید مسیر مناسبی برای تقویت مرجعیت علمی باشد. ارتقای توان علمی دانشگاه به منظور سوق دادن فعالیت‌های علمی به سمت رفع نیازها و حل مسائل استانی و ملی و ایفای مسئولیت اجتماعی دانشگاه در تعامل با جامعه و دولت با آغاز جنبش مسئولیت اجتماعی دانشگاه امکان‌پذیر است. ترویج مسئولیت اجتماعی دانشگاه پاسخ مناسب نظام آموزش عالی ایران به وضعیت و روند تغییر و تحولات جامعه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی است.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، مسئولیت اجتماعی، نهاد علم.

۱. استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: mehrian@samt.ac.ir

رابطه میان سواد علمی عمومی و مرجعیت علمی: بررسی فرصت‌ها و تهدیدها

زهرا زرگر^۱

چکیده

یکی از عواملی که بر وضعیت مرجعیت متخصصین در جامعه اثرگذار است سواد علمی عمومی است. طبق شواهد، رابطه میان سواد علمی و مرجعیت علمی رابطه‌ای چندان سرراست نیست و در برخی موارد، سواد علمی عمومی به تقویت مرجعیت علمی کمکی نکرده، یا حتی آن را تضعیف کرده است. در یک تقسیم‌بندی اولیه، سواد علمی چند بُعد دارد: معرفت به واقعیات علمی، معرفت به مفاهیم و نظریه‌های علمی، معرفت به فرایندهای علمی و مهارت تشخیص ادعاهای علمی از ادعاهای شبه علمی. حوزه‌هایی از سواد عمومی که امروزه به میزان چشمگیری تقویت شده است، معطوف به واقعیات، مفاهیم، و نظریه‌های علمی است. هرچند افراد نسبت به خروجی‌های فرایندهای علمی آگاهی (یا امکان دسترسی) خوبی دارند؛ اما نسبت به خود این فرایندها اطلاعات بسیار اندکی دارند. این وضعیت باعث شده افراد احساس کاذب هم‌ترازی با متخصصین پیدا کنند و نتوانند مرجعیت ایشان را به‌سادگی بپذیرند. از طرف دیگر، به دلیل بی‌اطلاعی از سازوکارهای اطمینان‌آور درون جامعه علمی، به خروجی فعالیت جمعی متخصصین اعتماد ندارند. علاوه بر این، تسهیل ارتباطات در عصر مجازی، به جهات مختلف به تضعیف مرجعیت علمی کمک کرده است. در این مقاله پیشنهادهایی برای مناسب‌سازی سواد علمی عمومی ارائه می‌شود. فرض این پیشنهادها این است که برای آنکه سواد عمومی در خدمت تثبیت مرجعیت علمی و نقادی سازنده آن باشد، محتوای سواد عمومی نباید مردم را عضوی «درونی» اما

۱. استادیار، پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل:

Z_zargar@sbu.ac.ir

حاشیه‌ای از جامعه علمی در نظر بگیرد، بلکه باید مردم را برای ایفای نقش نظاره‌گر «بیرونی» آماده کند. سواد علمی باید شامل اطلاعاتی درباره روال‌های درونی جامعه علمی، منابع معرفتی لازم برای تشخیص علم از شبه‌علم، و داوری در موارد اختلاف نظر بین متخصصین باشد و این مستلزم مشارکت نهادهای ترویجی و ارتباطی علم (علاوه بر نهادهای رسمی آموزش علمی) است. واژگان کلیدی: سواد علمی، مرجعیت علمی، جامعه‌شناسی علم، علم و شبه‌علم، اختلاف نظر بین متخصصین.

مؤلفه‌های کتاب درسی دانشگاهی در کمک به ارتقای مرجعیت علمی نظام آموزشی

طالب زندی^۱

چکیده

کتاب درسی دانشگاهی یکی از مهم‌ترین رسانه‌های آموزشی است که می‌تواند نقش مهمی در کمک به مرجعیت علمی نظام آموزشی ایفا کند. در واقع کتاب درسی دانشگاهی یکی از اصلی‌ترین ابزارهای رسیدن به اهداف آموزشی و برنامه درسی مصوب در رشته‌های مختلف است که بخش قابل توجهی از دانش مورد نیاز آن حوزه تخصصی در یک سطح خاص را برای دانشجویان و اساتید فراهم می‌کند. این رسانه آموزشی از این نظر هم برای مربیان و هم برای یادگیرندگان حائز اهمیت است که به مربیان می‌گوید چه چیزی و با چه نظم و ترتیبی آموزش داده شود، و نیز به یادگیرندگان کمک می‌کند بدانند در یک سطح خاص چه چیزی را باید یاد بگیرند. بنابراین، به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد تعامل آموزشی میان محتوای درسی، دانشجو و استاد عمل کرده، موجب سازماندهی اثربخش فرایند تدریس برای اساتید، و تسهیل فرایند یادگیری برای دانشجویان می‌شود. کتاب‌های درسی دانشگاهی به دلیل ماهیت آموزشی‌شان، تفاوت‌های قابل توجهی با کتاب‌های غیردرسی دارند و وجوه مختلفی دارند. از همین رو، فرایند طراحی و تولید آن‌ها مستلزم دقت نظر و توجه به ویژگی‌های خاص است. در این مطالعه که با روش تحلیل محتوا و نیز بحث در گروه کانونی انجام شد، مؤلفه‌هایی شامل محتوایی، آموزشی، ارزش‌سازانه، زبانی و نگارشی، گرافیکی، و ساختاری برای کتاب درسی دانشگاهی به دست آمد. مؤلفه محتوایی کتاب درسی دانشگاهی پاسخ به سؤال است که «چه چیزی باید آموخته شود؟» و براساس شاخص‌هایی مانند اعتبار و روزآمدی محتوا، جامعیت محتوا، سودمندی محتوا و غیره ارزشیابی می‌شود. مؤلفه آموزشی کتاب درسی دانشگاهی به این سؤال پاسخ می‌دهد

۱. استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: t.zandi@samt.ac.ir

که «چگونه باید آموخته شود؟» و شاخص‌های آن بر مبنای دلالت‌های نظریه‌های یادگیری و آموزشی و اصول طراحی آموزش اثربخش تعیین می‌شود. مؤلفه ارزش‌سازانه کتاب درسی دانشگاهی مبتنی بر نظام منسجمی از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، دینی، اخلاقی، سیاسی و سایر ارزش‌های بومی است که شاخص‌های آن براساس این ارزش‌ها تعیین می‌شود. مؤلفه زبانی و نگارشی کتاب درسی دانشگاهی مبتنی بر ویژگی‌ها و کارکردهای زبان به عنوان یک رسانه در انتقال پیام، و همچنین اصول و قواعد ویرایش و درست‌نویسی است و تعیین شاخص‌های آن نیز براساس این عوامل است. مؤلفه گرافیکی کتاب درسی دانشگاهی بر استفاده از نگاره‌های گرافیکی از قبیل تصاویر، نمودارها، رنگ‌ها و همچنین مسائل مربوط به حروف‌چینی و صفحه‌آرایی دلالت دارد که شاخص‌های آن براساس اصول طراحی پیام‌های دیداری و چندرسانه‌ای، اصول ترکیب‌بندی، روانشناسی رنگ و غیره تعیین می‌شود؛ و در نهایت مؤلفه ساختاری کتاب درسی دانشگاهی بر اهمیت ساختار کلی کتاب درسی دانشگاهی و انسجام بخش‌های مختلف مانند فهرست‌ها، مقدمه، بخش‌بندی و فصل‌بندی کتاب و غیره به عنوان یک کل یکپارچه دلالت دارد. در مجموع، می‌توان گفت ملاحظه و توجه به مؤلفه‌های کتاب درسی دانشگاهی حاصل از این مطالعه می‌تواند نقش مهمی در کمک این نوع کتاب به مرجعیت علمی نظام آموزش عالی داشته باشد.

واژگان کلیدی: کتاب درسی دانشگاهی، مؤلفه‌های کتاب درسی دانشگاهی، مرجعیت

علمی

چالش‌ها و سازوکارهای بنیادین تحقق مرجعیت علمی در حوزه آموزش کودکان با نیازهای ویژه در کشور ایران

سیدحسین سیادتیان^۱

چکیده

مرجعیت علمی در حوزه آموزش کودکان با نیازهای ویژه یکی از مؤلفه‌های کلیدی در توسعه نظام آموزشی کشور و ارتقای سطح دانش بومی است. با وجود تلاش‌های انجام شده در راستای بهبود آموزش این گروه از دانش‌آموزان، همچنان با چالش‌های ساختاری، روش‌شناختی، و سیاست‌گذاری مواجه هستیم که تحقق جایگاه علمی ایران را در این حوزه تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تحلیل ابعاد مختلف این مسئله مستلزم بررسی عمیق خلأهای موجود، تبیین راهکارهای استراتژیک، و ارائه سازوکارهای بنیادینی است که بتوانند زمینه‌ساز تثبیت جایگاه علمی کشور در عرصه بین‌المللی باشند.

نخستین چالش اساسی، کمبود پژوهش‌های سیستماتیک و مبتنی بر داده‌های بومی است. با وجود اینکه تحقیقات متعددی در حوزه آموزش و روان‌شناسی کودکان با نیازهای ویژه انجام شده است، بسیاری از آن‌ها فاقد انسجام نظری و روش‌شناختی لازم برای ارائه مدل‌های کاربردی و قابل‌استناد در سطح جهانی هستند. عدم توجه کافی به طراحی مطالعات بین‌رشته‌ای، فقدان داده‌های گسترده و قابل‌تحلیل، و نبود تعامل مؤثر بین دانشگاه‌ها و نهادهای اجرایی، همگی از عواملی هستند که باعث شده تحقیقات داخلی نتوانند به مرجعیت علمی تبدیل شوند. از سوی دیگر، ضعف در انتشار یافته‌های پژوهشی در مجلات معتبر بین‌المللی و کمبود شبکه‌های علمی برای تبادل دانش نیز مانعی جدی در مسیر تثبیت جایگاه ایران در این حوزه محسوب می‌شود. دومین چالش عمده به ضعف در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و اجرایی بازمی‌گردد. بسیاری از برنامه‌های آموزشی طراحی شده برای کودکان با نیازهای ویژه بر مبنای مدل‌های اقتباسی تدوین شده‌اند که

۱. دکترای روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای ویژه و مدرس دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

بدون در نظر گرفتن مقتضیات فرهنگی و اجتماعی کشور، صرفاً به پیروی از الگوهای رایج جهانی بسنده کرده‌اند. این امر باعث شده است که آموزش این کودکان در ایران فاقد انعطاف‌پذیری و اثربخشی لازم برای پاسخگویی به نیازهای واقعی آنان باشد. عدم هماهنگی میان نهادهای علمی و اجرایی، ضعف در تدوین استانداردهای مشخص برای ارزیابی و بهینه‌سازی برنامه‌های آموزشی، و کمبود نیروی انسانی متخصص نیز بر شدت این مسئله افزوده است.

در کنار چالش‌های فوق، مسئله تأمین منابع مالی و حمایتی نیز از دیگر عوامل بازدارنده در مسیر تحقق مرجعیت علمی محسوب می‌شود. پژوهش در حوزه آموزش کودکان با نیازهای ویژه نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر، زیرساخت‌های مناسب، و امکانات پژوهشی پیشرفته است. در بسیاری از موارد، محدودیت‌های بودجه‌ای مانع از توسعه طرح‌های پژوهشی در سطح کلان شده و باعث شده پژوهشگران به تحقیقات جزئی و غیرکاربردی بسنده کنند. علاوه بر این، کمبود همکاری‌های بین‌المللی و نبود حمایت‌های ساختاری از پژوهشگران ایرانی موجب شده است که فرصت‌های تولید دانش و ثبت نوآوری‌های علمی در سطح جهانی محدود شود. برای مواجهه با این چالش‌ها، تدوین یک چارچوب جامع و نظام‌مند برای توسعه تحقیقات علمی در این حوزه ضروری است. نخست، باید با ایجاد شبکه‌های پژوهشی و همکاری‌های بین‌رشته‌ای، زمینه تبادل دانش و تلفیق یافته‌های مختلف را فراهم کرد. این رویکرد می‌تواند به طراحی مدل‌های بومی، تدوین استانداردهای آموزشی، و ارائه راهکارهای کاربردی در آموزش کودکان با نیازهای ویژه کمک کند. دوم، باید سیاست‌های حمایتی برای افزایش تولید علم و توسعه برنامه‌های آموزشی با پشتوانه پژوهشی اتخاذ شود. تقویت ارتباط میان دانشگاه‌ها و نهادهای اجرایی، تشویق اساتید و پژوهشگران به انتشار مقالات در مجلات معتبر بین‌المللی، و تعریف شاخص‌های دقیق برای ارزیابی اثربخشی مطالعات علمی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به ارتقای مرجعیت علمی ایران در این حوزه کمک کند.

از دیگر سازوکارهای بنیادین تحقق مرجعیت علمی در این حوزه، اصلاح ساختارهای سیاست‌گذاری آموزشی و تقویت برنامه‌های توسعه حرفه‌ای برای معلمان و متخصصان این حوزه است. طراحی دوره‌های آموزشی تخصصی مبتنی بر یافته‌های علمی جدید، تدوین راهنماهای عملی برای ارتقای مهارت‌های تدریس در حوزه کودکان با نیازهای ویژه، و

تأکید بر پژوهش‌های کاربردی به عنوان بخشی از فرآیند آموزش دانشگاهی، می‌تواند مسیر دستیابی به مرجعیت علمی را هموار سازد. علاوه بر این، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و افزایش تعاملات علمی با مراکز پژوهشی جهانی می‌تواند به انتقال تجربیات موفق و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در آموزش این کودکان کمک کند.

در نهایت، تحقق مرجعیت علمی ایران در حوزه آموزش کودکان با نیازهای ویژه مستلزم تغییر رویکرد از تحقیقات منفرد و پراکنده به یک سیستم جامع و یکپارچه است که ضمن پاسخگویی به نیازهای داخلی، توانایی رقابت با استانداردهای جهانی را داشته باشد. این امر نیازمند توجه به سازوکارهای بنیادینی است که نه تنها به ارتقای سطح علمی کشور منجر شود، بلکه بتواند تحول عمیق و پایدار در نظام آموزشی کودکان با نیازهای ویژه ایجاد کند.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، کودکان با نیازهای ویژه، چالش‌ها.

مرجعیت علمی و تمدن اسلامی و دنیای معاصر

فرزانه سرگزی^۱

مهدی قادری^۲

چکیده

هدف اصلی این نوشتار بررسی تحول مفهوم مرجعیت علمی از تمدن اسلامی تا دنیای معاصر، با تمرکز ویژه بر وضعیت ایران، می باشد. مرجعیت علمی به عنوان توانایی نهادها و نظام های فکری در هدایت و تأثیرگذاری بر تولید و توزیع دانش، در طول تاریخ تحت تأثیر عوامل تاریخی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است. در تمدن اسلامی، از قرن دوم تا هشتم هجری، نهادهایی مانند بیت الحکمه در بغداد و نظامیه ها در شهرهای مختلف با حمایت حکومتی و تلفیق سنت های دینی و عقلانی، به عنوان مراکز برجسته مرجعیت علمی عمل کردند. این نهادها نه تنها به تولید دانش در حوزه هایی چون فلسفه، ریاضیات، نجوم و پزشکی کمک کردند، بلکه دانش تمدن های یونانی، هندی و ایرانی را به جهان اسلام منتقل نمودند. در دنیای معاصر، مرجعیت علمی تحت تأثیر جهانی سازی، پیشرفت فناوری های نوین مانند هوش مصنوعی و داده کاوی، و تغییرات سیاسی - اجتماعی، از ساختارهای متمرکز سنتی به مدل های غیرمتمرکز و شبکه ای تحول یافته است. شبکه های جهانی دانش و پلتفرم های دیجیتال، نقش کلیدی در بازسازی این مرجعیت ایفا کرده اند. در ایران معاصر، مرجعیت علمی با چالش هایی نظیر وابستگی به سیاست های دولتی، محدودیت های اقتصادی و نبود استقلال کامل نهادهای علمی مواجه است. با این حال، رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات جهانی، فرصت هایی برای تقویت و بازآفرینی این مرجعیت فراهم کرده است. این مقاله با استفاده از روش تحلیل تاریخی - تطبیقی و بهره گیری از منابع معتبر نگارش شده است و بیانگر این است که مرجعیت علمی در ایران نیازمند سیاست گذاری هایی است که استقلال نهادهای علمی را تضمین کند، گفتمان

۱. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲. کارشناسی دبیری زبان و ادبیات عربی، کاشان، ایران.

بین رشته‌ای را ترویج دهد و از فناوری‌های نوین برای ایجاد شبکه‌های علمی بهره گیرد. همچنین، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و حمایت از پژوهشگران جوان می‌تواند به بازسازی مرجعیت علمی کمک کند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران با تمرکز بر کاهش تمرکزگرایی، افزایش بودجه پژوهشی و توسعه زیرساخت‌های علمی، به تقویت جایگاه علمی ایران در سطح ملی و جهانی یاری رسانند.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، تمدن اسلامی، دنیای معاصر، جهانی‌سازی، نهادهای علمی.

الزامات فناوری‌های نوین هوشمند در تحقق مرجعیت علمی علوم اسلامی

حبیب سریانی^۱

چکیده

نگاهی به وضعیت نشر کتاب‌های علوم اسلامی در دهه‌های اخیر حاکی از آن است که از جنبش اصیل و بنیادین تولید علم فاصله گرفته و ترجمه و جمع‌آوری گوی سبقت را از تحقیق و تولید ربوده است. امروزه جنبش نرم‌افزاری که بر پایه دگرگونی بنیادی در مبانی و ساختارها استوار است، رنگ باخته و نویسندگان مقالات و کتاب‌ها نیز به جای تولید اندیشه نو و پویا، صرفاً به جمع‌آوری مطالب که در عصر دیجیتال نیز بسیار تسهیل شده است، مشغول می‌شوند. سیاست‌های پژوهشی مراکز دانشگاهی نیز به مانند نظام آموزشی از ابتدا تا انتها پاسخ‌محور بوده و هنوز نتوانسته برای ذهن پژوهشگر چالشی ایجاد کند و واقعاً در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تولید علم پیشرو باشد؛ از سوی دیگر، مسائل گوناگونی که برای اداره یک جامعه به صورت علمی لازم است، همواره به نوآوری و نواندیشی احتیاج دارد؛ حال آنکه بیش از نود درصد منابع اولیه علوم اسلامی به صورت رقومی مهیا شده و دیگر کتاب جدیدی که تحولی عمیق در این علوم ایجاد نماید وجود ندارد؛ از این رو دستیابی به مرجعیت علمی، نواندیشی و تغییر سبک آموزش در عصر فعلی، تنها در گرو آن است که قدم فراتر از جمع‌آوری، جستجو و نمایش منابع اولیه علوم اسلامی گذارده و با ایجاد پیکره دادگانی و غنی‌سازی محتوای آن منابع براساس فناوری‌های نوین هوشمند، پیشرو در طرح عناوین و داده‌های نوین و مطابق با نیاز روز باشیم. این نگارش درصدد آن است که به روش توصیفی - تحلیلی، نقشه راهی در راستای فناوری‌های نوین رقومی در جهت تحقق جنبش نرم‌افزاری و مرجعیت علمی، در اختیار مراکز علمی علوم اسلامی قرار دهد.

واژگان کلیدی: پیکره دادگان علوم اسلامی، فناوری‌های هوشمند، متن کاوی، مرجعیت علمی.

۱. استاد بار، حقوق دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. ایمیل: hsoryani@gmail.com

نقش سازمان «سمت» در گسترش آموزش باستان‌شناسی در ایران

محمد رضا سعیدی^۱

چکیده

آموزش رشته باستان‌شناسی در سال ۱۳۱۱ش، بنا بر ضرورت‌های برآمده از تصویب قانون حفظ آثار عتیقه در سال ۱۳۰۹ در دستور کار دارالمعلمین قرار گرفت و براساسمدارک و مستندات موجود بعدها از همان بدو تأسیس دانشگاه تهران، یعنی سال ۱۳۱۳، آموزش این رشته در این دانشگاه دایر بوده است. با این حال آموزش این رشته برای بیش از نیم قرن صرفاً در دانشگاه تهران انجام می‌شد. با توجه به آمار محدود دانشجویان رشته باستان‌شناسی تا سالها منابع درسی قابل توجهی برای این رشته در ایران وجود نداشت و این کمبود منابع تا حدی بود که در دهه هفتاد کل آثار تخصصی این حوزه از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کرد. با تشکیل سازمان «سمت» در سال ۱۳۶۳، اقدامات مهمی در زمینه تولید کتابهای درسی صورت پذیرفت. در این میان با شکل‌گیری گروه تخصصی باستان‌شناسی «سمت» در سال ۱۳۶۹، با همکاری استادان فرهیخته و صاحب‌نظران گامهای مؤثری در راستای برنامه‌ریزی برای تأمین منابع این رشته برداشته شد. نخستین کتاب درسی باستان‌شناسی این سازمان با کد سازمانی ۱۲۲ در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسید و رفته‌رفته طی سالها به تدریج بر این گنجینه افزوده شد و اینک سمت در آستانه انتشار یکصدمین کتاب خود در این رشته است. در این مدت آموزش رشته باستان‌شناسی گسترش فراوانی داشته است تا آنجا که اکنون در بیش از ۲۰ مرکز آموزش عالی کشور تدریس می‌شود و می‌توان گفت عملکرد «سمت» در راستای گسترش عدالت آموزشی و تأمین منابع مورد نیاز جامعه دانشگاهی درخور ستایش است. گفتنی است که در زمان راه‌اندازی این گروه در سمت، رشته باستان‌شناسی به صورت بسیار محدود و فقط در دو دانشگاه تهران و تربیت مدرس و با تعداد اندکی دانشجو آموزش داده می‌شد. واژگان کلیدی: سازمان سمت، آموزش باستان‌شناسی، کتاب درسی.

۱. دانشیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: saeedi@samt.ac.ir

مرجعیت علمی نقشه‌های جغرافیایی

پروانه شاه‌حسینی^۱

چکیده

مرجعیت علمی به عنوان سازه انتزاعی در سه لایه محیط علمی (ارزش افزوده‌ای در محیط آکادمیک)، جامعه (ارزش افزوده در بستر جامعه) و بازار (ارزش افزوده اقتصادی) پدید می‌آید و رشد می‌کند. نقشه‌های جغرافیایی به عنوان یکی از موضوعات مرجعیت علمی، نقش مهمی در مطالعات و آموزش علم جغرافیا دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد نخستین تصاویر در محیط غیر آکادمیک برای حفظ بقا ترسیم می‌شده‌اند و صرفاً جنبه پاسخگویی اجتماعی داشته‌اند. با توسعه علوم ریاضی و هندسه و نجوم و فناوری و آشنایی با محدوده‌های خشکی و آبی بیشتر، دارای دو بعد برتری علمی و کارآفرینی نیز شدند. در نقشه‌های عصر آهن تا پایان قرون وسطی که در محیط علمی ترسیم می‌شدند، علاوه بر اطلاعات مکانی، کشورگشایی، وطن‌دوستی، برتری جویی‌های سیاسی و طبقه‌ای، اعتقادات مذهبی و خرافات نیز به نمایش درمی‌آمد. نقشه‌ها از نیمه قرن پانزدهم میلادی به بعد، به تدریج بیشتر حاوی جزئیات مکانی و علمی شدند. علم جغرافیا از نقشه برای نمایش دقیق پراکندگی‌های طبیعی و انسانی در سطح زمین جهت مطالعه تشابهات و تمایزات و برنامه‌ریزی‌های شهری، روستایی، منطقه‌ای و مانند آن بهره می‌برد. امروزه نقشه به عنوان ابزار مهم مطالعات و آموزش جغرافیا، فناوری‌های نوین مشاهده زمین (سنجش از دور مثل عکس‌های هوایی، تصاویر ماهواره‌ای)، آمار فضایی و انواع سامانه‌ها چون GIS را به هم پیوند می‌زند تا موقعیت مکان‌ها را با دقت بیشتر و واقعی‌تری نشان دهد. این نقشه‌ها که به صورت الکترونیکی و در الگوهای پیشرفته تهیه می‌شوند، امکان پاسخگویی اجتماعی و توسعه کارآفرینی را با استفاده وسیع‌تر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی و نظامی فراهم می‌کنند؛ موضوعی که غنای مرجعیت علمی نقشه در سه لایه آن را افزایش می‌دهد.

۱. دانشیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: parvaehsshahhosseini@yahoo.com

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی نقشه‌های جغرافیایی، پاسخگویی اجتماعی، کارآفرینی.

نقش برنامه‌ها و شاخص‌های علمی در تحقق مرجعیت علمی

محمدعلی شفق^۱

چکیده

از آغاز تمدن اسلامی و دوران امامت و حیات حضرات معصومین خصوصاً از عصر ترجمه و تشکیل بیت الحکمه در عراق و بغداد که تمدن شکوهمند اسلامی شروع به شکل‌گیری نمود و انتقال دانش خصوصاً فلسفه و ریاضیات به سرزمین‌های اسلامی و دیگر بلاد صورت گرفت، دوران طلایی تمدن اسلامی ایرانی شروع به شکل‌گیری نمود. البته باید توجه داشت؛ حکمای بزرگ یونان به ویژه سقراط، افلاطون و ارسطو نقش مهمی در تفکر فلسفی ایفا نمودند. نکته قابل توجه، ظهور اسلام یعنی آموزه‌های قرآن و عترت به فقط به عنوان عاملی مهم و تأثیر گذار، بلکه عاملی جهت‌دهنده، در قالب برترین الگوی الهی با تضمین سلامت عصمت و صیانت آموزه‌های آن، از هر گونه خدشه در مقایسه با معارف و دانش‌های دیگر، دارای ظرفیت جریان‌ساز و نظام‌ساز تمدن اسلامی بوده که اکنون هم با تکیه بر این میراث گرانقدر، اگر دانشمندان به حقایق واقعی و اصیل آن نائل آیند؛ و برنامه‌ها و پارادایم‌های آن را عملیاتی نمایند، مرجعیت علمی تحقق خواهد یافت که فصول مختلف و بدیعی را در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به ارمغان خواهد آورد.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی ایرانی، قرآن و عترت، مرجعیت علمی، تمدن نوین

اسلامی

تحقق مرجعیت علمی ایران در گرو باور و عمل به منظومه فکری مقام معظم رهبری

علی اصغر حمزه شلمزاری^۱

چکیده

رسیدن به قله‌های پیشرفت در عرصه‌های علم و فناوری، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، بدون دستیابی به مرجعیت علمی در این موارد، محقق نخواهد شد. بیش از دو دهه است که مقام معظم رهبری، این عالم آگاه به مبانی قرآن و اهل بیت علیهم السلام، به تبیین جایگاه و تأثیر مرجعیت علمی پرداخته‌اند. مرجعیت علمی نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان مطرح گردید که معظم له برای دستیابی به این مرجعیت با توجه به اسناد بالادستی نظام و سیاست‌های کلان کشور در حوزه علم و فناوری و نوآوری به شکل‌های مختلف اشاره فرمودند. قطعاً رسیدن به چنین جایگاهی بدون مذاقه کافی بر مفاهیم، ابعاد و کارکردهای آن میسر نمی‌گردد. ایشان پس از طرح مفهوم مرجعیت علمی بر جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علم و فناوری با تأکید بر تحول و همچنین دستیابی به اهداف چشم‌انداز و ارتقای علوم انسانی و شکوفایی علمی با تأکید بر نظارت راهبردی علم و فناوری و ارتقای مستمر شاخص‌های توسعه علمی براساس روزآمدسازی نقشه جامع اشاره فرموده‌اند. ایشان با اعتقاد راسخ بیان می‌فرمایند که رسیدن به مرجعیت علمی، امری واقعی است و نه شعاری. همچنانی که امروز برای فرا گرفتن بسیاری از فنون مورد نیاز بشری، انسان احتیاج دارد زبان فلان کشور و فلان ملت را فراگیرد؛ آن روز مردم دنیا احساس کنند که نیاز دارند زبان شما را بیاموزند؛ فرهنگ شما را بیاموزند. آن روز خواهد آمد و شدنی است. و می‌فرمایند، آموزه‌های دینی و انقلاب اسلامی این اعتماد به نفس را به ما داده که می‌شود ایرانیان و کشور ما در صدر نام‌آوران

۱. مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان اصفهان و استادیار، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. ایمیل: hamzehshalamzari@gmail.com

عرصه علم و فناوری قرار گیرند، اما متأسفانه این باور هنوز در جامعه ما به خصوص نهادهای علمی و فرهنگی نهادینه نشده و به تبع آن عملیاتی نگردیده است. در سال ۱۳۹۱ معظم له در حضور جمعی از مردم فرمودند: «ملت ایران این استعداد را دارد که آنقدر پیشرفت کند که بتواند در جهات گوناگون به عنوان یک الگوئی در دنیا خودش را نشان دهد. چرا ما به خودمان بدبین باشیم؟ چرا با نظر تحقیر به خودمان و ملت خودمان و آینده خودمان نگاه کنیم؟ دشمن می‌خواهد این را به ملت ما تلقین کند و در طول سال‌های متمادی تلقین کرده است. اینجور باوراندند که حتماً عنصر غربی پیشرو است و باید دنبال او حرکت کرد، نه، یک روزی تاریخ ما به ما نشان می‌دهد که قضیه بعکس بوده است. ما در دنیا پیشرو بودیم؛ پیشرو در علم بودیم، پیشرو در صنعت بودیم، پیشرو در تمدن‌سازی بودیم، پیشرو در فرهنگ بودیم، دیگران از ما یاد می‌گرفتند، می‌آموختند، چرا امروز همان طور نشود؟ همت جوانان ما و نگاه آنها به مقوله‌ی پیشرفت باید آنجور باشد که ما آن آینده را در نظر بگیریم». در این پژوهش که به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی انجام شده، سعی نویسنده بر آن است که با تبیین منظومه فکری مقام معظم رهبری در این خصوص، راهکارهای تقویت این باور و عملیاتی کردن آن در جهت رساندن ایران اسلامی به مرجعیت علمی جهان، که به دنبال آن زمینه‌سازی تمدن اسلامی را محقق می‌نماید، واکاوی کند.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، منظومه فکری، تمدن اسلامی، باور و عمل، قله پیشرفت.

مرجعیت علمی در عرفان اسلامی و شرقی: بررسی مفهوم بیداری در اشعار مولانا و حافظ و نظریه‌های شناختی

لیلا صادقی^۱

چکیده

مرجعیت علمی همواره به عنوان یکی از ارکان اساسی تولید و انتقال دانش در سنت‌های مختلف فکری مطرح بوده است. در این میان، عرفان اسلامی و شرقی، به ویژه آثار مولانا و حافظ، بستری غنی از مفاهیم شناختی و معرفتی ارائه می‌دهد که می‌توان آن‌ها را در چارچوب مرجعیت علمی بررسی کرد. این پژوهش به تحلیل مفهوم «بیداری» در اشعار این دو شاعر پرداخته و آن را در پرتو نظریه‌های شناختی و عرفانی، به ویژه آرای کارل یونگ درباره کهن‌الگوها و فرایند فردیت، بررسی می‌کند. همچنین، تطبیق این مفهوم با آموزه‌های ذن بودیسم و مفهوم «ساتوری» نشان می‌دهد که بیداری عرفانی نه تنها یک تجربه‌ی شخصی، بلکه نوعی تحول شناختی است که می‌تواند در چارچوب مرجعیت علمی نیز جای بگیرد. از سوی دیگر، نقش شعر به عنوان ابزار انتقال دانش عرفانی و جایگاه شاعران به عنوان مراجع علمی در سنت فکری اسلامی-ایرانی بررسی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم بیداری در عرفان، علاوه بر بعد معنوی، می‌تواند به عنوان یک الگوی شناختی تحلیل شود که در آن، رهایی از ایگو و گذار به خود متعالی، نقشی کلیدی دارد. این مطالعه با بهره‌گیری از روش تحلیل تطبیقی و بینارشته‌ای، پیوند میان عرفان اسلامی و شرقی را از منظر شناختی و فلسفی بررسی کرده و نشان می‌دهد که چگونه مولانا و حافظ در جایگاه مرجعیت فکری، ساختارهای عمیق معرفت‌شناختی را در قالب شعر ارائه داده‌اند. در نهایت، این مقاله جایگاه مرجعیت علمی عرفان را از منظر شناختی و تطبیقی بررسی کرده و پیوند آن با ساختارهای فکری شرقی و اسلامی را روشن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: بیداری، حافظ، عرفان اسلامی، کهن‌الگوها، مولانا.

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. ایمیل: sadeghi@samt.ac.ir

بین‌المللی‌سازی آموزش عالی و مرجعیت علمی: بررسی تجربیات موفق جهانی و راهکارهایی برای دانشگاه در ایران

مریم صنیع اجلالی^۱

چکیده

در عصر حاضر، بین‌المللی شدن به یکی از مهم‌ترین راهبردهای دستیابی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی سرآمد جهان به مرجعیت علمی تبدیل شده است. این روند نه تنها بر ساختار و عملکرد این مراکز تأثیر می‌گذارد، بلکه ماهیت فعالیت‌ها و نقش آنها در اکوسیستم نوآوری را نیز دگرگون می‌سازد. این روند که با شتاب فزاینده‌ای در حال گسترش است، ماهیت و کارکرد دانشگاه را به طور اساسی دگرگون کرده است. این موضوع در نظریه پردازی روابط بین‌الملل ذیل مفهوم قدرت نرم کشورهای پیشرفته تفسیر و تبیین می‌شود. دیپلماسی علمی نیز به عنوان یکی از سازوکارهای اصلی رسیدن به بین‌المللی شدن و در نتیجه، اعمال قدرت نرم همواره مورد توجه کشورهای پیشرفته بوده است. این پژوهش با هدف بررسی نقش بین‌المللی‌سازی در دستیابی به مرجعیت علمی و ارائه راهکارهای کاربردی برای دانشگاه‌های ایران انجام شده است. با استفاده از روش مطالعه تطبیقی، تجربیات موفق دانشگاه‌های برتر جهان در زمینه بین‌المللی‌سازی و مسیر حرکت آن‌ها به سمت مرجعیت علمی مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین‌المللی‌سازی از طریق سازوکارهایی همچون تبادل استاد و دانشجو، همکاری‌های پژوهشی بین‌المللی، برنامه‌های مشترک آموزشی، و حضور فعال در شبکه‌های علمی جهانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای جایگاه علمی دانشگاه‌ها داشته است. دانشگاه‌های موفق با اتخاذ رویکردی راهبردی به بین‌المللی‌سازی و تدوین برنامه‌های جامع، توانسته‌اند ضمن افزایش کیفیت آموزش و پژوهش، به مرجعیت علمی در حوزه‌های تخصصی دست یابند. براساس این نتایج، راهکارهای سیاستی برای دانشگاه‌های ایران ارائه

۱. استادیار، مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران. ایمیل ms_ejlal@yahoo.com

می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاستگذاران، نویسنده‌های کتب دانشگاهی و مدیران دانشگاهی در طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثر بین‌المللی‌سازی و حرکت هدفمند به سمت مرجعیت علمی کمک کند.

واژگان کلیدی: بین‌المللی‌سازی، آموزش عالی، مرجعیت علمی، دیپلماسی علمی، دانشگاه‌های ایران

پادپخش‌های دانشگاهی: ابزاری نوین برای بازآفرینی مرجعیت علمی (مورد مطالعه: پادپخش‌های حوزه علوم اجتماعی)

داوود طالقانی^۱

علی طالقانی^۲

چکیده

در عصر حاضر که رسانه‌های دیجیتال به یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال اطلاعات و دانش تبدیل شده‌اند، پادپخش‌های علمی به عنوان یکی از پویاترین و مؤثرترین رسانه‌ها، نقش بسزایی در ارتقای مرجعیت علمی دانشگاهیان ایفا می‌کنند. با توجه به رشد چشمگیر استفاده از رسانه‌های صوتی به ویژه پادپخش‌ها، نیاز به تحلیل و بررسی نقش این ابزار در تقویت مرجعیت علمی در فضای عمومی بیش از پیش احساس می‌شود. این مقاله به بررسی جامع تأثیر پادپخش‌های علمی بر مرجعیت علمی دانشگاه‌ها و اساتید دانشگاهی پرداخته و به تحلیل چگونگی به کارگیری این رسانه به عنوان ابزاری برای ارتقای جایگاه علمی در جامعه می‌پردازد. پادپخش‌ها با فراهم آوردن امکان دسترسی به دانش علمی برای مخاطبان گسترده و غیرتخصصی، می‌توانند نقش مهمی در انتشار دانش و افزایش آگاهی عمومی داشته باشند. تولید محتوای علمی توسط دانشگاهیان از طریق پادپخش‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی در افزایش دسترسی عمومی به دانش معتبر، کاهش فاصله میان جامعه علمی و عموم مردم، و تقویت تعاملات علمی و فکری میان این دو گروه داشته باشد، به ویژه در جوامعی که دسترسی به منابع آموزشی محدود است، پادپخش‌های علمی می‌توانند به عنوان پلی ارتباطی عمل کرده و دانش را به شیوه‌ای ساده، جذاب و قابل‌دسترس به مخاطبان انتقال دهند. در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل کیفی و کمی، نمونه‌های موفق پادپخش‌های علمی مورد بررسی قرار گرفته و تأثیرات آن‌ها بر تقویت مرجعیت علمی دانشگاهیان تحلیل می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پادپخش‌ها

۱. دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل: br.davood1374@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، دانشگاه آزاد اسلامی، ali.taleghani77@gmail.com

می‌توانند در ارتقای سواد علمی عمومی، ترویج تفکر انتقادی، و تشویق به مشارکت در مباحث علمی نقش مهمی ایفا کنند. این امر به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد پادپخش‌ها از جمله انعطاف‌پذیری در زمان و مکان استفاده، سادگی تولید و دسترسی آسان به مخاطبان گسترده است. از سوی دیگر، تولید و انتشار پادپخش‌های علمی نیازمند به کارگیری اصول ارتباطات علمی مؤثر است تا محتوای علمی به زبانی ساده و قابل فهم برای مخاطبان غیرتخصصی ارائه شود، بدون آنکه از دقت علمی کاسته شود. این مقاله همچنین به بررسی چالش‌های موجود در این زمینه پرداخته و به نقش دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی در ترویج تولید محتوای علمی در قالب پادپخش اشاره می‌کند. یکی از چالش‌های اصلی عدم آشنایی کافی بسیاری از دانشگاهیان با فنون تولید پادپخش و همچنین کمبود منابع مالی و فنی برای تولید محتوای باکیفیت است. پادپخش‌های علمی با ایجاد بستری برای تعاملات علمی میان دانشگاهیان و عموم مردم، می‌توانند به تقویت مرجعیت علمی دانشگاه‌ها در فضای عمومی کمک کنند. این امر به ویژه در شرایطی که اعتماد عمومی به دانش تخصصی و نهادهای علمی در معرض تهدید است، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ از این رو، ضروری است که دانشگاه‌ها و مراکز علمی با استفاده از رسانه‌های نوین، به ویژه پادپخش‌ها، راهبردهایی برای ترویج و گسترش مرجعیت علمی خود در فضای عمومی تدوین و اجرایی کنند. نتیجه‌گیری این پژوهش نشان می‌دهد که پادپخش‌های علمی می‌توانند به عنوان ابزاری نوین و مؤثر در انتقال دانش و ارتقای جایگاه علمی دانشگاه‌ها عمل کنند و دانشگاهیان با بهره‌گیری از این ابزار، می‌توانند دامنه تأثیرگذاری علمی خود را به صورت گسترده‌تری در جامعه افزایش دهند.

واژگان کلیدی: پادپخش، پادپخش دانشگاهی، مرجعیت علمی، علوم اجتماعی.

تحلیل دو کتاب دارای مرجعیت علمی حقوق بین الملل در زبان فارسی

عبدالله عابدینی^۱

چکیده

حقوق بین الملل زبان جهانی حقوق در میان دولت‌ها و نهادهای بین المللی است. بر همین اساس، بستر زبانی که مفاهیم حقوق بین الملل در آن انتقال می‌یابند اهمیت بسیار دارند. این مفاهیم در اسناد حقوق بین المللی مختلفی همچون مکاتبات دیپلماتیک، قطعنامه‌های سازمان‌های بین المللی، آراء محاکم بین المللی، انواع موافقت‌نامه‌های بین المللی و در نهایت، در مذاکرات و گفتگوهای میان دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی متجلی می‌شوند. در حوزه آموزش حقوق بین الملل نیز بستر زبانی در کتاب‌های مرجع قابل مشاهده است. امروزه زبانی معیار در حقوق بین الملل زبان انگلیسی است. از این رو، بستر انتقال مفاهیم حقوقی بین المللی عمدتاً از طریق این زبان انجام می‌شود. از آنجا که در چارچوب مفهوم مرجعیت علمی، مرجعیت زبان فارسی به عنوان زبان علم مطرح شده است، چنین به نظر می‌رسد که نخستین گام در مسیر تبدیل شدن به مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی و به طور اخص، حقوق بین الملل، توجه به تولیدات علمی به زبان فارسی است. از این رو، بررسی تحلیلی کتب فارسی زبان دارای مرجعیت علمی در حوزه حقوق می‌تواند نخستین گام در مسیر مرجعیت علمی در عرصه بین المللی، دست کم، در دو کشور همسایه زبان تاجیکستان و افغانستان، و سپس، جذب دانشجوی خارجی و تدریس به زبان فارسی باشد. بر همین مبناء، در این نوشتار به بررسی تطبیقی و تحلیلی دو کتاب مرجع در این زمینه از دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی (استاد دانشگاه علامه طباطبائی) و دکتر ابراهیم بیگ‌زاده (استاد دانشگاه شهید بهشتی) می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: مرجعی آموزش حقوق بین الملل، الگوی زبانی، به‌روز بودن، مسائل ایران، دیپلماسی علمی.

۱. استادبار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: a.abedini@samt.ac.ir

جانمایی مرجعیت علمی علوم انسانی اسلامی در حکمرانی علم

محمد اسماعیل عبداللہی^۱

مہدی ملکی^۲

چکیده

مرجعیت علمی علوم انسانی اسلامی در حکمرانی علم از چالش‌های اصلی و مهم سیاستگذاری علمی و فرهنگی، به ویژه در جوامع اسلامی، است. این پژوهش به بررسی جایگاه و نقش علوم انسانی اسلامی در نظام‌های حکمرانی علم می‌پردازد و اهمیت آن را در شکل‌دهی به الگوهای بومی و اسلامی دانش برجسته می‌سازد. با تحلیل ادبیات و مدل‌های مرجعیت علمی، این مقاله به واکاوی نقش علوم انسانی اسلامی در هدایت تحولات فرهنگی، فکری و اخلاقی در جامعه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که علوم انسانی اسلامی نه تنها می‌تواند الگویی معرفتی برای مقابله با چالش‌های اجتماعی-فرهنگی معاصر فراهم کند، بلکه به تقویت نظام حکمرانی علم و تأثیرگذاری بر سیاست‌های کلان علمی منجر می‌شود. در پایان، راهکارهایی برای ارتقای مرجعیت علمی علوم انسانی اسلامی و ادغام آن در حکمرانی علم پیشنهاد شده است. این پژوهش به سیاستگذاران و محققان کمک می‌کند تا دیدگاه‌هایی جامع‌تر و بومی‌تر نسبت به توسعه علوم انسانی و ارتقای حکمرانی علم داشته باشند.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، علوم انسانی اسلامی، حکمرانی علم، سیاستگذاری علمی و فرهنگی

۱. استادیار، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل m.e.abdollahi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حکمرانی خانواده و جمعیت، دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مرجعیت علمی دانشگاه‌ها در ترویج فقه حکومتی و حمایت از منفعت عمومی؛ تحلیل موردی میراث فرهنگی

محمد مهدی غریب‌زاده کرمانی^۱

سجاد عسکری^۲

چکیده

دانشگاه مطلوب محل پیوند نخبگان با نظام مسائل کشور، در جهت حل مسائل و مشکلات و حمایت از منافع عمومی جامعه است. از آنجا که حکمرانی مطلوب نیاز به حمایت دانشگاه دارد، این دانشگاه است که باید به عنوان مرجع علمی نرم‌افزار مدیریت جامعه و حکمرانی را در اختیار حاکمیت قرار دهد تا از منافع عمومی کشور حراست شود و همچنین به این علت در جامعه اسلامی اداره جامعه باید مبتنی بر آموزه‌های اسلام و موازین فقهی باشد، دانشگاه می‌بایست به آن بخش از فقه که متولی جهت‌دهی به استنباط‌های فقهی برای اداره جامعه، یعنی «فقه حکومتی»، توجه کند. در این مقاله، برای فهم بهتر نقش دانشگاه مطلوب در حمایت از منافع عمومی، موضوع میراث فرهنگی از جهت ثبت آن‌ها در فهرست آثار ملی که منجر به تحدید مالکیت خصوصی و بروز چالش میان منافع عمومی و مالکیت خصوصی می‌گردد، بررسی می‌شود؛ در این بین، دانشگاه می‌تواند با تقویت پژوهش‌های کاربردی در «فقه حکومتی»، و همچنین ترویج کرسی‌های آزاداندیشی، برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌های علمی و مطالبه‌گری از مسئولین یک نظام حمایتی از منافع عمومی ایجاد کند تا ایده‌های نظری ضمن پرورش پا به عرصه عملیات گذاشته و مشکلات جامعه را حل کند. در این مقاله برآنیم که با روش توصیفی-تحلیلی، جایگاه مرجعیت علمی دانشگاه‌ها در زمینه حمایت از منافع عمومی و یکی از مصادیق آن یعنی میراث فرهنگی را بررسی کنیم. در نهایت مشخص می‌شود که دانشگاه‌ها با انجام اقدامات مؤثر می‌توانند به جایگاه مرجعیت علمی در زمینه حمایت از منافع عمومی برسند و زمینه را برای حکمرانی مطلوب فراهم کنند.

کلیدواژه‌ها: مرجعیت علمی، فقه حکومتی، منفعت عمومی، میراث فرهنگی، آثار ملی و

تاریخی

۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. ایمیل:

Mahdi.gh7813@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان s.askari@uk.ac.ir

تحول در مرجعیت علمی با استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی: کاربردها، چالش‌ها و ملاحظات

اکرم فتحیان دستگردی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی ظرفیت‌ها، چالش‌ها و ملاحظات کاربرد فناوری‌های هوش مصنوعی مانند یادگیری عمیق، پردازش زبان طبیعی، سیستم‌های توصیه‌گر، داده‌کاوی و تحلیل شبکه‌های اجتماعی در تحول مرجعیت علمی می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و مطالعه اسنادی، از یک سو به بررسی نمونه‌هایی از ابزارهای هوش مصنوعی مورد استفاده در جامعه علمی و به ویژه عرصه پژوهش پرداخته و از سوی دیگر، با مرور نظام‌مند منابع مرتبط در این حوزه و جستجوی گسترده در پایگاه‌های اطلاعات علمی، مقالات و مطالعات مرتبط، به شناسایی کاربردها، چالش‌ها و ملاحظات موجود در این حوزه می‌پردازد. هوش مصنوعی با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های بزرگ به پژوهشگران کمک می‌کند تا پژوهش‌ها را با سرعت بیشتر و در ابعادی گسترده‌تر انجام دهند. همچنین ابزارهای هوش مصنوعی با اصلاح خطاهای نگارشی و علمی و ارائه پیشنهادها برای توسعه پژوهش و نیز ارائه لینک به منابع مرتبط در این زمینه تأثیرگذارند. از دیگر کاربردهای هوش مصنوعی، شناسایی همپوشانی‌های تحقیقاتی میان پژوهشگران و ایجاد شبکه‌های اجتماعی علمی مبتنی بر هوش مصنوعی است که زمینه‌ساز همکاری‌های علمی و ایجاد موضوعات نو ظهور می‌گردد. البته این فرایند با چالش‌ها و ملاحظات مختلف اخلاقی و علمی مواجه است که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته خواهد شد. اگرچه فناوری‌های هوش مصنوعی با بهبود فرایندهای پژوهش، تسهیل و تسریع انجام تحقیقات و تولید علم، افزایش کیفیت مقالات علمی و ایجاد ارتباطات و شبکه‌های جدید میان پژوهشگران، می‌توانند زمینه مناسب برای تقویت مرجعیت علمی را فراهم کنند، اما کاربرد آن‌ها با

۱. استادیار، مؤسسه استادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام، شیراز، ایران. ایمیل: fathian@isc.ac.ir

چالش‌هایی مانند ملاحظات حقوقی و اخلاقی، سرقت ادبی، تردید در دقت، کیفیت و اعتبار محتوا، شیوه ارجاع و استناد به منابع و مسائل مربوط به مالکیت معنوی همراه است. شناخت ظرفیت‌ها از یک سو و چالش‌ها و ملاحظات اخلاقی مربوط به کاربرد فناوری‌های هوش مصنوعی از سوی دیگر، می‌تواند مسیر تقویت مرجعیت علمی در ایران را هموارتر نموده و با بهره‌گیری صحیح و اصولی از این ابزارها زمینه تقویت جایگاه علمی کشور بیش از پیش فراهم گردد.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، هوش مصنوعی، ملاحظات اخلاقی، تولید علم

نقش فناوری‌های نوین و داده‌کاوی در ارتقای مرجعیت علوم انسانی و توسعه دانش میان‌رشته‌ای

زهرا فداکار^۱

چکیده

مرجعیت علمی در علوم انسانی به معنای توانایی اثرگذاری بر تولید و انتشار دانش، ایجاد چارچوب‌های فکری و رهبری پژوهش‌های کلیدی است. این حوزه که به مطالعه انسان، فرهنگ، جامعه و رفتارهای انسانی می‌پردازد، در سال‌های اخیر با ورود فناوری‌های نوین شاهد تحولات چشمگیری بوده است. مرجعیت علمی در علوم انسانی که عمدتاً بر مبنای تحلیل‌های کیفی و تأملات نظری شکل گرفته است، با ظهور فناوری‌های نوین مانند داده‌کاوی دستخوش تغییرات اساسی شده است. این مقاله به بررسی اهمیت و کاربرد فناوری‌های نوین، به ویژه داده‌کاوی، در علوم انسانی و تأثیر آن بر تقویت مرجعیت این علوم می‌پردازد. یکی از ابزارهای مفید برای بررسی داده‌های حجیم، داده‌کاوی است که می‌تواند الگو و روندهای پنهان در متون و داده‌های اجتماعی را آشکار کند. کاربرد داده‌کاوی در علوم انسانی شامل تحلیل متون بزرگ، شناسایی روندهای اجتماعی از طریق داده‌های شبکه اجتماعی و ایجاد شبکه‌های دانش است. این ابزارها باعث می‌شوند تولید دانش به جای اینکه محدود به افراد خاص یا منابع مشخص باشد، گسترده‌تر و در دسترس‌تر شود. با این حال، استفاده از این فناوری چالش‌هایی هم دارد، مثل خطر ساده‌سازی بیش از حد مفاهیم، سوءبرداشت از داده‌ها یا مسائل مربوط به حریم خصوصی افراد. در این مقاله، نمونه‌های کاربردی از تأثیر داده‌کاوی بر علوم انسانی، از جمله تحلیل زبان‌شناختی، شناسایی روندهای تاریخی و مطالعه رفتارهای اجتماعی ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که ترکیب فناوری‌های نوین با علوم انسانی نه تنها به گسترش مرزهای دانش کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود این علوم در میان سایر حوزه‌های علمی از مرجعیت و اعتبار

۱. کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. ایمیل: arezoo.fadakar7@gmail.com

بیشتری برخوردار شوند. این مقاله بر اهمیت میان رشته‌ای بودن علوم انسانی و فناوری‌های نوین تأکید دارد و همچنین بر این باور است که داده کاوی می‌تواند نقش بزرگی در بهتر کردن جایگاه علوم انسانی در حل مشکلات دنیا داشته باشد. واژگان کلیدی: فناوری‌های نوین، داده کاوی، مرجعیت علمی، تحلیل داده‌های حجیم، تولید دانش.

بومی سازی دانش و مرجعیت علمی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها

فائزه فرازنده پور^۱

مریم کشوری^۲

لیلا مهاجرانی^۳

چکیده

بومی سازی دانش فرایندی است که در آن دانش و تکنولوژی مدرن براساس نیازها، ارزش‌ها و چارچوب اجتماعی تطبیق داده می‌شود و در حقیقت به صورت کاربردی و قابل کنترل در می‌آید. به همین منظور محققان در این مقاله سعی دارند که ضرورت‌ها و چالش‌های موجود در بومی سازی دانش در ایران، مخصوصاً حوزه علوم انسانی را شناسایی کنند و راهکارهای کاربردی ارائه دهند. از دستاوردهای این پژوهش شناسایی مهم‌ترین ضرورت‌های بومی سازی دانش علوم انسانی در ایران و بررسی چالش‌های موجود است که عبارتند از: ۱. تقابل فرهنگ اسلامی ایرانی با فرهنگ غربی، ۲. سوءبرداشت از دانش و تکنولوژی مدرن، ۳. عدم امکان بومی سازی برخی محتواهای آموزشی براساس فرهنگ ایرانی-اسلامی، ۴. عدم حمایت برخی روشنفکران ایرانی از بومی سازی رشته‌های علوم/انسانی، و ۵. حجم زیاد ترجمه‌ها به جای تألیف کتب بومی در حوزه علوم انسانی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بومی سازی دانش به عنوان راهبردی کلیدی می‌تواند به استقلال و مرجعیت علمی کشور تبدیل شود و به ارتقای جایگاه علم در سطح بین‌المللی و حمایت از نوآوری‌های بومی کمک کند.

کلید واژه‌ها: بومی سازی دانش، مرجعیت علمی، چارچوب اجتماعی، علوم انسانی، فرهنگ ایرانی - اسلامی

۱. عضو هیأت علمی زبان‌های خارجی و زبانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دانشگاه علوم و تحقیقات. ایمیل:

farazandehpour@srbiau.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. ایمیل:

maryam_keshvari@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری رشته زبانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. ایمیل:

leilamohajerani@yahoo.com

ارائه چارچوبی برای کاربردی‌سازی و اثربخشی علوم انسانی در دانشگاه‌ها در راستای تحقق مرجعیت علمی

کیارش فرناش^۱

امیرهادی عزیزی^۲

چکیده

در سال‌های اخیر، دستیابی به مرجعیت علمی به تواتر در اسناد بالادستی و بیانات مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته و عموماً هم نقش علوم انسانی در تحقق مرجعیت علمی به شکل مناسب مورد توجه نبوده است. مرجعیت علمی علوم انسانی از دو جنبه عمده منتشرات و تولید علم، و کاربردی‌سازی و اثربخشی اجتماعی-اقتصادی قابل بررسی می‌باشد. به اعتقاد نویسندگان این مقاله، جنبه کاربردی‌سازی و اثربخشی وجه متمایز علوم انسانی از سایر علوم است که عموماً نادیده گرفته شده و به علوم انسانی نگاهی مشابه علوم پایه و مهندسی بر پایه منتشرات علمی برای تحقق مرجعیت علمی وجود دارد. در این راستا هدف این مقاله ارائه چارچوبی برای حمایت از کاربردی‌سازی و اثربخشی علوم انسانی (از منظر اجتماعی، اجتماعی، و اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان علوم انسانی) با تمرکز بر دانشگاه‌های تخصصی علوم انسانی می‌باشد. بر این اساس و با در نظر گرفتن تمایزهای علوم انسانی با سایر حوزه‌های علمی شامل پزشکی، علوم پایه و فنی-مهندسی ارائه چارچوبی دقیق و منسجم برای حمایت از کاربردی‌سازی و اثربخشی علوم انسانی برای نقش‌آفرینی در تحقق مرجعیت علمی در این مقاله دنبال شده است. چارچوب اولیه با مرور پیشینه و تجارب بین‌المللی حمایت‌ها از علوم انسانی توسط نهادهایی نظیر صندوق اجتماعی اروپا، موقوفه ملی علوم انسانی ایالات متحده و شورای تحقیقات علوم انسانی و هنر بریتانیا استخراج شد که با انجام مصاحبه با ۲۰ خبره دارای تجربه علمی با اجرایی در

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی ایمیل: k_fartash@sbu.ac.ir

۲. پژوهشگر و کارشناس ارشد سیاست‌گذاری علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی ایمیل: amirhadiazizi1373@yahoo.com

سیاست‌گذاری و مرجعیت علمی حوزه علوم انسانی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تکمیل و تدقیق شد. چارچوب پیشنهادی این مقاله با شرایط و اقتضائات ایران همراستا بوده و شامل پنج برنامه محوری الف) حمایت از پژوهش‌های کاربردی، توسعه‌ای و بار اول، ب) حمایت از توسعه محصول و خدمت توسعه داده شده با علوم انسانی، ج) حمایت از توانمندسازی و مهارت‌افزایی تخصصی برای نیروهای دانشی، د) حمایت از خدمات و مراکز ارائه خدمت نوآورانه فرهنگی و اجتماعی، و د) حمایت از توسعه زیرساخت‌ها و شبکه‌سازی) است. پیاده‌سازی این چارچوب به صورت پایلوت با حمایت معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری از سال ۱۴۰۲ در دانشگاه علامه طباطبائی به عنوان دانشگاه مرجع علوم انسانی آغاز شده که نتایج اولیه آن نیز در این مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این مقاله می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی و همین‌طور تقویت نقش آفرینی دانشگاه‌ها در تحقق مرجعیت علمی علوم انسانی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مرجعیت علمی، مرجعیت علمی علوم انسانی، کاربردی‌سازی علوم انسانی، اثربخشی علوم انسانی.

آینده‌نگاری راهبردی، ضرورتی برای تحقق مرجعیت علمی در علوم انسانی

زهرا قراگوزلو فرهاد^۱

چکیده

آینده‌نگاری راهبردی از جمله ظرفیت‌های تشخیص تغییرات محیطی در حال ظهور در سطوح مختلف سازمانی است. آینده‌نگاری راهبردی مدیریت سازمان‌ها را قادر می‌سازد تصمیمات آگاهانه‌ای در زمان حال با آینده کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت اتخاذ کنند. با توجه به سرعت تغییر و تحولات در همه حوزه‌ها و عدم قطعیت موجود در آینده، به کارگیری رویکردی پیش‌دستانه و هوشمندانه برای روبرویی با تحولات پیش روی آموزش عالی و همراهی با آن‌ها و احاطه بر عدم قطعیت، آینده‌نگاری راهبردی را به امری ضروری برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران آموزش عالی کشور و دستیابی به مرجعیت علمی تبدیل کرده است؛ با این وصف، شناسایی پیشران‌ها و روندهای تأثیرگذار بر آموزش عالی، از طریق آینده‌نگاری و برنامه‌ریزی راهبردی برای حرکت هوشمندانه در مسیر پرتلاطم آینده، رهیافتی مؤثر برای قدم برداشتن در مسیر مرجعیت علمی است. مقاله حاضر در تلاش است با بررسی پیشینه مطالعات انجام شده در حوزه آینده‌نگاری راهبردی و مرجعیت علمی، و استفاده از پانل خبرگان به طور مشخص به این سوال پاسخ دهد که فرایند آینده‌نگاری راهبردی مرجعیت علمی در علوم انسانی چگونه می‌تواند باشد. کلید واژه‌ها: آینده‌نگاری، آینده‌نگاری راهبردی، علوم انسانی، مرجعیت علمی.

۱. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده صنایع، دانشگاه ایوانکی، سمنان، ایران. ایمیل: farhad98m@yahoo.com

استخراج ویژگی‌های کتب درسی مرجع دانشگاهی با تأکید بر حوزه علوم انسانی اجتماعی

حسین قلی‌پور^۱

چکیده

تأکید بر پیشتازی علمی به طوری که چنانچه کسی بخواهد به آخرین یافته‌ها و نظریات علمی دست یابد، ناچار باشد زبان فارسی را یاد بگیرد، تربیت نظریه‌پردازان جهانی در عرصه علوم انسانی اسلامی و داشتن سرآمدان علم و فناوری جهان، از عناصر مفهومی مرجعیت علمی هستند که صراحتاً در اسناد سیاستی علم ایران ذکر شده‌اند. آنچه که به نظر می‌رسد نقشی زیرساختی برای همه فعالیت‌های پژوهشی دارد و می‌تواند زمینه‌ساز مرجعیت علمی شود، کیفیت نظام آموزش عالی است. یکی از اجزای مهم و مؤثر بر کیفیت آموزش عالی نیز، کتب درسی است. مسئله این است که کتب درسی مرجع به عنوان یکی از عوامل مهم در نیل به مرجعیت علمی، چه ویژگی‌هایی دارند؟ پژوهش حاضر برای پاسخ به این مسئله، اولاً حوزه بررسی را به علوم انسانی و اجتماعی محدود کرده و ثانیاً با انتخاب چند کتاب درسی برجسته و پر رجوع – که گاه به زبان‌های مختلف زنده دنیا ترجمه شده‌اند به دنبال استخراج ویژگی‌های کتب درسی مرجع دانشگاهی است. روش انتخاب‌شده، تحلیل محتوای کیفی است که در سنت تفسیرگرایی قرار می‌گیرد. یافته‌های تحلیل نشان می‌دهد به‌روزشدگی مستمر با یافته‌های جدید علمی، جامعیت، وجود یک گروه طراحی‌های چندگانه و تمرکز مستمر و طولانی‌مدت نویسنده (گان) در حوزه مورد تألیف، از جمله ویژگی‌های کتب درسی مرجع هستند.

کلیدواژه‌ها: مرجعیت علمی، کتاب درسی، کتاب درسی مرجع، علوم انسانی، علوم اجتماعی.

۱. دکترای تصمیم‌گیری و خط مشی‌گذاری عمومی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

مدل‌ها و الگوهای مرجعیت علمی دانشگاه

محمد کارکنان نصرآبادی^۱

چکیده

مرجعیت علمی به عنوان یک مفهوم هسته‌ای، به صورت مداوم ذهن سیاست‌گذاران علم و فناوری را به خود مشغول می‌کند. دستیابی به مرجعیت علمی هرچند نیازمند وجود و ایجاد بسترهای مختلفی است، اما دستیابی به منافع پایدار را برای نظام علمی و فناوری فراهم می‌آورد. با وجود یکپارچگی مرجعیت علمی، لایه‌های مختلفی در شکل‌گیری آن نقش دارند که در قالب مدل چندوجهی و چهار لایه زیرساخت (سرمایه طبیعی، دست ساخته انسانی و منابع انسانی)، فرایند (پشتیبانی، ترویج و تعامل)، برون‌داد (علمی، فناورانه و انسانی)، و ارزش آفرینی (منزلت، مالی و ارتباطی) مطرح می‌باشند. مدیریت هوشمندانه، هدفمند و مأموریت‌گرای زیرساخت‌های موجود می‌تواند دستیابی به مرجعیت علمی را تسهیل کند و وجود منابع انسانی امکان بهره‌برداری از زیرساخت‌های موجود طبیعی و دست ساخت در داخل کشور را فراهم می‌آورد و احتمال بروز مراجع انسانی انفرادی را افزایش می‌دهد.

فرایندها به منظور ایجاد بستر برای توسعه تعاملات علمی در سطح داخلی و بین‌المللی و وجود فرایندهای تسهیلگر در این زمینه، یکی دیگر از ابعاد فرایندی مرجعیت علمی است. ابعاد فرایندی، بر جنبه‌های پشتیبانی از علم در سطح دولت و عموم مردم تمرکز دارد. برون‌دادهای علمی، فناوری و انسانی در نتیجه فعالیت نظام علمی به عینیت می‌رسند و به عنوان عاملی مهم در ایجاد مرجعیت علمی عمل می‌کنند. لایه ارزش آفرینی، بالاترین لایه در ایجاد مرجعیت علمی است که به نوعی تأثیر علم را نمایان می‌کند و بیشترین تأثیر را در ایجاد مرجعیت علمی می‌گذارد. ارزش آفرینی به معنای وجود زمینه‌های ارزش آفرینی

۱. مدرس و مدیر خانه خلاق علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

مادی و معنوی از یافته‌های علمی است.

رابطه بین زیرمجموعه‌های هر کدام از لایه‌های مرجعیت ساز با لایه‌های دیگر، وضعیت‌های مختلفی از پیامد را به دنبال دارد. توجه به این پیامدها می‌تواند به سیاستگذاری هوشمندانه در عرصه ارتقای مرجعیت علمی کمک کند. ماتریس تعامل لایه‌های مرجعیت- ساز با یکدیگر ۲۴ حالت مختلف را به وجود می‌آورد. در این میان، حالت مطلوب برای مرجعیت علم زمانی است که همه عناصر سه لایه در وضعیت مناسبی قرار داشته باشند. در این حالت، نظام علمی کشور از طریق جذب پژوهشگران داخلی و خارجی، بهره‌برداری از پتانسیل مرجعیت، جذب نخبگان، افزایش اعتبار علمی، پیشگامی در علم و حرکت به سوی توسعه دانش بنیان، بهترین سناریو را برای مرجعیت علمی فراهم می‌آورد. در مقابل این وضعیت، وضعیت نامطلوب وجود دارد که ضعف مفرد در هر سه لایه مرجعیت ساز، مهاجرت پژوهشگران، افت جایگاه علم، مهاجرت نخبگان، کاهش اعتبار علمی، رویگردانی از علم و در نهایت رکود علمی دامنگیر نظام علمی می‌شود.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، مدل‌ها و الگوهای مرجعیت علمی، حالت‌های زیرساخت، برابند، فرایند و ارزش آفرینی مرجعیت علمی

تحلیل تطبیقی مفهوم عدالت در نهج البلاغه و فلسفه مدرن: تطورات نظری و تأثیرات تاریخی

محمد مهدی کاتب قوجه بگلو^۱

علی اکبر عبدالله زاده^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی تطبیقی مفهوم عدالت در نهج البلاغه و فلسفه مدرن با تأکید بر جایگاه و کارکرد آن در نهادهای اجتماعی و انسانی می‌پردازد. هدف از این تحقیق، ارائه تحلیلی عمیق از اصول عدالت نزد امام علی (ع) و اندیشمندان مدرنی همچون جان رالز، ایمانوئل کانت، و گئورگ ویلهلم فردریش هگل است تا نقش آن در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و نهادهای عدالت‌محور روشن شود. در نهج البلاغه، عدالت به عنوان اصلی بنیادین در تنظیم روابط اجتماعی، برقراری توازن و حفظ حقوق افراد در جامعه مطرح است؛ در حالی که در فلسفه مدرن، عدالت اغلب به عنوان معیاری برای توزیع منصفانه منابع و تضمین حقوق فردی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوای تطبیقی، به بررسی تفاوت‌ها و هم‌پوشانی‌های نظریات دو دیدگاه پرداخته و تلاش دارد تا بسترهای تاریخی و فرهنگی تأثیرگذار بر مفهوم عدالت در هر کدام از این نظام‌های فکری را آشکار سازد. یافته‌های پژوهش، ضمن فراهم آوردن بینشی جامع از جایگاه عدالت در نظریه‌های اجتماعی و اخلاقی، می‌تواند به تقویت گفت‌وگوهای عدالت و توسعه الگوهای عملی آن در نهادهای اجتماعی معاصر کمک کرده و افق‌های جدیدی برای بسط عدالت در عرصه‌های گوناگون جامعه باز کند.

کلیدواژه‌ها: عدالت در نهج البلاغه، فلسفه مدرن، تطبیق فلسفی، فلسفه اسلامی

۱. دانشجوی کارشناسی الهیات، دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبائی اردبیل، اردبیل، ایران. ایمیل: Mohammadmahde84@gmail.com

۲. استاد دانشگاه فرهنگیان، علامه طباطبائی اردبیل و بنت الهدی اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی و علوم پزشکی اردبیل دانشکده پرستاری، اردبیل، ایران. ایمیل: aliakbarsarabi9@gmail.com

دلایل عدم مرجعیت علوم انسانی و اجتماعی در ایران

مجید کافی^۱

چکیده

در بسیاری از جوامع توسعه یافته مسائل اجتماعی به وسیله علوم انسانی و اجتماعی حل و فصل می‌شود. اما چرا با وجود حضور بیش از یک قرن علوم انسانی و اجتماعی و انباشته شدن داده‌های تولیدشده در این خصوص در ایران، این علوم کمک چندانی به حل مسائل اجتماعی نکرده و نمی‌کند. چه عواملی مرجعیت علوم انسانی و اجتماعی را در ایران به چالش کشیده است. پاسخ دادن به این پرسش نیازمند بررسی و تحلیل چندجانبه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ساختاری است. از این رو از مصاحبه عمیق نیمه ساخت یافته با صاحب نظران علوم انسانی و اجتماعی به منزله روش گردآوری داده‌ها و برای تحلیل داده‌ها یعنی به دست آوردن عوامل، شرایط و زمینه‌ها، پیامدهای عدم مرجعیت علوم انسانی و اجتماعی از روش نظریه زمینه‌ای استفاده می‌شود. عوامل به دست آمده در بُعد فرهنگی عبارتند از: نگاه بدبینانه به علوم انسانی و اجتماعی غربی و ترجمه محور؛ ناسازگاری مبانی و بنیادهای علوم انسانی غربی با بوم، فرهنگ و واقعیت اجتماعی تاریخی ایران؛ خودسانسوری دانشمندان و محققان؛ در بُعد اجتماعی: سیطره الگوهای فنی - مهندسی بر مرجعیت علوم انسانی و اجتماعی؛ عدم اقبال به یافته‌های علوم اجتماعی در مقایسه با علوم تجربی (فنی - مهندسی)؛ از بُعد ساختار: عدم جایگزینی علوم انسانی غربی با علوم انسانی و اجتماعی بومی و اسلامی، مقاومت برخی سنتگرایان در مقابل علوم انسانی و اجتماعی جدید؛ حاکم نبودن تفکر انتقادی در نتایج تحقیقات؛ ضعف ارتباط بین مراکز علمی و پژوهشی با مراکز تصمیم گیر؛ غیر کاربردی و انتزاعی بودن نتایج تحقیقات؛ عدم وجود سازوکار مرجعیت یافتن علوم اجتماعی؛ در بُعد سیاسی: سیطره گفتمان سیاسی بر گفتمان علمی؛ ضعیف بودن نتایج تحقیقات به دلیل توجیه سیاست‌ها و عملکردهای دستگاه‌های اجرایی، عدم استفاده سیاستگذاران از نتایج تحقیقات در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات؛ تأثیر

۱. عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانش آموخته حوزه علمیه قم.

تحول اجتماعی انقلاب اسلامی بر تغییر مرجعیت علوم انسانی و اجتماعی. پیامد عدم: مرجعیت علوم انسانی و اجتماعی با وجود انباشت تولیدات علمی، عدم نفوذ نتایج در حل مسائل اجتماعی و گسترش روزافزون مسائل و آسیبهای اجتماعی همچون حاشیه‌نشینی، اعتیاد، طلاق، فقر، خشونت اجتماعی، خودکشی، و... است. راهکارها: بومی‌سازی علوم اجتماعی، استفاده از روشهای استقرایی و نظریه‌پردازی (کیفی) به جای روشهای قیاسی و نظریه‌سنجی (کمی)، تعامل مراکز علمی با نهادهای سیاستگذار، واگذاری مسائل دستگاه‌های اجرایی به مراکز علمی و اعتماد به نتایج و دستاوردهای آنان.

کلید واژگان: مرجعیت علمی، علوم انسانی و اجتماعی، بومی‌سازی علوم اجتماعی.

تحلیل برنامه درسی هتلداری از منظر مرجعیت علمی در پاسخگویی به نیازهای صنعت گردشگری ایران

نسرین کاظمی^۱

چکیده

گسترش کسب و کارهای اقامتی در گردشگری و ضرورت آموزش حرفه‌ای در کنار آموزش تجربی، رشته هتلداری را در دانشگاه‌های جهان و ایران تبدیل به رشته‌ای نموده که سالانه علاقمندان به تحصیل را جلب می‌نماید. با تغییر در تقاضا و قدرت خرید مشتریان، صنعت هتلداری به ویژه در جهان پساکرونا در حال تجربه تحولی شگرف است که شکوفایی و رونق آن را نیازمند وجود افرادی باصلاحیت و شایسته کرده که نه تنها توان به کارگیری مدل‌های جدید کسب و کار را داشته، بلکه با توجه به اهداف و نیازهای جمهوری اسلامی ایران، از توان اولویت‌بخشی به ارزش‌های مورد تأکید این رشته در تحقق گردشگری با رویکرد ایرانی-اسلامی برخوردار باشند. بنابراین، ضرورت هم‌راستایی آموزش هتلداری با اهداف توسعه صنعت گردشگری کشور و ارتقای رقابت‌پذیری آموزش ارائه‌شده با آموزش در سطح جهانی مشهود است. در این راستا، با بررسی اهداف گردشگری در کشور، برنامه‌های جهانی آموزش رشته هتلداری، چالش‌ها و ضعف‌های هتلداری در کشور، ابعاد ضروری برای آموزش این رشته در نه محور مهارت و شایستگی پژوهش علمی، توانمندی و شایستگی مدیریتی در بخش‌های مختلف هتلداری، دانش و بینش رویکرد توسعه و پاسداشت فرهنگ ایرانی-اسلامی، خوداشتغالی و کارآفرینی، مهارت‌های ارتباطی و تعاملی، مهارت عملیاتی و خدماتی در هتلداری، رقابت‌پذیری، مهارت به کارگیری فناوری‌های روز، دانش و مهارت مرتبط با بازار و اقتصاد، قابل تعریف است.

کلید واژه‌ها: آموزش هتلداری در دانشگاه، صنعت هتلداری، مرجعیت علمی

۱. استاد بار، دانشکده گردشگری، دانشگاه تهران، ایران. ایمیل: nasrinkazemi@ut.ac.ir

تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های بین‌المللی‌سازی در آموزش عالی ایران

رامین کسانى^۱

محمد تقی نظریور^۲

چکیده

با توجه به نقش کلیدی آموزش عالی، مطالعه آینده‌دانشگاه‌ها و درک مسائل و مشکلات پیش روی آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین موارد مورد بحث در حوزه آموزش عالی تبدیل شده است. بین‌المللی‌سازی در جنبه‌های مختلف آموزش عالی نیاز به مطالعه و اقدامات مناسب و کارآمد دارد. یافته‌ها نشان از این دارد که علم آموزش عالی به دنبال بین‌المللی شدن در عصر جهانی رویکردی بسیار مهم برای احیای تفکر اسلامی در نظام علمی فرهنگی جهان است. در این میان برنامه درسی به عنوان مهم‌ترین عنصر در این فرایند نقش کلیدی را ایفا می‌کند و به طبع مرور مطالعات این حوزه بسیار حائز اهمیت است؛ از این رو در این مقاله سعی بر آن است تا با مرور پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه بین‌المللی‌سازی آموزش عالی مبانی نظری این حیطه و تعریف و شفاف‌سازی واژه‌ها که نقش مهمی در درک این تحول که قدم اول در جریان بین‌المللی‌سازی می‌باشد، پرداخته شده است. راهکارها و فرصت‌های خاصی در ارتباط با این زمینه برداشته و توانسته‌اند نسبت به فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو، تصمیمات موثرتری داشته باشند. در ادامه موانع و چالش‌هایی که آموزش عالی ایران در این مسیر با آن‌ها روبه‌رو است، مورد بحث قرار گرفته است و در انتها تلاش شده است با توجه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منحصر به فرد حاکم بر کشور و آموزش عالی و فرصت‌های موجود راهکارهای عملی ارائه شود.

۱. دانشجوی دکتری ایمیل: raminkasani5@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی ایمیل: m_nazarpour@sbu.ac.ir

کلید واژه‌ها: آموزش عالی، برنامه درسی، بین‌المللی سازی، راهکارها.

تأثیر شاخص‌های برندسازی در بازاریابی دیجیتال برای موفقیت میزان فروش شرکت‌های دانش‌بنیان

رسول کنعانی^۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر شاخص‌های برندسازی در بازاریابی دیجیتال جهت موفقیت میزان فروش شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشد. این پژوهش توصیفی - همبستگی بوده و جامعه آماری را کلیه مدیران سازمان‌های دانش‌بنیان تهران (۱۳۴ نفر) تشکیل می‌دهند. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه باید برابر با ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شود که تنها ۸۰ پرسشنامه برگشت داده شد. اعضای نمونه آماری، به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و در پژوهش شرکت داده شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بوده که روایی پرسشنامه توسط اساتید و خبرگان تأیید شده و برای سنجش پایایی ابزار از آلفای کرونباخ استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، آمار توصیفی و آمار استنباطی به کار گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین عامل محصول و موفقیت میزان فروش شرکت‌های دانش‌بنیان رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین عامل قیمت و موفقیت میزان فروش شرکت‌های دانش‌بنیان رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ علاوه بر این، بین عامل مکان (توزیع) با موفقیت میزان فروش شرکت‌های دانش‌بنیان رابطه معنی‌داری دارد. همچنین بین عامل ترفیع و موفقیت میزان فروش شرکت‌های دانش‌بنیان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: برندسازی، بازاریابی دیجیتال، موفقیت فروش در شرکت‌های دانش‌بنیان.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، گرایش بازاریابی دانشگاه آزاد واحد اراک،
ایران. ایمیل: rasoulkanani@yahoo.com

شناسایی شاخص‌های مرجعیت علمی در کتب درسی علوم انسانی

امیرعلی مازندرانی^۱

محمدشاهین تقدیمی^۲

چکیده

مرجعیت علمی در کتب درسی علوم انسانی برای افزایش اعتبار و استحکام علمی محتوای آموزشی امری ضروری است. هدف این مطالعه شناسایی شاخص‌هایی برای مرجعیت علمی است که به ویژه می‌توانند در کتب درسی علوم انسانی اعمال شوند و اطمینان حاصل شود که آن‌ها شاخص‌های بالای تعالی دانشگاهی را برآورده می‌کنند. این پژوهش شامل تحلیل محتوای دو دسته از منابع است: ۱. اظهارات مقامات دولتی جمهوری اسلامی ایران؛ و ۲. اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز، سند راهبردی تحول در علوم انسانی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، برنامه هفتم توسعه، نقشه جامع علمی کشور، و سیاست‌های کلی نظام برای رشد توسعه علمی و تحقیقاتی. این منابع برای استخراج شاخص‌های مهم برای مرجعیت علمی کتب درسی علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفتند. شاخص‌های شناسایی شده در یک سیاهه جمع‌آوری شدند. سپس، روایی صوری و محتوایی این سیاهه توسط پنج نفر از متخصصان تهیه کتاب‌های درسی علوم انسانی مورد ارزیابی قرار گرفت. برخی از شاخص‌های اصلی مرجعیت علمی کتاب‌های درسی علوم انسانی عبارت بودند از: استفاده از پژوهش‌های مشترک بین‌المللی، انتشار کتب علوم انسانی به زبان‌های خارجی، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی برای معرفی کتب علوم انسانی، افزایش استنادات بین‌المللی و همکاری‌های بین‌المللی در نگارش و انتشار کتب درسی علوم انسانی. سیاهه به‌دست‌آمده چارچوبی قوی برای ارزیابی مرجعیت علمی کتاب‌های درسی علوم انسانی ارائه می‌دهد. مؤسسات و ناشران آموزشی با اتخاذ این شاخص‌ها می‌توانند کیفیت و رقابت جهانی برنامه‌های درسی علوم انسانی خود را ارتقا دهند.

۱. استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: mazandarani@live.com

۲. استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: taghaddomi.shahin@gmail.com

علاوه بر این، سیاهه پیشنهادی می‌تواند به عنوان ابزاری ارزشمند برای سیاست‌گذاران و دانشگاهیان با هدف ارتقای شاخص‌های دانشگاهی و جایگاه بین‌المللی آموزش علوم انسانی عمل کند.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، کتاب درسی، اسناد بالادستی، علوم انسانی، سیاست‌گذاری.

فناوری‌های نوین و بازتعریف مرجعیت علمی: از زیرساخت دانایی تا قدرت نرم جهانی

زهرا مجیدی^۱

محبوبه مصاحبی^۲

ملیکا مداحی^۳

چکیده

در عصر تحولات دیجیتال، مرجعیت علمی به‌طور فزاینده‌ای وابسته به توان بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در تولید، ذخیره، بازنشر و اعتبارسنجی دانش است. این پژوهش با روش اسنادی و کتابخانه‌ای، در پی تحلیل نقش فناوری‌های نوینی چون هوش مصنوعی، داده‌های کلان، زیست‌فناوری، و بسترهای دیجیتال در شکل‌دهی به مرجعیت علمی در سطح ملی و بین‌المللی است. بر اساس تحلیل نظریه‌های مربوط به جامعه شبکه‌ای (کستلز) و اقتصاد دانایی‌محور، این جستار استدلال می‌کند که فناوری نه‌تنها ابزار علم، بلکه بخشی از محتوای آن و بستر بازتولید سرمایه نمادین علمی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کشورهایی که توانسته‌اند زیرساخت‌های فناورانه‌ی مرتبط با علم را بومی‌سازی و شبکه‌های توزیع دانش را در اختیار بگیرند، در مسیر کسب مرجعیت علمی نیز پیش‌تاز شده‌اند. این مطالعه تأکید می‌کند که در فضای جهانی شده امروز، مرجعیت علمی بدون تملک پلتفرم‌های داده‌محور، توسعه ابزارهای پژوهشی پیشرفته، و ورود به عرصه‌های تولید مشترک دانش جهانی، امری دور از دسترس خواهد بود. از این‌رو، راهبرد حرکت به سوی مرجعیت علمی در ایران، نیازمند پیوند عمیق میان سیاست‌گذاری علمی، سرمایه‌گذاری فناورانه، و پرورش نیروی انسانی ماهر در زیست‌بوم‌های نوآوری است. در پایان، پیشنهادهایی برای بهره‌گیری حداکثری از فناوری‌های نوین در ساختارهای علمی کشور ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، فناوری‌های نوین، زیر ساخت دانایی

۱. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۳. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

دانشگاه و مرجعیت علمی: از نهاد آموزشی تا کنشگر تمدنی

مهدی محمدزاده^۱

محسن خاکی^۲

چکیده

دانشگاه، در مقام یکی از نهادهای کلیدی در نظم مدرن، از کارکردی صرفاً آموزشی عبور کرده و به بازیگری اصلی در تولید معرفت، بازسازی اجتماعی و توسعه ملی بدل شده است. این مطالعه و نوشتار، با روش اسنادی و کتابخانه‌ای، در پی تحلیل نقش دانشگاه در تحقق مرجعیت علمی است؛ نقشی که نیازمند بازتعریف مأموریت‌ها، بازطراحی ساختارها و ارتقاء تعاملات میان‌نهادی آن با سایر سطوح جامعه به منظور توسعه و افزایش مطالعات راهبردی است. بر اساس نظریه‌های نهادگرایی تاریخی و دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم، این مطالعه استدلال می‌کند که مرجعیت علمی زمانی پدید می‌آید که دانشگاه بتواند سه کارکرد بنیادی تولید علم، انتقال فناوری و حل مسائل اجتماعی را هم‌زمان ایفا کند. بر این اساس، دانشگاه ایرانی، علی‌رغم رشد کمی، در تحقق نقش مرجعیت‌ساز خود با چالش‌هایی همچون گسست میان آموزش و پژوهش، ضعف پیوند با صنعت و جامعه و بحران معنا در هویت آکادمیک روبروست. مقاله بر این نکته تأکید دارد که برای تبدیل دانشگاه به نهاد مرجع علمی، باید بر ارتقاء کیفیت تولید علم، تقویت تعاملات بین‌المللی، بومی‌سازی اهداف آکادمیک، و تربیت نخبگان مسئله‌محور تمرکز کرد. در پایان، با طرح الگویی از «دانشگاه تمدن‌ساز» به مثابه نقطه پیوند میان دانش، اخلاق و توسعه، افقی آینده‌نگر برای ایفای نقش مرجعیت علمی از سوی دانشگاه ترسیم می‌شود.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، دانشگاه، بوم‌سازی، اخلاق و توسعه

۱. مدیر مطالعات راهبردی، برنامه و بودجه دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲. رئیس گروه آمار و اطلاعات مدیریت برنامه‌ریزی و راهبردی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

اسلام و مرجعیت علمی

پیام محمودی^۱

چکیده

اصلاح فرهنگ موجود و تلاش برای ایجاد فرهنگ مطلوب لازمه هر گونه برنامه تحول آفرین برای رشد بشر است و یکی از مهم ترین گام ها در این زمینه به کارگیری منابع مناسب برای تأثیر در فرهنگ می باشد. قرآن منبع جامع دانش و حکمت و دربرگیرنده همه علوم و رشته هاست. قرآن حاوی همه علوم حقیقی اعم از صریح و ضمنی است. مرجعیت علمی قرآن به استخراج مستقیم حقایق و مبانی علمی از آیات آن محدود نمی شود، بلکه چارچوبی برای فهم و تفسیر جهان طبیعت و تجارب بشری فراهم می کند. تأثیر قرآن بر علم و دانش چندوجهی است، از تنظیم مبانی و اصول علوم تا پاسخ به سؤالاتی که علم تجربی نمی تواند به آن ها پاسخ دهد. همچنین دیدگاه منحصر به فردی در مورد ماهیت واقعیت، وجود انسان و رابطه بین فرد و جامعه ارائه می دهد. در زمینه مهندسی فرهنگی، رویکرد قرآن به اصلاح فرهنگ با تأکید بر پیوستگی سطوح مختلف فرهنگ و تبدیل آن به نظامی جامع و یکپارچه مشخص می شود. ساختار تکراری قرآن که وجه بارز سبک ادبی آن است، بازتابی از پیام فرهنگی آن تلقی می شود که بر اهمیت تکرار و تقویت در فرایند تحول فرهنگی تأکید دارد. در مجموع، مرجعیت علمی قرآن ریشه در توانایی آن در ارائه درکی جامع و یکپارچه از جهان و تجربیات بشری دارد، و آن را به منبعی ارزشمند برای محققان و پژوهشگران در رشته های مختلف تبدیل می کند.

کلید واژه ها: قرآن، فرهنگ، مرجعیت علمی، مهندسی فرهنگی.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، ماکو، ایران. ایمیل: mahmoodepayam@gmail.com

نقش زبان فارسی در مرجعیت علمی بر مبنای اندیشه‌های مقام معظم رهبری

دکتر خدایار مختاری^۱

امیرحسین جنتیان^۲

فاطمه صادقی^۳

چکیده

زبان مهم‌ترین ابزار آدمی در زندگی و بهترین وسیله حرکت به سوی کمال است. زبان فارسی، از زبان‌های ایرانی و از شاخه زبان‌های هندوایرانی که خود زیرگروه خانواده بزرگ زبان‌های هندواروپایی است، میراث گرانبها، پشتیبان و هویت ملی ایرانیان است. زبان غنی فارسی نسبت به دیگر زبان‌های دنیا دارای ظرفیت‌ها و ظرافت‌های خاصی همچون پرورشگاه زبان دری، وسعت زبان فارسی، نفوذ زبان فارسی در ادبیات‌های دیگر، قابلیت فرهنگ‌نویسی و قلمرو گسترده زبان فارسی و ... است. بر این اساس، مقام والای ولایت، حضرت آیت الله خامنه‌ای «مد الله فی عمره مداً»، برای این زبان غنی هشت کارکرد مهم برمی‌شمارد که با ظرفیت‌ها متناسب است و می‌تواند مرجعیت علمی والایی را به اثبات برساند. نویسندگان در این جستار تلاش دارند ضمن توجه به هشت کارایی، بر دوش کشیدن فرهنگ اسلام، حق زبان فارسی، عامل فرهنگ و تمدن جهانی، دسترسی به حکمت بی‌ظیر، عامل برجستگی علمی، زبان اسلامی-انقلابی، وحدت آفرینی و راهبردی انتقال معارف به واکاوی و ژرف‌اندیشی پردازند و مرجعیت زبان فارسی را به عنوان زبانی غنی، به زبان علمی دنیا تبدیل کنند.

کلید واژه‌ها: اندیشه‌های مقام معظم رهبری، کارکردهای زبان فارسی، ظرفیت علمی

۱. مدرس دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان dr.khodayarmokhtari@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، میمه، ایران Amirhoseinjannatian@gmail.com

۳. معلم رسمی آموزش و پرورش ناحیه ۲ اصفهان neginsadqi464@gmail.com

زبان فارسی، مرجعیت علمی.

بررسی مرجعیت علمی امام محمد باقر(ع) و تأثیرات تحول آفرین ایشان در علوم اسلامی

حسین مرادی نسب^۱

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین نقش محوری امام محمد باقر(ع) در تحول علوم اسلامی، به ویژه در حوزه های فقه، کلام و حدیث، انجام شده است. با توجه به چالش های فکری و اختلافات مذهبی در جامعه اسلامی پیش از عصر امام باقر(ع)، این مقاله به دنبال تحلیل روش های نوین ایشان در نظام مندسازی علوم دینی است. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر تاریخی، روایی و فقهی انجام شده است. یافته ها پژوهش نشان می دهد که امام باقر(ع) با بهره گیری از علم الهی و روش های استنباطی پیشرفته، تحولی بنیادین در علوم اسلامی ایجاد کرد که مهم ترین دستاوردهای آن عبارتند از: نوآوری در فقه؛ ارائه روش نظام مند اجتهاد بر اساس قرآن و سنت با تأکید بر عقل گرایی و نفی قیاس و استحسان؛ تبیین مبانی کلامی؛ پاسخگویی مستدل به شبهات فرقه های از جمله معتزله و مرجئه؛ ساماندهی حدیث؛ تدوین و پالایش روایات برای جلوگیری از تحریف. نتیجه آنکه تحولات فکری و فرهنگی امام باقر(ع) نه تنها به حل ابهامات فقهی و کلامی کمک کرد، بلکه زمینه ساز شکل گیری مکتب جعفری در عصر امام صادق(ع) شد. آثار این رویکرد در شکوفایی تمدن اسلامی مشهود است و لقب «باقرالعلوم» نشانگر عمق دانش ایشان در پاسخ به نیازهای علمی عصر خویش و نسل های بعدی است.

کلید واژه ها: امام محمد باقر(ع)، علوم اسلامی، فقه، کلام، حدیث، اجتهاد.

۱. استادیار، گروه تاریخ اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ایمیل: hmoradi@rihu.ac.ir

علم و فضای گفتمانی جامعه: امکان‌سنجی مرجعیت علمی در بستر فرهنگ عمومی

^۱ محبوبه مصاحبی

^۲ زهرا مجیدی

^۳ ملیکا مداحی

چکیده

مرجعیت علمی زمانی تثبیت می‌شود که علم نه فقط در نهاد دانشگاه، بلکه در تار و پود گفتمان عمومی جامعه حضور مؤثر یابد. این پژوهش با روش اسنادی و کتابخانه‌ای، در پی واکاوی چگونگی تبدیل شدن علم به گفتمان محوری جامعه و نقش آن در بنیان‌گذاری مرجعیت علمی است. با تکیه بر نظریات فوکو درباره دانش و گفتمان و بهره‌گیری از رهیافت جامعه‌شناسی معرفت، مقاله تلاش می‌کند نشان دهد که سیطره گفتمانی علم زمانی محقق می‌شود که علم به زبان مسائل عمومی ترجمه شود و بتواند در حوزه‌هایی همچون آموزش، رسانه، سیاست‌گذاری و زیست روزمره نقشی ایفا کند. یافته‌ها حاکی از آن است که در جامعه ایرانی، با وجود حجم بالای تولید علمی، گفتمان علم اغلب محدود به نخبگان باقی مانده و در عرصه عمومی ضعیف است. شکاف میان زبان دانشگاه و زبان مردم، انفعال نهاد علم در مواجهه با مسائل اجتماعی، و کم‌رنگ بودن حضور عالمان در رسانه‌ها، از موانع گسترش گفتمان علمی به‌شمار می‌رود. مقاله نتیجه می‌گیرد که تثبیت مرجعیت علمی مستلزم تقویت سواد عمومی علمی، تربیت نخبگان ارتباط‌گر، و بازطراحی الگوهای گفت‌وگوی میان علم و جامعه است؛ به نحوی که علم بتواند به‌عنوان عنصر شکل‌دهنده به افکار عمومی، تصمیم‌گیری‌های کلان، و زیست جمعی بدل شود.

۱. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۳. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، فضای علمی، گفتمان، فرهنگ

موانع مرجعیت دانشگاه در ایران

حسین مطیع^۱

محمدعلی مطیع^۲

چکیده

این مقاله ضمن بیان تعریف خود از مرجعیت علمی، به بیان موانعی می‌پردازد که در شرایط کنونی جمهوری اسلامی ایران، مانع مرجعیت علمی دانشگاه است. نویسنده این موانع را به دو نوع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم کرده و تمرکز خود را بر روی برخی موانع نرم-افزاری، مثل سوپژکتیویسم، سکولاریسم، لیبرالیسم، تکنوکراسی، پوزیتیویسم، و فرمالیسم علمی، گذاشته است. مراد و منظور نویسندگان از فرمالیسم علمی، مواردی مثل مدرک-گرایی، نمره‌گرایی و مقاله‌گرایی است. در ادامه، اشاره‌ای به نحوه نفوذ آن‌ها در دانشگاه داشته و پیشنهادهایی برای زدودن دانشگاه از آن‌ها ارائه می‌کند. در پایان، نویسنده نتیجه می‌گیرد که تا موانع مذکور رفع و دفع نشود، امکان یافتن جایگاه مرجعیت علمی برای ایران مسیر نمی‌شود و دانشگاه در مسیر ساخت تمدن نوین اسلامی قرار نخواهد گرفت. سپس پیشنهادهایی در این راستا ارائه کرده است. شیوه نگارش مقاله تحلیل اسنادی و نحوه گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است.

کلید واژه‌ها: دانشگاه، مرجعیت علمی، تمدن نوین اسلامی، سوپژکتیویسم، سکولاریسم، تکنوکراسی، پوزیتیویسم، لیبرالیسم، فرمالیسم علمی.

۱. عضو هیأت علمی مرکز معارف اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران. ایمیل: motie@iut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات، فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

ایمیل: mamotie313@gmail.com

میان‌رشتگی در پژوهش‌ورزی علوم انسانی به مثابه مسیری برای مرجعیت علمی

علیرضا منجمی^۱

چکیده

مدعای من در این مقاله آن است که یکی از راه‌های روا و موثق برای رسیدن به مرجعیت علمی در علوم انسانی شکل‌گیری و قوام یافتن حوزه‌های میان‌رشته‌ای است. این حوزه‌های میان‌رشته‌ای می‌توانند میان رشته‌های علوم انسانی باشند یا میان رشته‌های علوم پزشکی، علوم پایه یا علوم مهندسی و علوم انسانی شکل بگیرند. اما باید توجه داشت که تولید علم نه کاری انفرادی بلکه در قالب پژوهش‌ورزی در یک جامعه علمی شکل می‌گیرد و نمی‌توان صرفاً با بخشنامه و تدوین سازوکارهای اداری حوزه‌های میان‌رشته‌ای تشکیل داد. شرط ورود به حوزه میان‌رشته‌ای پذیرفتن این اصل است که مسأله‌ای وجود دارد که هیچ رشته‌ای به تنهایی از پس صورتبندی، فهم و حل آن بر نمی‌آید و نیازمند تعامل میان رشته‌ها است، از این رو، مسأله‌محوری و تواضع علمی مقوم میان‌رشتگی است. جنبش میان‌رشتگی در اصل در واکنش به رویکرد پوزیتیویستی تخصصی شدن مفرط و قطعه‌قطعه شدن علم نضج گرفت و راهی است برای وحدت علوم، پیوند مجدد علم و جامعه و احیای مسئولیت اجتماعی در پژوهشگران و دانشمندان. از همین رو، یکی از آفات حوزه‌های میان‌رشته‌ای فشار برای راه‌اندازی رشته‌های میان‌رشته‌ای است که متأسفانه در کشور ما روندی غالب دارد. در این نگاه، کار پژوهشی اصیل پیرامون مسائل اصلی کشور می‌گردد و باید سنگ‌بنا قرار گیرد که مرجعیت علمی بالتبع آن حاصل می‌آید. تجربه‌های موفق نگارنده در این حوزه همچون علوم انسانی پزشکی و علم‌سنجی علوم انسانی نشان می‌دهد که در جامعه علمی کشور توانایی بالایی برای شکل‌گیری حوزه‌های میان‌رشته‌ای وجود دارد. **کلید واژه‌ها:** میان‌رشتگی، پژوهش‌ورزی علوم انسانی، مسأله‌محوری، جامعه علمی.

۱. دانشیار، فلسفه علم و فناوری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. ایمیل: monajemi.alireza@gmail.com

مرجعیت علمی شاهنامه پژوهی در ایران

فؤاد مولودی^۱

چکیده

در میان پژوهشگران ایرانی، شاهرخ مسکوب، شاهنامه پژوهی بود که بی آنکه در دام تکرار نظریه‌های غربی و یکی‌انگاری متون حماسی یونانی و ایرانی بیفتد، فهم و دریافتی درست از زیباشناسی حماسی را زمینه کار خود قرار داد و بنیاد کار خود را در نسبت با زیباشناسی فلسفی و روش‌شناسی کل‌نگر آن استوار کرد: او در سه اثر «مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار» «سوغ سیاوش» «ارمغان مور» کوشید «مطلق، کلیت، تمامیت، وحدت، ذات، جوهر، اخلاق عینی، خصلت عمومی، انداموارگی، آفرینش، زمان، بینش، سخن، ترکیب، حرکت» و دیگر مؤلفه‌های سازنده حماسه را در شاهنامه درک کند و در پی فهم و استخراج مقوله‌های کلی زیباشناسی حماسی از آن بود تا از ترکیب آنها کلیت جهان حماسی را برسازد. او اقتضائات روش کل‌نگر در زیباشناسی حماسی، ضرورت بازنمایی تمامیت فرم شاهنامه در فضاسازی پژوهشی و نه اصرار بر پیگیری مفاهیم جزءنگارانه و نامتصل در گزاره‌های علمی یک‌لایه، اهمیت تن درن دادن این روش به دوگانه‌سازی‌های مفهومی و روستختی اثبات یا ابطال‌پذیرانه، و تمرکز بر لایه‌های هستی‌شناسانه متن را به خوبی دریافت. بدین سبب است که جنس پژوهش و نوشتار او در باب شاهنامه با روش‌های مألوف دوران فرق داشته است. شاهنامه از یک سو، رو به جانب وحدت حماسی و اساطیری دنیایی دارد که در زمانه فردوسی دیگر وجود نداشته است؛ و از سوی دیگر، ناظر به ذهن و جهان بینی خود فردوسی است که در مقام یک سوژه، در دوران متأخر عدم امکان حماسه می‌زیسته است. بدین سبب است که دیالکتیک دوری/نزدیکی همزمان فردوسی به تک‌واژگان و گزاره‌هایش اساس خوانش ما از متن شاهنامه است. به دیگر سخن، «میان سطور» و «زمینه ناپیدای» کار مسکوب در خوانش شاهنامه، تمرکز بر

۱. استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. ایمیل: f_molowdi@yahoo.com

این دیالکتیک بوده است و آن را در سه مرحله می‌توان پیگیری کرد: نخست در تلاش برای نشان دادن اتصال شاهنامه به جهان حماسی ایرانی و روح جمعی چند هزار ساله؛ دوم در تلاش برای نمایش چگونگی «محاکات حماسی» در فرم شاهنامه در روش‌شناسی کل‌نگر و مبتنی بر فضا سازی پژوهشی و نه در استنتاج از داده‌های جزئی؛ سوم در تمرکز بر این مورد که آگاهی فردوسی از جهان حماسی و جهی شهودی و نیمه آگاه داشته است نه و جهی اندیشگانی، و او به همان اندازه که از حیث محاکات در فرم به جهان حماسی نزدیک بوده از حیث مفهومی از آن دور بوده است. بنابراین، تأمل در لایه‌های زیرین فرم، تنها مبدأ و بنیادی است که در شاهنامه پژوهی مبتنی بر زیباشناسی می‌توان به آن تکیه کرد. تمرکز بر این روش‌شناسی حماسی و امتداد و گسترش دادن آن، و در اختیار داشتن بزرگ‌ترین متن حماسی جهان به زبان فارسی (شاهنامه فردوسی)، این امکان را پیش پای ما می‌گذارد که ویژه‌ترین پژوهش‌های زیباشناسانه حماسی را در دنیای ایرانی انجام دهیم و به جهان عرضه داریم.

کلیدواژگان: مرجعیت علمی، شاهنامه پژوهی، روش‌شناسی، زیبایی‌شناسی حماسی، شاهرخ مسکوب.

مدیریت دانش از نظریه تا پیاده‌سازی، راهبردی برای مرجعیت بومی دانش در ایران

علی مهدی^۱

چکیده

انتقال دانش به رضایت گروه یا افرادی که برای دستیابی به نفعی مشترک دانش را به اشتراک می‌گذارند، نیاز دارد. بدون به اشتراک گذاری دانش، انتقال آن به فردی دیگر غیرممکن است و این نشان می‌دهد که انتقال دانش در سازمان‌ها انجام نمی‌گیرد، مگر کارمندان سطح بالایی از رفتارهای تعاونی و مشارکتی را از خود نشان دهند. شرایط سازمانی می‌تواند زمینه‌هایی را ممکن شود که تحت آن شرایط به کمک مدیریت دانش بتوان محصولات و خدمات جدید تولید و ارائه نمود. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و یافته‌های آن نیز که مبتنی بر مطالعات اسنادی است، توصیفی - تحلیلی است؛ در این راستا، با هدف مطالعه و بررسی موضوع این تحقیق، به مرور اسناد موجود در منابع علمی کشور پرداخته می‌شود. همچنین از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که با مدیریت دانش می‌توان ابعاد مهمی از مرجعیت علمی و تولید دانش بومی و ملی را به وجود آورد. نتایج به موارد ذیل خلاصه می‌گردد: حفظ دارایی‌های فکری و سرمایه‌های مهم ملی یعنی تجربیات مدیران سطوح مختلف کشور، تلفیق بهینه متون کلاسیک آموزش مدیریت با شرایط بومی و ایجاد هم‌افزایی، انتشار متون مدیریت علمی بومی و اسلامی، طرح سبک مدیریت ایرانی در مجامع علمی مدیریت؛ ایجاد ابزارهایی برای کمک به بهبود سیستم ارتقا و انتصاب مدیران؛ ایجاد چارچوبی برای مبادله دانش بومی مدیریت در نظام آموزش عالی، کاهش هزینه‌ها به علت کاهش راهکارهای مبتنی بر آزمون و خطا، ایجاد زمینه‌ای برای افزایش خلاقیت و نوآوری.

۱. دکترای تخصصی، دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ رئیس اداره آینده‌پژوهی مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ایران. ایمیل: a.mahdi@ut.ac.ir

کلید واژه‌ها: مدیریت دانش، تجربه‌نگاری، توسعه مهارت کارکنان، پیاده‌سازی تجربیات.

نقش کتاب‌های درسی زبان و ادبیات انگلیسی در شکل‌گیری تفکر انتقادی و ارتقای مرجعیت علمی

آزاده مهرپویان^۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر کتاب‌های درسی زبان و ادبیات انگلیسی بر شکل‌گیری تفکر انتقادی و ارتقای مرجعیت علمی در نظام آموزشی کشور انجام شده است. با تمرکز بر تفاوت‌های این دو حوزه، پژوهش نشان می‌دهد که در حالی که برخی منابع زبان انگلیسی به توسعه مهارت‌های زبانی و تفکر انتقادی کمک می‌کنند، بسیاری از کتاب‌های ادبیات انگلیسی با چالش‌هایی همچون عدم به‌روزرسانی، تکرار مطالب قدیمی و فقدان رویکردهای پژوهشی نوین مواجهند. این پژوهش با ارائه شواهدی مستند، نشان می‌دهد استفاده طولانی مدت از منابع قدیمی و عدم توجه به نیازهای روزآمد دانشجویان، به ایجاد یک چرخه معیوب در تولید و مصرف دانش در حوزه ادبیات انگلیسی منجر شده است. در نتیجه، دانشجویان با دیدی محدود نسبت به ادبیات انگلیسی تربیت می‌شوند و توانایی تحلیل انتقادی متون ادبی و انجام پژوهش‌های مستقل را ندارند. پژوهش حاضر، ضمن نقد وضعیت موجود، پیشنهادهایی برای بهبود، از جمله بازنگری در سیاست‌های تألیف، حمایت از پژوهش‌های بنیادی و کاربردی، و ترویج استفاده از منابع الکترونیکی، ارائه می‌دهد. با اجرای این پیشنهادها می‌توان به ارتقای کیفیت آموزش ادبیات انگلیسی، تقویت تفکر انتقادی دانشجویان و در نهایت، افزایش مرجعیت علمی کشور در این حوزه کمک شایانی کرد.

کلید واژه‌ها: ادبیات انگلیسی، تفکر انتقادی، زبان انگلیسی، کتاب‌های درسی، مرجعیت

۱. استادیار، زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجه، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران. ایمیل: a.mehrpouyan@velayat.ac.ir

علمی.

دستیابی به مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام: گام بنیادین در مسیر کسب مرجعیت علمی به معنای عام

سید محمد تقی موحد ابطی^۱

چکیده

مقام معظم رهبری در دو دهه گذشته بارها بر «مرجعیت علمی» ایران تأکید کرده‌اند و به این هدف در اسناد بالادستی کشور توجه شده است. به منظور تبیین ابعاد مرجعیت علمی، ایجاد گفتمان علمی، و تدارک سازوکارهایی برای تحقق این هدف، مقالات بسیاری نگاشته شد و همایش ملی مرجعیت علمی نیز در سال ۱۴۰۲ برگزار گردید. در این مقاله، پس از ارائه مقدماتی در ارتباط با معنای مرجعیت علمی و اهمیت آن، در گام اول از مزیت دستیابی به مرجعیت علمی در علوم انسانی نسبت به علوم طبیعی و اسلامی دفاع می‌شود. سپس با طرح قید دیگر، از دشواری دستیابی به مرجعیت علمی در عرصه جهانی یاد شده و از تلاش برای دستیابی به مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام دفاع می‌شود. در گام سوم، برای دستیابی به این هدف، برگزاری همایش بین‌المللی به مناسبت پنجاهمین سالگرد کنگره بین‌المللی ۱۹۷۷ مکه، که نقطه عطفی در جریان اسلامی سازی علوم بود، پیشنهاد می‌شود با هدف گزارش دستاوردهای کشورهای اسلامی در زمینه علوم انسانی اسلامی و آسیب شناسی این روند در پنجاه سال گذشته، و سیاستگذاری و برنامه ریزی برای پنجاه سال آینده است. برگزاری این کنگره بین‌المللی در سال ۲۰۲۷ و پیش از رویداد بین‌المللی اکسپو ۲۰۳۰ عربستان که با هدف مرجعیت یافتن عربستان در منطقه برگزار می‌شود، گامی اساسی در راستای کسب مرجعیت علمی در جهان اسلام در پنجاه سال آینده و تمرینی برای دستیابی به مرجعیت علمی در عرصه جهانی در سایر علوم است.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، علوم انسانی اسلامی، آسیب شناسی گذشته جریان علوم انسانی اسلامی، آینده نگاری علوم انسانی اسلامی، اسناد بالادستی ایران.

۱. عضو هیأت علمی پژوهشکده فلسفه و تاریخ علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایمیل: smtmabtahi@gmail.com

مرجعیت علمی و استاد خوب و متعالی

محسن نیازی^۱

چکیده

امروزه در همه کشورها، نظام آموزش عالی عهده‌دار وظایف و مسؤولیت‌های مهمی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تربیتی جوامع است. در کشور ما نیز آموزش عالی وظیفه مهم تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف را برای تأمین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت، کشاورزی و سایر بخش‌های جامعه را بر عهده دارد. شواهد گوناگون حاکی از آن است که این نظام در صورتی از عهده وظایف خود برمی‌آید که از نظر کیفیت آموزشی در وضعیت مطلوبی باشد. از سوی دیگر، صاحب‌نظران معتقد هستند که استاد اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موفقیت در تحقق اهداف آموزشی است که می‌تواند با کنترل متغیرهای مختلف، وضعیت مناسبی برای حصول یادگیری بهتر فراهم آورد. بنابراین، استاد در محوریت چرخه فعالیت‌های یاددهی-یادگیری قرار می‌گیرد تا بتواند نیروهای کارآمد از نظر دانش، نگرش، مهارت و مسؤولیت‌های اجتماعی لازم از قبیل مسؤولیت‌پذیری، پاسخگویی، وجدان کاری، شخصیت و منش حرفه‌ای را تربیت نماید، لذا باید دارای معیارهایی باشد تا بتواند انتظارات سیستمی (دانشگاه) و فراسیستمی (جامعه) را تأمین نماید. بنابراین، شناخت ویژگی‌های استاد خوب اهمیت و ضرورت بسیاری دارد، چرا که تعیین ویژگی‌های استاد خوب و ارزیابی اساتید بر اساس آن و ارائه تصویری از نقاط قوت و ضعف آن، از یک سو بازخورد مناسبی در اختیار سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و متصدیان نظام آموزشی قرار می‌دهد و از سوی دیگر، باعث تسهیل آموزش و جبران کمبودهای کتب درسی و امکانات می‌شود. استاد خوب می‌تواند الگوی مناسبی جهت اجرای نقش‌ها برای دانشجویان خود باشد و چگونگی همکاری جمعی و مفید با دیگران را به آن‌ها آموزش داده و شیوه‌های تدریس خود را با نیازها و

۱. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، ایمیل: niazim@kashanu.ac.ir

توانایی و استعداد آنان هماهنگ سازد. علاوه بر این، مهم‌ترین هدف ارزیابی ویژگی‌های استاد خوب، کمک به اساتید در جهت اصلاح و بهبود روش‌ها و فعالیت‌های آموزشی، کمک به مدیران برای تصمیم‌گیری معقول‌تر برای استخدام، ترفیع استادان و در نهایت ارتقای تعلیم به‌عنوان یک حرفه است. تلاش در راستای شناخت ویژگی‌های یک استاد خوب موجب می‌گردد تا اساتید و مدیران آموزشی در این زمینه اطلاعات لازم را کسب نموده و با توانمندی در راستای وظیفه خطیر آموزش دانشجویان فعالیت نمایند.

دانشگاه‌های نسل جدید، به علاوه انجام مأموریت نسل‌های گذشته دانشگاه‌ها، مسئولیت برآورده‌سازی نیازها و خواسته‌های مبتنی بر جامعه را بر عهده دارند. بارزترین تفاوت دانشگاه‌های نسل جدید، برخورداری از رویکرد راهبردی است که می‌تواند محیط کارکردی خود را به صورت فعال شکل دهد.

استاد متعالی به عنوان مرجعیت علمی دانشجویان در تقویت و ایجاد گرایش نوآورانه، خلاقانه و کارآفرینانه نقش دارد. مشارکت‌طلبی، مسئولیت‌پذیری، روحیه کارآفرینانه داشتن، شفافیت در امور، پاسخگو بودن و مهارت ارتباطی و اجتماعی بالا می‌تواند استاد را به عنوان یک مرجعیت علمی به دانشگاه‌ها و جامعه معرفی نماید.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، استاد، دانشجو، پاسخگو بودن، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی

مرجعیت علمی و نوآوری پژوهشی

محسن نیازی^۱

محمد کارکنان نصرآبادی^۲

چکیده

تحول و توسعه در عرصه نوآوری و علم یکی از مهمترین استراتژی‌ها و سیاست‌های راهبردی دانشگاه‌ها و مراکز علمی به منظور تحقق مرجعیت علمی می‌باشد. مهمترین شاخص این تحول تولیدات علمی در دانشگاه همراه با مورد سنجش و ارزیابی قرار دادن آنها است. از طرف دیگر، مرجعیت علمی نقش قابل توجهی در کیفیت و کمیت و تسهیل فعالیت‌های پژوهشی از طریق تقویت و توسعه همکاری‌ها، دسترسی به منابع پیشرفته و افزایش اعتبار در شبکه‌های علمی جهانی دارد. مهمترین فرض در این زمینه این است که دانشگاه‌هایی که دارای مرجعیت علمی بالاتری هستند به دلیل سیستم‌های حمایتی قوی و همکاری‌های بین‌المللی، دارای نرخ نوآوری بالاتری خواهند بود.

بدون تردید، به منظور تحقق نوآوری در پژوهش مبتنی بر مرجعیت علمی، چالش‌هایی مانند فقدان دسترسی مساوی و برابر به منابع، محدودیت‌های مالی و تفاوت‌های ساختاری مانع تحقق نوآوری در پژوهش وجود داشته که توجه به فرصت‌هایی مانند استفاده از فناوری‌های نوین، حمایت از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و تقویت همکاری‌های جهانی می‌تواند این چالش‌ها را محدود نماید. در این نوشتار به مباحث نظری مرجعیت علمی در دانشگاه‌ها، نقش آفرینی مرجعیت علمی به عنوان محرکی اساسی در نوآوری پژوهشی، تقویت مرجعیت علمی از طریق سیاست‌های راهبردی و همکاری‌های بین‌المللی و دستیابی به منابع عادلانه و ایجاد محیط‌های تحقیقاتی پایدار برای بهره‌برداری کامل از پتانسیل مرجعیت علمی پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، نوآوری پژوهشی، تعامل دانشگاهی، پژوهش‌های میان

رشته‌ای

۱. استاد، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. ایمیل: niazim@kashanu.ac.ir

۲. مدرس و مدیر خانه خلاق علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

بررسی نقش نوآوری اجتماعی در تحقق مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی

محسن نیازی^۱

اکرم دهقانی^۲

محمد کارکنان نصرآبادی^۳

چکیده

هدف از این نوشتار، بررسی نقش نوآوری اجتماعی به عنوان راهکاری مؤثر برای تحقق مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی است. در یک تعریف، مرجعیت علمی به معنای دستیابی به جایگاه برتر علمی (بر اساس معیارهایی نظیر تعداد استنادات بین‌المللی به مقالات پژوهشگران ایرانی و میزان اثرگذاری دانش بومی در حل مسائل کشور) و تولید دانش بومی متناسب با نیازهای جامعه (از طریق مسئله‌محوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌ها) می‌باشد. از طرف دیگر، نوآوری اجتماعی، با تمرکز بر خلق راهکارهای خلاقانه مانند ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین دانشگاه و صنعت، طراحی دوره‌های آموزشی مسئله‌محور، و توسعه پلتفرم‌های آنلاین برای مشارکت عمومی در تولید دانش و مشارکت گسترده‌تر کنشگران اجتماعی، ظرفیت بالایی در ارتقای کیفیت تولید و ترویج دانش علوم انسانی دارد. به عبارت دیگر، نوآوری اجتماعی می‌تواند از طریق شاخص‌هایی مانند تعداد طرح‌های تحقیقاتی مشترک، افزایش تعداد استنادات به نتایج پژوهش‌ها در حیطه علوم انسانی، و تعداد مقالات منتشر شده در مجلات IQ که در ارتباط مستقیم با فعالیت‌های نوآورانه در حوزه علوم انسانی وضعیت مرجعیت علمی در علوم انسانی را بهبود بخشد. این بررسی بیانگر این است که نوآوری اجتماعی، از طریق ایجاد سازوکارهای نوین

۱. استاد، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. ایمیل: niazim@kashanu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری بررسی مسایل اجتماعی ایران - دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۳. مدرس و مدیر خانه خلاق علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

مشارکت اجتماعی مانند برگزاری رویدادهای استارت‌آپی در حوزه علوم انسانی و ایجاد فرصت‌های کارآموزی برای دانشجویان، توسعه روش‌های خلاقانه مانند استفاده از روش‌های طراحی مشارکتی در تدوین برنامه‌های درسی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی با رویکرد حل مسئله و پاسخگویی به مسائل واقعی جامعه از طریق تمرکز بر پژوهش‌های کاربردی و توسعه فناوری‌های نرم، می‌تواند شاخص‌های مرجعیت علمی را در علوم انسانی تقویت نموده و زمینه‌ساز تحول نظام‌های آموزشی، پژوهشی و ترویجی شود. هماهنگی و وحدت رویه میان نهادهای علمی، فرهنگی و اجرایی و بهره‌گیری از چارچوب‌های پایش و ارزیابی استاندارد از عوامل کلیدی در تحقق این هدف است. در مجموع، نوآوری اجتماعی به عنوان رویکردی میان‌رشته‌ای، ظرفیت ایجاد تغییرات ساختاری و فرهنگی در نظام علمی علوم انسانی را دارد که می‌تواند به توسعه پایدار دانش و حل مسائل اجتماعی کمک کند.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، نوآوری اجتماعی، طرح‌های کاربردی، علوم انسانی

مرجعیت علمی در حل مسائل جامعه: تحلیلی جامع و نوآورانه با تمرکز بر ایران

محسن نیازی^۱

فرزانه سرگزی^۲

چکیده

مرجعیت علمی، به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار، نقش کلیدی در تحلیل و حل مسائل اجتماعی نظیر فقر، نابرابری، بحران‌های زیست‌محیطی، و چالش‌های هویتی ایفا می‌کند. این نوشتار با رویکردی انسانی و علمی، به بررسی مفهوم مرجعیت علمی و کاربرد آن در مواجهه با مسائل اجتماعی ایران می‌پردازد. با بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، این مطالعه پیشینه پژوهش، چارچوب نظری، و نقش مرجعیت علمی در بستر فرهنگی و اجتماعی ایران را تحلیل کرده و راهکارهایی نوآورانه ارائه می‌دهد. در ایران، مرجعیت علمی با موانعی مانند شکاف بین تولید دانش و کاربرد عملی، تمرکزگرایی در نظام علمی، و ضعف تعامل بین نهادهای علمی و جامعه مواجه است. این چالش‌ها مانع از بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های علمی کشور شده‌اند. با این حال، فرصت‌هایی نظیر نیروی انسانی متخصص، رشد تولیدات علمی، و پتانسیل فناوری‌های دیجیتال، زمینه‌ساز تقویت مرجعیت علمی هستند. در این مقاله با تکیه بر نظریه‌های علم در جامعه لاتور، سرمایه علمی بوردیو، و حکمرانی علم جساف، مرجعیت علمی را ترکیبی از تولید دانش، اعتماد عمومی و کاربرد اجتماعی تعریف می‌کند. نتایج بیانگر این است که تقویت مرجعیت علمی در ایران نیازمند بازسازی رابطه بین نهادهای علمی، سیاست‌گذاران و جامعه و همچنین بهره‌گیری از رویکردهای بین‌رشته‌ای و فناوری‌های نوین است. در نهایت، پیشنهاداتی مانند ایجاد پلتفرم‌های تعاملی، تقویت آموزش‌های میان‌رشته‌ای و سرمایه‌گذاری در نوآوری‌های علمی، مرجعیت علمی به ابزاری مؤثر برای حل مسائل اجتماعی تبدیل شود. همچنین، تأکید بر بازسازی اعتماد عمومی و تقویت گفتمان علمی-اجتماعی، راه را برای دستیابی به راه‌حل‌های پایدار و مبتنی بر شواهد هموار می‌کند.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، مسائل اجتماعی، زمینه اجتماعی-فرهنگی، رویکردهای میان‌رشته‌ای.

۱. استاد، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری بررسی مسایل اجتماعی ایران-دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

مرجعیت علمی و بازطراحی حکمرانی: علم محوری به مثابه رکن توسعه پایدار

محسن نیازی^۱

زهره مجیدی^۲

محبوبه مصاحبی^۳

ملیکا مداحی^۴

چکیده

حکمرانی خوب، مفهومی مبتنی بر شفافیت، پاسخ‌گویی، کارآمدی و مشارکت‌پذیری است که در عصر حاضر، بدون تکیه بر مرجعیت علمی، نه قابل تحقق است و نه قابل دوام. از اینرو، مطالعه حاضر با بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، به واکاوی نقش مرجعیت علمی در ارتقاء کیفیت حکمرانی و کارآمدی نظام تصمیم‌گیری می‌پردازد و همچنین، با اتکا به چارچوب نظری سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد (Evidence-Based Policy Making) و تحلیل پیوندهای میان علم، سیاست و جامعه، نشان می‌دهد که در کشورهایی با مرجعیت علمی تثبیت‌شده، علم به‌عنوان منبع مشروعیت‌بخش و مسیر اصلاح سیاست‌ها عمل می‌کند. از این رو، یافته‌ها بیانگر آن است که در فقدان نهادهای واسطه‌ای میان دانشگاه و دولت، دانش تولیدشده به عرصه تصمیم‌سازی وارد نمی‌شود و به دلیل نبود سازوکارهای نهادی برای انتقال شواهد علمی، نظام حکمرانی از مزایای معرفتی نخبگان علمی بی‌بهره می‌ماند. علاوه بر آن، این جستار تأکید می‌کند که برای پیوند زدن میان علم و حکمرانی، باید به توسعه نهادهای دانش‌بنیاد، ارتقاء سواد علمی تصمیم‌گیران و ایجاد سازوکارهای حقوقی و مالی برای تقاضای علم در دولت اندیشید. در نتیجه، مرجعیت علمی نه صرفاً یک هدف آکادمیک، بلکه ابزاری کلیدی در تحقق توسعه عادلانه، سیاست‌گذاری عقلانی و اعتماد عمومی به نظام حکمرانی تلقی می‌شود.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، حکمرانی خوب، کارآمدی، شفافیت، مشارکت‌پذیری

۱. اسناد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۳. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۴. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

نقش تفکر انتقادی در تقویت مرجعیت علمی و نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی

ثمانه یزدانی^۱

چکیده

تفکر انتقادی به عنوان یکی از ابزارهای اساسی در توسعه دانش و ارتقای مرجعیت علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی شناخته می‌شود. این پژوهش به بررسی نقش تفکر انتقادی در بهبود کیفیت تحقیقات، افزایش دقت علمی و تقویت نوآوری در این حوزه‌ها می‌پردازد. هدف اصلی مقاله، تحلیل تأثیر تفکر انتقادی بر مرجعیت علمی و بررسی چگونگی تسهیل گفتمان‌های علمی و نوآوری‌های نظری در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی توسط این مهارت است. این مطالعه به روش کیفی و از طریق تحلیل محتوای مقالات علمی و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با پژوهشگران برجسته انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد تفکر انتقادی موجب افزایش توانایی پژوهشگران در بازبینی مستمر نظریات و توسعه فرضیات جدید می‌شود. همچنین، به کارگیری این مهارت سوگیری‌های شناختی و خطاهای تحلیلی را کاهش می‌دهد. پژوهشگران با تکیه بر رویکردهای علمی مستند و شواهد معتبر، توانایی بیشتری در بررسی مسائل پیچیده اجتماعی دارند. یافته‌ها حاکی از آن است که تفکر انتقادی نه تنها نوآوری و خلاقیت علمی را ارتقا می‌دهد، بلکه به عنوان ابزاری کلیدی برای تقویت جایگاه علمی پژوهشگران در جوامع علمی جهانی شناخته می‌شود.

کلید واژه‌ها: تفکر انتقادی، مرجعیت علمی، نوآوری علمی، علوم انسانی و اجتماعی، گفتمان علمی.

۱. معاون بین‌الملل و مدیر گروه تخصصی علوم اجتماعی و انسانی کمیسیون ملی یونسکو ایران، ایمیل: yazdani@irunesco.org

کتابشناسی مرجعیت علمی

کتاب

- اعرابی، غلامحسین، نگاهی نو به مرجعیت علمی قرآن بر پایه کلام مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱.
- رودی، کمیل، دانشگاه و مرجعیت علمی، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- صبوری، علی اکبر، کتاب آموزش عالی، توسعه علمی و مرجعیت علمی: گفتگو با شخصیت‌های برجسته و اثرگذار علمی کشور، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۲.
- طاهری، ملیحه، بررسی ابعاد مرجعیت علمی، نشر کیسان، ۱۳۹۴.
- عرب‌الله فیروزجاه، نادعلی، آموزش پاسخگو و مرجعیت علمی، نشر علیم نور، ۱۴۰۲.
- قلی‌پور، حسین، ساخت دانشگاه در افق مرجعیت علمی، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۹.
- نژادنوری، محمد مهدی و علی‌اصغر سعدآبادی، کاربرست نوآوری اجتماعی جهت نیل به مرجعیت علمی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۸.
- یوسفی مقدم، محمد صادق، مرجعیت علمی قرآن کریم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۲.

مقاله

- ابراهیمی، روح‌اله و رضازاده، مهدی، مرجعیت زبان فارسی؛ راهبرد عزتمندی انسان در جامعه ایرانی-اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی (الگوی نظام انقلابی تمدن ساز) (مقالات اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب)
- آزادی احمدآبادی، قاسم، نقشه راه مرجعیت در علم، فناوری و نوآوری براساس اسناد بالادستی، ترویج علم، بهار و تابستان ۱۴۰۲ - شماره ۲۴.
- امیرارجمندی، سیده زهرا، ساروخانی، باقر و نوابخش، مهرداد، مرجعیت علمی و ارزش‌های بوم‌محور در نقشه جامع علمی کشور، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، پاییز ۱۴۰۱ - شماره ۳۸.
- بختیاری، حسین، جعفری تویه، جعفر، ملاصادقی، محمدباقر و عباسی، حسین، طراحی مدل ساختاری - تفسیری مؤلفه‌های مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه مورد مطالعه: دانشگاه امام صادق علیه السلام، اندیشه مدیریت راهبردی، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۳۰.
- برزگر، پیام، فاتح راد، مهدی، مهدی زاهدی، محمد، مهدی نژاد نوری، محمد، معماری علم، فناوری و نوآوری جمهوری اسلامی ایران به منظور دستیابی به مرجعیت علمی در افق ۱۴۴۰، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، پاییز ۱۴۰۰ - شماره ۱۹.
- بهروزی لک، غلامرضا، رویکردهای مطالعات سیاسی در قرآن کریم، پژوهش‌های سیاست اسلامی،

- تابستان ۱۳۹۲ - شماره ۲،
- تابان، محمد، سید جوادین، سید رضا، اله پور اشرف، یاسان، یاسینی، علی و ویسه، صید مهدی، شناسایی مؤلفه‌های مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران با رویکرد داده بنیاد، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، تابستان ۱۳۹۵، سال بیستم - شماره ۲.
- جعفرزاده، مجتبی و طهماسبی، سیامک، ارائه الگوی عوامل کلیدی موفقیت برای تحقق مرجعیت علمی در دانشگاه اسلامی (مورد مطالعه دانشگاه امام صادق (ع))، مدیریت در دانشگاه اسلامی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، سال یازدهم - شماره ۲.
- حافظی، رضا، میرزارسولی، فرشته، امین‌لو و میترا، ویژگی‌ها و چالش‌های مرجعیت علمی ایران از منظر سرآمدان، سیاست علم و فناوری، پاییز ۱۴۰۱ - شماره ۵۵.
- حسن‌زاده، سید حسین و عیوضی، محمدرحیم، طراحی الگوی مدیریت آینده‌پرداز برای انتقال مرجعیت شخصیت‌های تمدن‌ساز: موردکاوی شمس تبریزی، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، بهار و تابستان ۱۴۰۲ - شماره ۱۱.
- حسینی شیرازی، سید علیرضا و لطفی‌پور، محمد، شکل‌گیری و کارکردهای مرجعیت علمی زراره‌بن‌اعین، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، بهار ۱۴۰۱ - شماره ۷۴.
- حسینی مقدم، محمد و بشیری، حسن، ارائه الگوی پیشنهادی آینده‌نگاری مرجعیت علمی با تأکید بر مطالعه موردی دانشگاه علوم پزشکی گیلان، آینده پژوهی ایران، بهار و تابستان ۱۳۹۸ - شماره ۴.
- خان محمدی، هادی و باقری، مصباح الهدی، طراحی مدل مفهومی نظام علمی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، اندیشه مدیریت راهبردی، بهار و تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۷.
- رجایی رامشه، سیدمحمدکاظم، مبانی، اصول و اهداف سند مرجعیت حوزه سلامت، فرهنگ و ارتقاء سلامت، بهار ۱۳۹۸ - شماره ۶.
- رستم زاده، فرشید، برازش، محمدعلی، غفاری، حبیبه و حنیفی، وحید، نقش سند تحول بنیادین به عنوان مبنای مرجعیت علمی در عصر ظهور با رویکرد فراترکیب، تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، پاییز ۱۴۰۳ - شماره ۲۲.
- رسولی دوست، سلمان، بی‌نیاز، سیدعباس و نادری نسب، مهدی، بررسی نقش مرجعیت علمی نشریات مدیریت ورزشی در فرایند سیاست گذاری ورزش: تحلیل اثرات و راهکارها، تکنولوژی در کارآفرینی و مدیریت استراتژیک، تابستان ۱۴۰۳ - شماره ۸.
- رضایی اصفهانی، محمد علی و نبی‌زاده، داراب، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام بر پایه تفسیر تطبیقی آیه اهل الذکر، مطالعات تفسیری، پاییز ۱۴۰۰ - شماره ۴۷.
- رضایی، محمد مهدی و فلسفی، پیمان، نقش و جایگاه علوم میان رشته‌ای در مرجعیت علمی نظام علم و فناوری و نوآوری سلامت، فرهنگ و ارتقاء سلامت، بهار ۱۳۹۸ - شماره ۶.
- رفیعی، محسن و شریفی، معصومه، مبانی مرجعیت علمی اهل بیت رسول خدا از دیدگاه اهل سنت، اندیشه تقریب، تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۲۷.
- رفیعی، محسن و شریفی، معصومه، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام با تأکید بر حجیت سنت ایشان، اندیشه نوین دینی، پاییز ۱۳۹۱ - شماره ۳۰.

- زین الدینی، مجید و قنداقی، محمد، الزامات و شرایط تولید علم در سپهر اندیشه امام خامنه‌ای، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، بهار ۱۴۰۳ - شماره ۲۹.
- زین الدینی، مجید و قنداقی، محمد، موانع و عوامل بازدارنده تولید علم در جمهوری اسلامی ایران از منظر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، پاییز ۱۴۰۱ - شماره ۲۳.
- زین الدینی، مجید، انتظارات و اهداف از نظریه‌پردازی و تولید علم در سپهر اندیشه امام خامنه‌ای مد ظله‌العالی، امنیت پژوهی، تابستان ۱۴۰۲ - شماره ۸۲.
- سازمند، طاهره، صالحی، محمد و نیازآذری، کیومرث، تدوین و پیاده‌سازی رویکرد آموزش پاسخگو در مدل‌سازی کسب مرجعیت علمی در آموزش پزشکی، پژوهش در نظام‌های آموزشی، پاییز ۱۴۰۰ - شماره ۵۴.
- سازمند، طاهره، صالحی، محمد، نیاز آذری و کیومرث، ارائه مدل کسب مرجعیت علمی در آموزش پزشکی با رویکرد آموزش پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی مازندران، رهبری و مدیریت آموزشی، تابستان ۱۳۹۹ - شماره ۵۲.
- سعدآبادی، علی اصغر، رحیمی‌راد، زهره و فرناش، کیارش، بازشناسی مؤلفه‌های ناظر بر مفهوم مرجعیت علمی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۹۹، سال دهم - شماره ۲.
- سعدآبادی، علی اصغر، رحیمی‌راد، زهره و فرناش، کیارش، کاربست نوآوری اجتماعی برای افزایش مشارکت اجتماعی جهت نیل به مرجعیت علمی: مدیریت در دانشگاه اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۹، سال نهم - شماره ۱.
- سلطانی رضایی سیر، سجاد و بیات، سیاوش، وظیفه مرجعیت علمی در عصر غیبت و آینده آن، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، پاییز ۱۴۰۲، دوره نهم - شماره ۳.
- سیدجوادین، سیدرضا، حسینی‌پور، طهمورث، رهنورد، فرج‌اله، تاب و محمد، مفهوم‌پردازی مرجعیت علمی در نظام آموزش عالی، پژوهش در نظام‌های آموزشی «بهار ۱۳۹۱ - شماره ۱۶».
- سیدی، سیدمهدی، رصد کمیت مقالات علمی در حوزه زیست پزشکی و سلامت در جهان، آسیا، و وضعیت دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور با تأکید بر مرجعیت علمی، فرهنگ و ارتقاء سلامت، بهار ۱۳۹۸ - شماره ۶.
- شاهدی، محمد و تبریزچی، نرگس، آسیب‌شناسی مرجعیت علمی بخش پزشکی کشور، فرهنگ و ارتقاء سلامت، بهار ۱۴۰۱ - شماره ۱۸.
- صفدری رنجبر، مصطفی، برنامه‌هایسیاستی برای حمایت از مرجعیت علمی و فناوری، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، تابستان ۱۴۰۲ - شماره ۴۷.
- طاهری، محمدمهدی، تحقق مرجعیت علمی رویکردی کلیدی برای خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، فرهنگ و ارتقاء سلامت، بهار ۱۳۹۸ - شماره ۶.
- علی‌زاده موسوی، سیدحامد، واکاوی دیدگاه‌هایخاورشناسان درباره رابطه قرآن و تاریخ با رویکرد مرجعیت علمی قرآن، قرآن شناخت، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ - شماره ۳۱.
- غرسبان، مرتضی، مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه دکتر گلشنی، مطالعات علوم قرآن، پاییز ۱۳۹۹ -

شماره ۵ .

- فراز کیش، مهدیه، عبدی، ساجده و آزادی احمدآبادی، قاسم، ارائه مدل مفهومی «مرجعیت علمی» براساس اندیشه و گفتار مقام معظم رهبری، اندیشه مدیریت راهبردی، پاییز ۱۴۰۱ - شماره ۳۳ .
- فقهی زاده، عبدالهادی و تاجیک، الهه، مرجعیت علمی امام علی (ع) در گستره علوم دینی، پژوهش‌های نهج البلاغه، بهار ۱۳۹۳ - شماره ۴۰ .
- قاسمی، محمد علی و بهروزی لک، غلامرضا، مبانی انسان‌شناختی مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی، سیاست متعالیه، زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۳۵ .
- قاسمی، محمدعلی و بهروزی لک، غلامرضا، کاربست نظریه علم دینی آیت الله جوادی آملی در مرجعیت علمی قرآن برای علوم سیاسی، حکمت اسراء، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۳۴ .
- قاسمی، محمدعلی، مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی براساس لایه‌های وجودی انسان، دین و دنیای معاصر، بهار و تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۱۴ .
- قربانخانی، مهدی و صالحی، کیوان، رهیافتی پدیدارشناسانه در واکاوی موانع خلق دانش در علوم انسانی بر پایه ادراک و تجربه زیسته نخبگان و فرهیختگان دانشگاهی، راهبرد فرهنگ، زمستان ۱۳۹۹ - دوره سیزدهم، شماره ۵۲ .
- قربانخانی، مهدی و کیوان صالحی، تبیین کژکارکردهای بازدارنده مرجعیت علمی در علوم انسانی، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، پاییز ۱۴۰۱ - شماره ۲۳ .
- قربانی، محمدحسین، کشگر، سارا، هنری، حبیب و شعبانی بهار، غلامرضا، شناسایی عوامل مؤثر در توسعه علمی کاربردی دانشکده‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی با رویکرد فراترکیب، پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، پاییز ۱۴۰۱ - شماره ۴۲ .
- قوام‌آبادی، محمدغلام، مرتضوی نژاد، سید مهدی، نوروزی، سمیه، جوادی، مجتبی، نانی، سعید و عبدالحسین زاده، محمد، الگوی مرجعیت علمی در جمهوری اسلامی ایران براساس بیانات مقام معظم رهبری، مطالعات راهبردی بسیج، پاییز ۱۳۹۴ - شماره ۶۸ .
- کوشازاده، فاطمه، معقول، علی، جباری نوغابی، مهدی، کوشازاده، علی و اکبری، احمد، شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌گذاری عوامل مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه پژوهش در نظام‌های آموزشی، زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۴۷ .
- گودرزی، غلامرضا و رودی، کمیل، تبیین مرجعیت علمی برای نهادهای علمی کشور با رویکرد تئوری مفهوم‌سازی بنیادی سیاست علم و فناوری، زمستان ۱۳۹۰ - شماره ۱۴ .
- لطیفی، میثم، طهماسبی بلوک آباد، رضا، جوادی، مجتبی، میرزایی‌هاوشکی و محمدحسن، استخراج و اولویت‌بندی راهبردهای نیل به مرجعیت علمی ج.ا.ایران با روش تحلیل عملکرد-اهمیت (IPA)، راهبرد، بهار ۱۳۹۷ - شماره ۸۶ .
- محقق، محمدعلی، گلشنی، مهدی، مرندي، علیرضا، سجادی، سیدجمال‌الدین، حقدوست، علی اکبر، شاهی باغ‌خندان، محمد، رجایی، سیدکاظم و الهیان، زهره، مرجعیت علمی: آسیب‌شناسی علاج‌جویانه وضع موجود نظام علم و فناوری و نوآوری سلامت، فرهنگ و ارتقاء سلامت، بهار ۱۳۹۸ - شماره ۶ .

- محمد دوست، محمود رضا، اصغریان دستنایی، محمد و مولوی وردنجانی، عیسی، نقش راهبردی اقتدار فرهنگی در امتداد حیات اجتماعی شیعیان (با تأکید بر مؤلفه‌های امامان معصوم علیهم السلام، اسلام و مطالعات اجتماعی، پاییز ۱۴۰۰ - شماره ۳۴.
- محمودی، محمد کاظم، تقوایی یزدی، مریم و صالحی، محمد، مروری بر تأثیر رهبری دانش محور بر مرجعیت علمی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کلان منطقه یک، راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، فروردین ۱۴۰۳، دوره هفدهم - شماره ۱.
- مظفری، نیلوفر، خان محمدی، هادی وحاجیان حیدری، مجتبی، شناسایی شاخص‌های مرجعیت آفرین رشته‌های علوم انسانی در آموزش عالی، پژوهش در نظام‌های آموزشی، زمستان ۱۴۰۲ - شماره ۶۳.
- منافی، حسین و رضائزاد، عزالدین، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام در روایات اهل سنت، مطالعات قرآنی نامه جامعه، تابستان ۱۳۹۶ - شماره ۱۲۲.
- مهدی نژاد نوری، محمد، برزگر، پیام، فاتح راد، مهدی و زاهدی، محمد مهدی، تدوین چارچوب معماری علم، فناوری و نوآوری به منظور دستیابی به مرجعیت علمی، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، بهار ۱۳۹۹ - شماره ۱۳.
- نجفی، محمدرضا، مرادی، مجتبی، فهیم دانش، شهاب، حیدرزاده بنام، حسین، اعظم خسروی و علی، احراز جایگاه مرجعیت علمی از الزامات نظام انقلابی تمدن ساز، همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی (الگوی نظام انقلابی تمدن ساز) (مقالات اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب).
- واثقی بادی، محمد، جوانعلی آذر، مرتضی و خندان، علی اصغر، شناسایی و اولویت‌بندی موانع تحقق مرجعیت علمی در عرصه علوم انسانی (مورد مطالعه دانشگاه امام صادق علیه السلام، اندیشه مدیریت راهبردی، بهار و تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۲۹.
- ولی زاده، محمد مهدی، ولی زاده، ابوالقاسم و مرندی، زهرا؛ اصول و مؤلفه‌های پژوهش تمدن ساز در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۴۳.
- یزدانی، شهرام، دشتی رحمت آبادی، مرضیه، حسینی ابرده، مریم و حق دوست، علی اکبر، نقشه راه نیل به مرجعیت علمی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، فرهنگ و ارتقاء سلامت، زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۱۷.